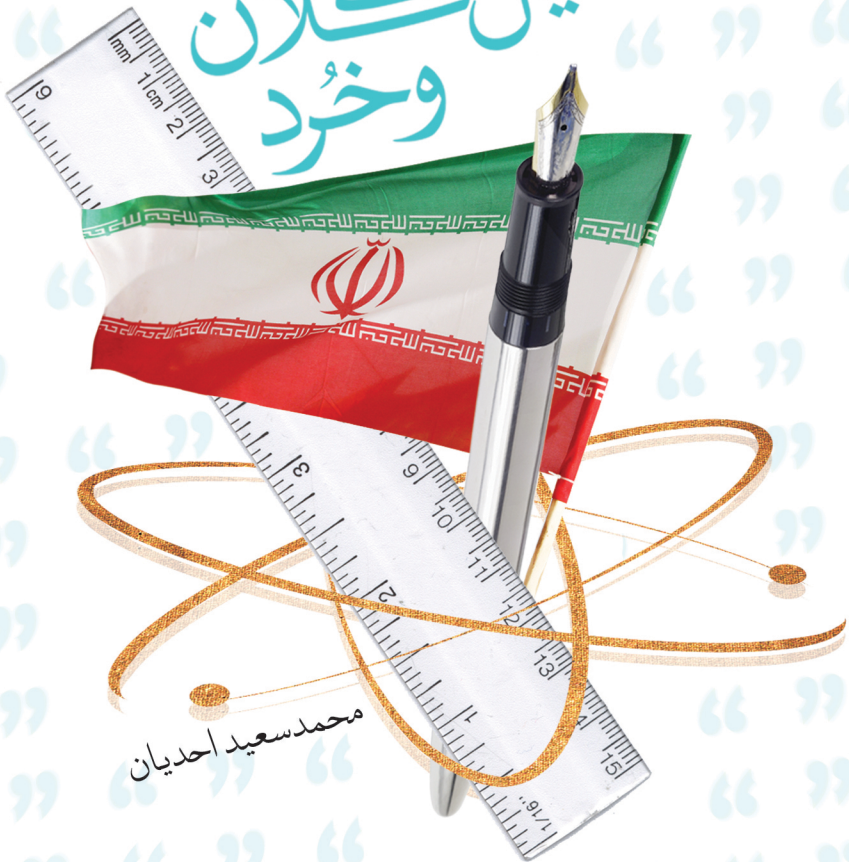


دربرجام تحلیل گران و خرد



محمد سعید احدیان



رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)

البته در این نگاه کلی بایستی واقع‌بینانه نگاه کنیم؛ خودمان را نایستی دچار خطا کنیم؛ یک‌سونگری نکنیم. ما نقاط مثبتی داریم، نقاط منفی هم داریم؛ هر دو را ببینیم. گاهی فقط نگاه منفی غلبه داده می‌شود. غلبه‌دادن نگاه منفی، خلاف واقع‌بینی است؛ موجب ناامیدی است. نقطه مقابلش هم همین جور است؛ یعنی غلبه‌دادن نگاه مثبت، بدون دیدن نقطه منفی؛ این هم گمراه‌کننده است؛ موجب یک رضایتی در انسان می‌شود که احیاناً این رضایت، رضایت کاذب است؛ این هم درست نیست. نقاط منفی را هم باید در کنار نقاط مثبت دید.

۱۶ مرداد ۱۳۹۰

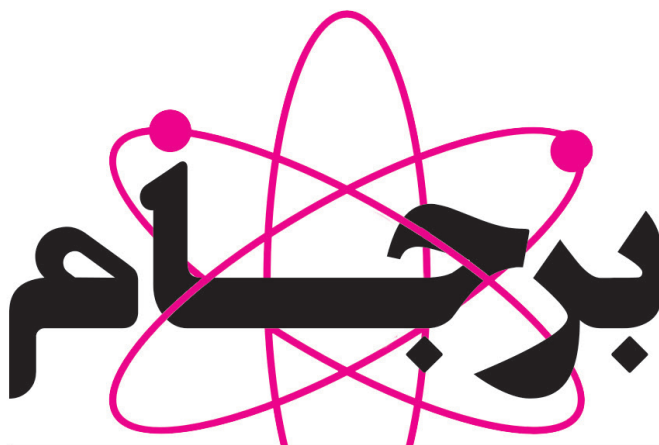


اگر ما نگاه کلان به انقلاب و حادثه پدیدآمن جمهوری اسلامی بکنیم، جزئی‌نگری‌ها نمی‌تواند ما را همراه کند. گاهی جزئی‌نگری و نگاه نکردن مسیر مستمر از ابتدا تا انتها، انسان را همراه می‌کند؛ حتی گاهی آدم راه را گم می‌کند، هدف را گم می‌کند. نمی‌خواهیم بگوییم جزئی‌نگر نباشیم؛ چرا نگرش به جزئیات، یعنی همان برنامه‌ریزی؛ این را ما منکر نیستیم. برنامه‌ریزی، نگاه به فصول مختلف و بخش‌های مختلف، یعنی جزئی‌نگری. می‌خواهیم بگوییم این نگاه به بخش‌ها و اجزا و ابعاد موجب نشود که ما غافل بشویم از نگاه به کل؛ چون نگاه به کل برای ما درس‌آموز است.

توجه :

به خاطر اهمیت موضوع و به درخواست نویسنده محترم، نسخه الکترونیکی این کتاب، به صورت رایگان برای انتشار در فضای مجازی در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است. لذا هرگونه استفاده تجاری و فروش نسخه الکترونیکی ممنوع می باشد .
با عنایت به موجود بودن نسخه چاپی کتاب، علاقه مندان می توانند از طریق تماس با شماره ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۹۱ و یا ارسال کلمه "برجام" به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ نسبت به خرید آن اقدام نمایند .
با تشکر

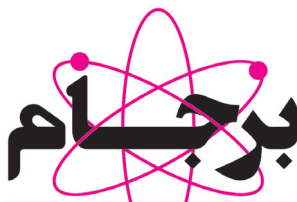
ناشر



در تحلیل کلان و خرد

محمد سعید احديان

سرشناسه : احدیان، محمدسعید، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور : برجام در تحلیل کلان و خرد/ محمدسعید
احدیان.
مشخصات نشر : مشهد: موسسه فرهنگی هنری خراسان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۱۴۸ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۶۹۸-۱-۶
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵ م، ۱۴ ژوئیه
موضوع : ایران -- روابط خارجی -- قرن ۱۴
موضوع : ایران -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴
شناسه افزوده : موسسه فرهنگی هنری خراسان
رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ب۳ الف/۵۶۷۵ KZ
رده بندی دیویی : ۳۲۷/۱۷۴۷۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۴۱۲۲۵



در تحلیل کلان و خرد

نویسنده: محمدسعید احدیان

ناشر: موسسه فرهنگی هنری خراسان

ناظر چاپ: سجاد داعی

صفحه آرا: امید باصری

چاپ: اول شهریور ۹۴

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۶۹۸-۱-۶

آدرس:

مشهد بلوار شهید صادقی

انتشارات موسسه فرهنگی هنری خراسان

تلفن: ۰۵۱ - ۳۷۰۰۹۱۹۱

فاب: ۰۵۱ - ۳۷۰۰۹۱۹۹



.....	سخن ناشر	۹
.....	پیش گفتار	۱۱

بخش اول

۱۷ **برجام در نگاهی کلان**

فصل اول

.....	آنچه داده ایم؛ آنچه گرفته ایم	۱۸
.....	داده ها	۱۹
.....	ستاندها	۲۳
.....	جمع بندی	۲۹
.....	پی نوشت	۳۴

فصل دوم

.....	عقب نشینی های آمریکا	۳۶
-------	----------------------	----

بخش دوم

۴۷ **اجزای برجام در نگاه خرد**

فصل اول

.....	برجام و بررسی متناظر بودن اقدامات	۴۸
.....	مراحل اجرایی برجام	۴۹
.....	روز نهایی شدن	۴۹
.....	روز اجرا	۵۱
.....	از روز اجرا تا روز انتقالی	۵۳
.....	روز خاتمه	۵۵
.....	جمع بندی	۵۶
.....	پی نوشت ها	۶۰

فصل دوم

.....	مکانیزم ماشه در برجام	۶۲
.....	آیا موانع حقوقی مانع نقض عهد آمریکا خواهد بود؟	۶۳
.....	مکانیزم ماشه ای برای ایران	۶۴
.....	سؤال همچنان باقی	۶۵
.....	پی نوشت ها	۶۶

فصل سوم

.....	هزینه منفعت بازگشت پذیری	۶۷
.....	هزینه منفعت بازگشت پذیری ایران	۶۸
.....	بازگشت پذیری طرف مقابل	۷۳
.....	جمع بندی	۷۸
.....	پی نوشت ها	۸۰

فصل چهارم

.....	پاشنه آشیل حقوقی برجام	۸۳
-------	------------------------	----

۸۴	 صورت مسئله
۸۵	 بند ۷۸ ضمیمه یک از دیدگاه منتقدان آمریکایی برجام
۸۶	 فرصت ۲۴ روز، شاید راهی برای مقابله به مثل با نقض پیمان
۸۶	 چرا باشنه آشیل حقوقی؟
۸۷	 تصمیم ایران در برابر الزام حقوقی
۸۸	 جمع بندی
۸۹	 پی نوشت ها

فصل پنجم

۹۰	 مسئله قطعنامه و چند ابهام مهم
۹۰	 قطعنامه سازمان ملل
۹۴	 جمع بندی
۱۰۴	 پی نوشت ها

بخش سوم

۱۰۷	 برجام و خط قرمزها
-----	--------------------------------

فصل اول

۱۰۸	 برجام و روش بررسی خط قرمزها
۱۰۹	 رهبری و خطوط قرمز
۱۱۲	 شیوه علمی بررسی به روش تعیین شاخص (خط قرمز)
۱۱۴	 ضرورت بررسی خط قرمزهای استراتژیک
۱۱۴	 پی نوشت

فصل دوم

۱۱۶	 خطوط قرمز حیاتی و غیر حیاتی در برجام
۱۱۶	 محدودیت در یافتن منظور اصلی از مفاهیم کلمات
۱۱۷	 خط قرمزهای استراتژیک و هدف از مذاکرات
۱۱۷	 انطباق برجام با خط قرمزها
۱۱۸	 تحقیق و توسعه، خط قرمز استراتژیک
۱۱۹	 خط قرمز محدودیت زمانی، غیر استراتژیک و مطابق با توان هسته ای
۱۲۰	 خط قرمزهای مربوط به هدف «برداشتن تحریم ها»
۱۲۱	 خلاصه خط قرمزهای رفع تحریم ها
۱۲۲	 برداشتن تحریم ها و شفافیت: خط قرمزهای استراتژیک
۱۲۲	 لغو یا تعلیق
۱۲۵	 موکول نبودن هر اقدامی به گزارش آژانس
۱۲۶	 خط قرمزهای مربوط به حوزه نظارت ها و بازرسی ها
۱۲۸	 جمع بندی
۱۳۴	 پی نوشت ها

بخش چهارم

۱۳۷	 اختتام
-----	---------------------

فصل اول

۱۳۸	 هفت عامل موفقیت ذیل دوازده سال پیشرفت و استقامت
-----	--

فصل دوم

۱۴۴	 اجرای برجام به مهمی متن برجام
-----	--



سخن ناشر

پایان یافتن مذاکرات دوازده ساله ایران و ۱+۵ و امضای سند برجام، با واکنش‌های متعدد و متنوعی مواجه شده است. نگاهی گذرا به فضای رسانه‌ای کشور به خوبی نشان می‌دهد که بعد از اعلام رسمی برجام، ارزیابی جامعی که قوت‌ها و ضعف‌ها را با نگاه کلان و خرد بررسی کند، کمتر دیده شده است. کتابی که در دست شماست قصد دارد از زوایای مختلف، تحلیلی منصفانه از نکات مثبت و منفی متن توافق ارائه دهد و آنگاه خواننده بتواند درباره خوب یا بد بودن آن قضاوت کند.

چه برجام نهایی شود و چه نشود، بی‌تردید یکی از مهم‌ترین فرازهای تاریخ دیپلماسی ایران در حال رقم خوردن است؛ به همین دلیل، وظیفه هر کارشناس

مطلع و دلسوزی است که این سند تأثیرگذار بر آینده کشور را عالمانه و به‌دور از جانب‌داری بررسی کند.

تلاش ما این است در تحلیلی کلان با روش علمی داده‌ستانده، قوت‌ها و ضعف‌های برجام را در کنار هم برای‌اندگیری کنیم؛ همچنین در تحلیلی خرد، بود یا نبود حفره‌های حقوقی، سیاسی و امنیتی احتمالی را مطالعه خواهیم کرد. آنگاه در صورت وجود این حفره‌ها، میزان تأثیرگذاری‌شان در نتیجه نهایی برجام را بررسی می‌کنیم. درنهایت نیز با روشی علمی به انطباق و انحراف‌گیری برجام با خطوط قرمز علنی شده می‌پردازیم.

امیدواریم این تلاش بتواند برای تصمیم‌سازان امروز و محققان فردا مفید باشد.

پیش گفتار

هنگامی که توافق ژنو اعلام شد، در یادداشتی آن را از نظر حقوقی توافقی نامتوازن به نفع آمریکا دانستیم؛ ولی از نظر سیاسی فرصتی برای مذاکره و روشن کردن حقانیت ایران می‌دانستیم. زمانی که آقای ظریف و خانم موگرینی بیانیهٔ لوزان را خواندند، در یادداشتی نشان دادم که باز هم این بیانیهٔ رسمی به نفع طرف مقابل، نامتوازن است؛ اما در تحلیلی که دربارهٔ تفاهم‌های غیررسمی صورت گرفته در آن مقطع نوشتیم، قوت‌های شایان توجهی نسبت به ژنو برشمردم؛ اما در عین حال نگرانی‌های باقی‌مانده در لوزان آن قدر مهم بود که همچنان دربارهٔ نتیجه‌رسیدن مذاکرات بدبین باقی بمانم.

تفاهم اولیهٔ وین صورت گرفت. بعد از انتشار محتوای برجام، به عنوان فردی بدبین به نتیجهٔ مذاکرات، کار سختی در پیش داشتم؛ چرا که باید بدون جهت‌گیری داوری می‌کردم و بر پایهٔ روش‌هایی علمی به تحلیل و بررسی این سند تاریخی می‌پرداختم. دو راه پیش رویم بود؛ اول ارزیابی نتیجهٔ به دست آمده براساس شاخص‌ها و دوم ارزیابی نتیجه به روش بررسی هزینه‌منفعت.

تفاهم‌های غیررسمی لوزان را به روش تعیین شاخص‌ها ارزیابی کرده بودم. براساس رویکرد آرمان‌خواهی واقع‌بینانه، شاخص‌هایی که برای تطبیق نتایج به دست آمده تعیین کردم، در شش آرمان جمع‌بندی شد:

آرمان اول: حق غنی‌سازی؛

آرمان دوم: غنی‌سازی صنعتی برای تأمین نیاز داخل؛

آرمان سوم: تحقیق و توسعه؛

آرمان چهارم: حفظ استقلال و عزت و امنیت ملی؛

آرمان پنجم: لغو تحریم‌های مؤثر؛

آرمان ششم: حفظ نماد استکبارستیزی که هم آرمانی ایدئولوژیک است و هم منفعتی‌استراتژیک.

بعد از لوزان، رهبر انقلاب بخشی از خط قرمزهای مذاکرات را علنی کرده بودند؛ به همین دلیل اگر می‌خواستیم به‌روشنی تعیین شاخص‌ها عمل کنیم، حرکت براساس شاخص‌هایی غیر از خط قرمزهای تعیین‌شده، غیردقیق و خدشه‌پذیر محسوب می‌شد. از طرف دیگر در این روش، دسترسی به همه خط قرمزها (شاخص‌ها) برای تحلیل کلان و جامع ضروری است؛ اما عملاً استفاده از شیوه تعیین شاخص‌ها ناممکن شده بود؛ چون براساس فرمایش صریح رهبری، ایشان همه خطوط قرمز مد نظرشان را در جلسات علنی مطرح نکرده بودند.

از آنجا که رهبر انقلاب مذاکرات را بده‌بستانی دانسته بودند که چیزی می‌دهیم و چیزی می‌گیریم، روش ارزیابی نتیجه براساس هزینه‌منفعت را برای تحلیل کلان برجام به کار گرفتیم؛ البته باید تصریح کنم در این تحلیل، برجام را در مقایسه با آنچه «می‌خواستیم» یا «می‌توانستیم» به آن برسیم، بررسی نکرده‌ام؛ بلکه برجام را آن گونه که «هست» در یک فرایند دوازده‌ساله (و نه دوساله) تجزیه و تحلیل کرده‌ام. روشن است که این سند هم با خواسته‌های ما فاصله دارد و هم می‌شد ستانده‌های بیشتر یا داده‌های کمتری را برای ما رقم بزند. در فصل اول از بخش تحلیل کلان، این روش پایه اصلی در ارزیابی برجام خواهد بود. در ادامه این بخش به‌منظور تأییدی بر تحلیل کلان به‌دست‌آمده، یک فصل را به مقاله مهمی از نیویورک تایمز که مجموعه عقب‌نشینی‌های آمریکا را به‌صورتی مستند برشمرده است، اختصاص داده‌ام. در ادامه آن نیز جدولی از فهرست عقب‌نشینی‌های آمریکا بر سر مسئله هسته‌ای ایران خواهید دید.

برای داشتن نگاه جامع، تحلیل کلان ضرورتی انکارناپذیر است و متأسفانه در میان تحلیل‌های برجام کمتر به چشم می‌خورد؛ اما در کنار آن، بررسی جزئیات برجام نیز اهمیت داشت؛ چراکه ممکن است با وجود سنگین‌تر بودن کفه ستانده‌ها از داده‌ها، در جزئیات متن جمع‌بندی‌شده، ضعف‌های حیاتی (استراتژیک) یا حفره‌هایی مهم وجود داشته باشد که باعث شود از طریق آن‌ها لطمه‌ای

جبران ناپذیر به منافع ملی بخورد؛ در نتیجه ممکن است بنا بر همین جزئیات، برجام با همه قوت‌هایش توافقی بد محسوب شود. پس با تمرکز بر موضوعات مهم و تأثیر گذار و با کمک گرفتن از نقدهای منتقدان، بررسی جزئیات برجام و تحلیل خرد در دستور کار قرار گرفت؛ البته با همه سختی‌های طاقت‌فرسا که ناشی از پیچیدگی متن و در دسترس نبودن افراد مطلع بود، برای اطمینان از حفظ منافع ملی با نگاهی بدبینانه به آن پرداختیم.

این بخش از تحلیل در چهار فصل آماده شد. ابتدا متناظر بودن اقدامات دو طرف به عنوان اصلی مهم در متوازن بودن بررسی می‌شود. یکی از مهم‌ترین سؤالات و ابهامات به مکانیزم حل اختلاف بر می‌گردد که در فصلی مجزا تحلیل خواهد شد؛ اما با توجه به اینکه احتمال نقض برجام از سوی طرف مقابل بسیار زیاد است، اطمینان به منفعت بیشتر بردن از فرایند بازگشت‌پذیری در مقایسه با طرف مقابل، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مسئله محسوب می‌شود که در فصل سوم به آن پرداخته‌ام. در بررسی جزئیات، ضعف مهمی مانند پاشنه آشیل حقوقی در برجام به چشم خورد که ضرورت داشت درست یا نادرست بودن آن و سپس میزان تبعاتش را در فصلی مستقل بیان کنم. در پایان این بخش نیز ابهامات مرتبط با قطعنامه و چند ابهام مهم دیگر بررسی خواهد شد.

شاید با این تحلیل کلان و خرد می‌شد کار را تمام‌شده تلقی کرد؛ اما به نظر می‌رسید نباید در بررسی خطوط قرمز علنی شده توسط رهبر انقلاب غفلت کرد؛ چون بیشتر انتقادهای بر پایه این خطوط قرمز مطرح می‌شود؛ از طرف دیگر، گرچه ارزیابی جامع به دلیل نداشتن همه خطوط قرمز ممکن نیست، اما بررسی خطوط قرمز در تحلیل خرد می‌تواند کمک شایسته‌ای به ارزیابی برجام کند. به همین دلیل بخش سوم کتاب به آن اختصاص داده شده است.

با اینکه هنوز معلوم نیست برجام به توافقی نهایی تبدیل می‌شود یا خیر، اما تا همین جابرای ما دستاوردهای زیادی داشته است. به عنوان اختتام، برای جلوگیری از تحلیل اشتباه که می‌تواند منجر به رویکردی نادرست در آینده شود، عوامل اصلی موفقیت‌های به دست آمده را برشمردم.

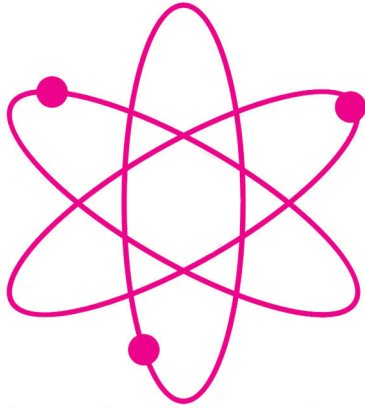
در این مسیر سخت و دشوار، برخی دوستانم در جبههٔ آرمان‌خواهان واقع‌بین و مخصوصاً همکارانم در روزنامهٔ خراسان با نیت روشنگری و انگیزه‌های انقلابی‌شان به من کمک شایانی کردند. از میان آن‌ها وظیفه دارم از دوست و همکار خوبم آقای امیرحسین یزدان‌پناه تشکر ویژه کنم.

در موضوعی چنین حساس، آن هم زمانی که هنوز ابعاد ماجرا کاملاً روشن نشده است و ممکن است اتفاقات متعددی مانند مواضع دو طرف، مسیر را به‌طور کلی دستخوش تغییرات اساسی کند، نوشتن کتابی که برخلاف اعلام موضع در رسانه‌ها ماندگار می‌شود، ریسکی بزرگ و شاید انتحار سیاسی برای اعتبار یک تحلیلگر محسوب می‌شود؛ اما تکلیف و وظیفهٔ دینی و ملی ایجاب می‌کرد که عاقبت‌طلبی را کنار بگذارم و برداشت‌های خود را از نتیجهٔ چندین سال تتبع بر پرونده هسته‌ای ایران با همهٔ کاستی‌ها و ضعف‌ها با افراد علاقه‌مند و مرتبط و مؤثر در این مسئله به اشتراک بگذارم؛ به همین دلیل ادعا نمی‌کنم که این تحلیل بدون کاستی است و از ذکر نقص‌ها توسط مسئولان و دیگر کارشناسان خوش‌حال خواهم شد؛ اما تأکید می‌کنم که هدفم از ارزیابی برجام و انتشار آن، از یک طرف کمک به تصمیم‌سازان در این تصمیم‌گیری تاریخی و از طرفی روشنگری برای جامعهٔ دغدغه‌مند است. به‌عنوان کسی که موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشدم بررسی پروندهٔ هسته‌ای بوده و به‌دلیل شغل روزنامه‌نگاری، اطلاعات و تحلیلیم به‌روز مانده است، تکلیف دانستم در حد توان ناچیزم در تأثیرگذاری بر این مسیری که آیندگان درباره‌اش کتاب‌ها منتشر خواهند کرد، فعال باشم. باشد که به عنایت‌های ویژهٔ امام رضا(ع)، فضل خداوند شامل حامل ما شود و رضایت الهی نصیب همهٔ دلسوزان فعال قرار گیرد.

با تشکر، محمد سعید احیدیان

اول شهریور ۱۳۹۴ *

* در روز پایانی که کتاب آمادهٔ چاپ بود، رهبر انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان بیاناتی دربارهٔ برجام فرمودند که در نظر گرفتن نکات ایشان در کتاب، به‌دلیل نیاز به صرف زمان طولانی و ضرورت انتشار فوری قبل از نهایی‌شدن تصمیم دربارهٔ برجام، میسر نبود. براساس این تجربه، ضروری است به بازهٔ زمانی تنظیم تحلیل در این کتاب توجه شود و تحلیل‌های صورت‌گرفته به‌عنوان نگاهی کارشناسی در نظر گرفته شود. بدیهی است که اگر بیانات رهبر انقلاب بعد از تاریخ تنظیم یعنی اول شهریور ماه، با تحلیل‌ها و مواضع مطرح‌شده در این کتاب متفاوت بود، معیار برای تصمیم‌گیری، مواضع و رهنمودهای رهبر انقلاب خواهد بود.



بخش اول

برجام در نگاهی کلان

فصل اول

آنچه داده‌ایم؛ آنچه گرفته‌ایم

برخی تحلیل‌ها دربارهٔ توافق هسته‌ای صرفاً بر روی جزئیات تمرکز دارند؛ البته جزئیات از این حیث که گزاره‌ها بر پایهٔ آن سوار شده است، اهمیت دارد؛ اما اگر نگاه کلان و جایگاه هر یک از اجزا را در بررسی موضوعی خاص درک نکنیم، منجر به این خواهد شد که نتوانیم تحلیلی جامع و دقیق داشته باشیم و در برخی جزئیات گرفتار شویم.

در این فصل قصد داریم نگاهی کلان به موضوع توافق هسته‌ای داشته باشیم و از منظر داده‌ها و ستانده‌ها آن را ارزیابی کنیم. روشی که ما در بررسی کلان متن برجام استفاده می‌کنیم، روش داده‌ستانده است. نکتهٔ ضروری قبل از ورود به بحث این است که از لحاظ تحلیلی، داده‌ها و ستانده‌ها از اهمیت متفاوتی برخوردارند. حداقل باید بین بخش‌هایی که نتیجهٔ حیاتی (استراتژیک) محسوب می‌شوند با بقیهٔ بخش‌ها تفاوت قائل شد. داده‌ها و ستانده‌های حیاتی یا استراتژیک، مؤلفه‌هایی هستند که هر کدام از آن‌ها به‌تنهایی از اهمیت حیاتی

برخورد دارند؛ به گونه‌ای که نبود یا بود هر کدام از آن‌ها بتواند به تنهایی نتیجه به دست آمده را به نتیجه‌ای خوب یا بد تبدیل کند.

داده‌ها

۱. محدودیت‌های غنی‌سازی

اولین داده، مجموعه‌ای از محدودیت‌ها بر برنامه هسته‌ای ایران است:

- سطح غنی‌سازی تا پانزده سال محدود به ۳,۶۷ درصد خواهد بود.^(۱)
- تا ده سال ظرفیت غنی‌سازی در نطنز محدود به تعداد ۵۰۶۰ سانتریفیوژ خواهد بود.^(۲)

- محدودیت پانزده ساله در ساخت رآکتورهای آب سنگین خواهیم داشت.^(۳)

- در سایت فردو محدودیت‌های پانزده ساله‌ای را در کاهش تعداد سانتریفیوژها و غنی‌سازی نکردن اورانیوم پذیرفته‌ایم.^(۴)

براساس توضیحی که درباره توان و برنامه هسته‌ای ایران خواهیم داد، روشن می‌شود محدودیت‌هایی که ما در نطنز و فردو پذیرفته‌ایم، لطمه‌ای به صنعت هسته‌ای ما نمی‌زند؛ چراکه سانتریفیوژهای IR-1 باید با نسل‌های پیشرفته‌تر جایگزین شود. سانتریفیوژهای IR-1 نسل قدیمی سانتریفیوژها هستند که به دلیل خرابی زیاد و اینکه حداکثر یک «سو» اورانیوم غنی می‌کنند، به هیچ وجه اقتصادی نیستند. این نسل در یک فرایند طبیعی چه براساس برجام و چه بدون آن، باید با سانتریفیوژهای پیشرفته جایگزین شوند.

با توجه به وسعت نطنز، حداکثر پنجاه هزار از این تعداد سانتریفیوژ در این مکان جای می‌گیرد و ما تنها خواهیم توانست یک چهارم از نیاز بوشهر را تأمین کنیم. این سانتریفیوژها برای تولید صنعتی سوخت کارانیستند. ماصولاً سانتریفیوژهای نسل یک را به این دلیل تا تعداد نوزده هزار تولید کردیم که بتوانیم طرف مقابل را پای میز مذاکره بیاوریم و با بیشتر کردن قدرت چانه‌زنی خود، او را مجبور کنیم به حقوق ما احترام بگذارد. به عبارت دیگر، این تعداد سانتریفیوژ از ابتدا تولید و نصب شد تا روزی در قبال گرفتن امتیازهای لازم از طرف مقابل، جمع و با انواع پیشرفته جایگزین شود.

درباره سایت فردو نیز این توضیح ضروری است که بعد از تهدید اسرائیل و آمریکا درباره حمله به سایت هسته‌ای ما، برای حراست از این صنعت با مکان‌یابی دقیقی سایت فردو را ایجاد کردیم. اندازه و کوچکی سایت فردو به‌خوبی نشان می‌دهد که ما این سایت را برای غنی‌سازی صنعتی نساخته‌ایم؛ بلکه فقط آن را به‌عنوان ضمانتی برای ترساندن طرف مقابل در صورت تعرض به سایت نطنز ساخته‌ایم؛ به همین دلیل، طرف مقابل فشار زیادی برای تعطیلی این سایت آورد؛ اما طبق برجام، این سایت با چرخش ۱۰۴۴ سانتریفیوژ و آماده به کار بودن ۴ آبشار برای غنی‌سازی، در حدی که بتواند هدف راهبردی خود را تأمین کند، به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

همین مسئله به‌نحوی دیگر برای محدودیت سطح غنی‌سازی و ساخت رآکتورهای آب سنگین لحاظ شده است؛ چراکه ما حداقل تا پایان دوره محدودیت، به غنی‌سازی با سطح بیشتر نیازی نداریم؛ جز برای رآکتور تهران که تأمین آن در برجام برنامه‌ریزی شده است. رآکتورهای آب سنگین نیز در حال حذف از صنعت هسته‌ای دنیا هستند و ما براساس برجام عملاً شاهد ساخت رآکتور پیشرفته با کاربردهای بسیار بیشتر خواهیم بود.

درمجموع می‌توان گفت تا کنون توسعه برنامه هسته‌ای ایران برای این صورت گرفته بود که بتواند روزی (شاید امروز و شاید روزی دیگر) به دنیا قبولانده شود و توسعه خود را متناسب با علم روز پیش ببرد. ضمن اینکه نباید فراموش کرد که همه این محدودیت‌ها زماندار است و بعد از پایان مدت تعیین‌شده، تمام محدودیت‌ها برداشته می‌شود؛ یعنی در حجم و سطح غنی‌سازی بدون محدودیت می‌توان به توسعه صنعت هسته‌ای اقدام کرد.

۲. کاهش ذخایر اورانیوم به سیصد کیلو تا سقف پانزده سال

ما متعهد شده‌ایم تا پانزده سال حداکثر ذخیره اورانیوم خود را به‌اندازه سیصد کیلو حفظ کنیم.^(۵) این محدودیت نیز با توجه به این است که براساس برجام، امکان تبدیل اورانیوم به سوخت وجود دارد.^(۶) فقط ذخیره نباید بیش از سیصد کیلو شود که این محدودیتی تأثیرگذار در توسعه صنعت هسته‌ای محسوب

نمی‌شود؛ همچنین اورانیوم فعلی ما هنوز از نظر استاندارد کیفی در مرحله آزمایش قرار دارد و اگر توسط مراکز پیشرفته کیفیتشان تأیید نشود، سال‌ها طول می‌کشد که توسط خود ما آزمایش شوند و از کیفی بودنشان اطمینان یابیم؛ در مجموع، کاهش دادن ذخایر اورانیوم فعلی به سیصد کیلو را باید امتیازی به طرف مقابل دانست؛ اما با توجه به دلایلی که ذکر شد، این امتیاز آن قدر حیاتی و استراتژیک محسوب نمی‌شود که به صنعت هسته‌ای لطمه بزند.

۳. نظارت‌ها و دسترسی‌ها

ما در برجام، هم پروتکل الحاقی^(۷) و هم نظارت‌هایی فراتر از پروتکل را پذیرفته‌ایم. اولاً پذیرفته‌ایم که نظارت بیست‌ساله بر روتورها^(۸) و بیست‌وپنج‌ساله بر معادن صورت گیرد؛^(۹) ثانیاً برای پانزده سال سازوکاری را برای دسترسی‌ها پذیرفته‌ایم که براساس آن، در صورتی که طبق پروتکل الحاقی در نحوه دسترسی‌ها بین ایران و آژانس انرژی اتمی اختلافی باقی بماند، تصمیم‌گیری به کمیسیون مشترک هشت‌عضوی می‌رود و در صورت وجود پنج رأی، ایران مجبور به پذیرش حکم این کمیسیون خواهد بود.^(۱۰)

اصل پذیرش پروتکل الحاقی برای کشوری که می‌خواهد غنی‌سازی داشته باشد، نظارتی متعارف و طبیعی محسوب می‌شود. نظارت بیست‌ساله و بیست‌وپنج‌ساله نیز از ضعف‌های مهم برجام محسوب می‌شود؛ چراکه نظارتی غیرمتعارف و فراپروتکلی محسوب می‌شود؛ اما به دلیل اینکه صرفاً نظارتی بر مراکز هسته‌ای و امتیازی برای اعتمادسازی به طرف مقابل است، لطمه‌ای به صنعت هسته‌ای ما نمی‌زند و حیاتی و استراتژیک محسوب نمی‌شود؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به اعتماد ما به آژانس، پذیرش حکم کمیسیون مشترک در موضوعات اختلافی نگران‌کننده است. درواقع می‌توان این مسئله را پاشنه آشیلی برای ایران در برجام دانست. باید روشن شود که آیا این موضوع امتیازی استراتژیک محسوب می‌شود که مخدوش‌کننده امنیت ملی ما خواهد شد؟ اگر نظارت‌ها امتیازی استراتژیک محسوب شود، برجام را به توافقی بد تبدیل خواهد کرد و در غیر

این صورت، باید آثار و تبعات آن را بررسی کرد که در بخش تحلیل خرد به آن پرداخته می‌شود.

۴. تصور تغییر رویکرد در استکبارستیزی (مشروط به ادامه مسیر است)

رویکرد استکبارستیزی برای ما هم یک آرمان ایدئولوژیک است و هم آرمانی برای حفظ منافع ملی. ما براساس مبانی دینی و انقلابی خود معتقدیم نباید ظلم‌پذیر بود (لا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ) و باید برای زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر (عج) تلاش جدی کرد. هم‌اکنون مبتنی بر نتایج به‌دست آمده به‌روشنی می‌توانیم بینیم که داشتن این راهبرد تا چه میزان توانسته است منافع کلان ملی (در حوزه‌های بین‌المللی و حتی اقتصادی) ایجاد کند. پافشاری ما بر این رویکرد بوده است که امروز ما در دنیا به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، با نفوذ معنوی بسیار گسترده در جهان اسلام مطرح هستیم؛ به‌گونه‌ای که اوباما در صحبت با جامعه یهودیان به‌صراحت بر قدرت منطقه‌ای بودن ایران اعتراف می‌کند. اگر چین یا روسیه به‌دنبال تعریف منافع «استراتژیک» با ایران هستند، اگر اروپا در سند رسمی سیاست اتحادیه اروپا بر داشتن روابطی مستقل از آمریکا و تعامل با ایران بر سر مسائل منطقه خاورمیانه تصریح می‌کند، اگر ما به‌دلیل این جایگاه منطقه‌ای توانسته‌ایم امنیت خود را در بخش پراشوب دنیا حفظ کنیم، اگر بعد از توافق وین هیئت‌های مختلف اروپایی و غیراروپایی برای همکاری اقتصادی با ایران رقابت می‌کنند و خلاصه اگر ما امروز شاهد به‌دست آوردن منافع کلان اقتصادی و استراتژیک زیادی هستیم، همه به‌دلیل تأکید بر حفظ این رویکرد استراتژیک در طول سالیان متمادی و به‌ثمر رسیدن آثار بین‌المللی‌اش است.

امروز دیگر عمده کسانی که شعار «نه غزه، نه لبنان...» سر می‌دادند فهمیده‌اند که باید بگویند: «هم غزه، هم لبنان همه برای ایران». اگر این رویکرد نبود، وزیر خارجه ما نمی‌توانست در یک طرف میز در برابر وزیران خارجه شش کشور بزرگ دنیا بنشیند و برای منافع اقتصادی و سیاسی و ملی ما چانه‌زنی کند؛ پس اگر ما این منافع استراتژیک را می‌خواهیم، باید مراقب باشیم و به‌گونه‌ای پیش

برویم که همچنان نماد اصلی مبارزه با استکبار در جهان شناخته شویم؛ در غیر این صورت، باعث تضعیف محور مقاومت و گفتمان استکبارستیزی می شویم و در نتیجه، هم از آرمان مهدوی خود دور شده ایم و هم منافع کلانی را از دست خواهیم داد.

باید بپذیریم که چه بخواهیم و چه نخواهیم، اصل اینکه دو سال مستقیم به صورت رو در رو و علنی با آمریکا مذاکره داشتیم و در مواقعی کم‌تدبیری کردیم (پیاده روی دو وزیر خارجه که خاصیتی هم برای مذاکرات نداشت) باعث شد در میان جهان اسلام و مردم آزاده خواه جهان که دل خوشی از ایالات متحده آمریکا ندارند، چهره تقابلی مان کم رنگ شود. این تصور تا حدی ایجاد شد که ایران در حال تغییر رویکرد استکبارستیزی خود است. همان طور که ذکر شد، این رویکرد «آرمانی ایدئولوژیک» و «منفعتی استراتژیک» است که هم با مبانی اعتقادی ما پیوند خورده است و هم منافع کلان ملی ما را تحت تأثیر قرار می دهد؛ به همین دلیل، استکبارستیزی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ اما این داده در صورت رفتار دقیق در آینده می تواند کم رنگ شود. گرچه بخش زیادی از آن با پخش علنی و زنده جلسات سنای آمریکا و مواضع تند اوباما و دیگر مسئولان آمریکا علیه ایران اصلاح شد؛ اما باید تأکید کرد اگر این داده در ادامه مسیر اصلاح نشود، هزینه آن به قدری خواهد بود که همه دستاوردهای به دست آمده را تحت الشعاع قرار خواهد داد و لطمه جدی به منافع کلان ملی ما خواهد زد.

ستاندها

۱. رسمی شدن غنی سازی ایران و پذیرش ایران هسته ای

تردیدی نیست که در طول دوازده سال گذشته، مهم ترین چالش ما با کشورهای ۱+۵ همین مسئله بوده است؛ به عنوان مثال فراموش نکنیم که در توافق نامه ایران، برزیل و ترکیه ما پذیرفتیم که ۱۲۰۰ کیلو اورانیوم خود را به «خارج» از کشور منتقل کنیم و در قبال آن وعده نسیه ای بگیریم که بعد از یک سال برای تأمین نیاز نیروگاه تهران، اورانیوم ۲۰ درصد تحویل بدهند. به چه دلیل با

این امتیاز بزرگ موافقت کردیم؟ فقط در قبال وجود عبارت «چرخه سوخت هسته‌ای شامل فعالیت‌های غنی‌سازی». جالب است که آمریکایی‌ها بازم حاضر نشدند این مسئله را بپذیرند؛ اما امروز رسمیت یافتن غنی‌سازی در ایران نه تنها روی کاغذ در سند رسمی برجام^(۱۱) و در قطعنامه سازمان ملل به عنوان یک سند رسمی بین‌المللی پذیرفته شده است، بلکه آن‌ها در عمل هم مجبور به پذیرش چرخیدن چند هزار سانتریفیوژ شده‌اند.^(۱۲) متأسفانه به این دستاورد بزرگ برجام بی‌توجهی می‌شود و برخی با وارد کردن شبهات ضعیف و سست به این دستاورد، اقتدار ایران را کم‌رنگ جلوه می‌دهند. در پاسخ آن‌ها ذکر همین جمله از رهبر انقلاب پس از مذاکرات وین در خطبه‌های عید فطر بس که:

«هدف واقعی آن‌ها این است که پیچ‌ومهره‌های صنعت هسته‌ای به کلی باز بشود؛ این را سال‌ها پیش هم به مسئولین ما صریحاً بیان کردند. الان هم در همین آرزو هستند. ده سال، دوازده سال کشمکش با جمهوری اسلامی، نتیجه‌اش این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سانتریفیوژ را در کشور تحمل کنند؛... این معنایش چیست جز اقتدار ملت ایران؟»^(۱۳)

۲. پذیرش صنعت هسته‌ای (غنی‌سازی صنعتی با تحقیق و توسعه)

اگر غنی‌سازی ما به رسمیت شناخته می‌شد، اما فقط بخشی از صنعت هسته‌ای به شکلی کاریکاتوری فعالیت می‌کرد، ستانده قبلی ما ارزش چندانی نداشت؛ به همین دلیل، حفظ صنعت هسته‌ای از هدف‌گذاری‌های مبنایی بود؛ البته هیچ صنعتی اقتصادی نخواهد بود مگر آنکه امکان تحقیق و توسعه در آن لحاظ شود. ادعای کارشناسی شده ما این است که در برجام مبتنی بر «توان فعلی» و «برنامه کلان هسته‌ای ایران»، تا حد زیادی نیازهای صنعت هسته‌ای و برنامه تحقیق و توسعه ایران دیده شده است.^(۱۴) محدودیت‌های پذیرفته‌شده (که بخشی از آن مخصوصاً طول مدت محدودیت‌ها از ضعف‌های مهم محسوب می‌شود) لطمه جدی به این برنامه نخواهد زد و در بدبینانه‌ترین حالت (تأکید می‌کنم بدبینانه‌ترین حالت) بین یک تا دو سال توسعه صنعت هسته‌ای ایران را عقب خواهد انداخت؛ البته می‌توان از این ضعف (در صورت وجود) چشم‌پوشی کرد.

برای روشن شدن این مسئله و همچنین توضیح برخی نکته‌ها که در ادامه خواهد آمد، ضروری است اشاره‌ای به برنامه کلان هسته‌ای ایران و قابلیت‌های فعلی خود داشته باشیم تا موضوع کمی روشن‌تر شود. برنامه هسته‌ای ایران بر محور سانتریفیوژهای نسل پیشرفته IR-6 و IR-8 پایه‌گذاری شده است. همان‌طور که در بخش داده‌ها نیز ذکر شد، سانتریفیوژهای IR-1 نسل قدیمی سانتریفیوژها هستند که به دلیل خرابی زیاد و اینکه حداکثر یک «سو» اورانیوم غنی می‌کنند، به هیچ‌وجه اقتصادی نیستند. در یک فرایند طبیعی چه براساس برجام چه بدون آن، این سانتریفیوژها باید با نوع پیشرفته‌تر جایگزین شوند. در بهترین حالت با توجه به وسعت نطنز، حداکثر پنجاه‌هزار از این تعداد سانتریفیوژ در این مکان جای می‌گیرد و ما تنها خواهیم توانست یک‌چهارم نیاز بوشهر را تأمین کنیم. از طرف دیگر، سانتریفیوژهای IR-6 و IR-8 در مراحل اولیه تحقیق و توسعه قرار گرفته‌اند و در برجام برای فرایند تکمیل آن‌ها بین هشت تا ده سال زمان داده شده است. در برجام از روز اجرای توافق، امکان آزمایش این سانتریفیوژها همراه با تزریق اورانیوم^(۱۵) با زنجیره‌های میانی قرار داده شده است.^(۱۶) از نیمه دوم سال هشتم نیز اجازه داریم زنجیره سی‌تایی سانتریفیوژها را آزمایش کنیم. تنها ضعف در اینجا تعداد سانتریفیوژ است که باید بیشتر می‌بود؛ اما این ضعف لطمه مهمی به فرایند تحقیق نمی‌زند.

از ابتدای سال نهم، امکان ساخت سالانه دویست عدد سانتریفیوژ برای هر نوع از IR-6 و IR-8 بدون نصب روتور وجود دارد^(۱۷) تا ما در سال دهم از مراحل مقدماتی برای تولید انبوه سانتریفیوژها عقب نیفتیم. از سال دهم به بعد با روشن شدن اینکه کدام نسل سانتریفیوژها کارایی بهتر داشته است، شروع به آماده‌سازی زیرساخت‌ها در نطنز می‌کنیم؛ علاوه بر ساخت همین تعداد سانتریفیوژ، روتور نیز نصب خواهد شد. در نتیجه عملاً مرحله ورود به تولید انبوه آغاز می‌شود (در این باره ابهامی در جزئیات وجود دارد که در فصل مسئله قطعه‌نامه و چند ابهام دیگر بررسی خواهد شد). این بخش از اقدام، طبق برنامه کلان هسته‌ای ایران و مطابق بند ۵۲ در پیوست ۱ برجام خواهد بود. این برنامه همانند رویه‌های جاری در پروتکل الحاقی، به آژانس ارائه می‌شود؛ البته طبق پی‌نوشت مربوط به

همین بند، فقط برای اعضای ۵+۱ به اشتراک گذاشته می‌شود و نیازی به تأیید آنان نیست.

به‌جز نمونه‌های اندک، همه آنچه گفته شد مطابق با برنامه‌ای است که در پیش روی فعالیت‌های هسته‌ای قرار داشت. ما حتی اگر هیچ محدودیتی بر برنامه خود نداشتیم، نمی‌توانستیم چندان تغییر مهمی در آن ایجاد کنیم. این توضیحات به‌اجمال داده شد تا روشن شود ادعای حفظ صنعت هسته‌ای مبنای کارشناسی دارد. شاید لازم نباشد برای اثبات این دستاورد استدلال بیشتری ذکر شود؛ چراکه رهبری حکیم و شجاع انقلاب در خطبه‌های نماز عید فطر «به‌روی کاغذ آوردن» و «قبول کردن» دو مسئله صنعت هسته‌ای و تحقیقات و توسعه را تصریح کردند^(۱۸) و جایی برای نگرانی در این دو مسئله باقی نگذاشتند؛ البته این به مفهوم حکم تأیید ایشان بر کلیت برجام نیست و فقط تأییدی بر چند دستاورد ذکر شده است:

«ده سال، دوازده سال کشمکش با جمهوری اسلامی، نتیجه‌اش [این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار ساترپیوژ را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه این صنعت را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه تحقیقات و توسعه این صنعت را تحمل کنند. تحقیق و توسعه صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ گردش صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ این چیزی است که آن‌ها سال‌ها تلاش کردند، اولی [امروز روی کاغذ آوردند و امضا دارند می‌کنند که حرفی ندارند. این معنایش چیست جز اقتدار ملت ایران؟]»^(۱۹)

۳. رفع تحریم‌های اقتصادی و مالی

ستانده سوم، رفع تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای در روز اجراست (اعم از لغو، تعلیق و توقف).^(۲۰) این موضوع یکی از اهداف انجام مذاکرات بود؛ البته در این مسئله نیز ضعف‌هایی از جمله هم‌وزن نبودن اقدامات ایران و طرف مقابل از زمان امضا تا روز اجرا وجود دارد؛ اما احتمال نقض عهد هم‌زمان در هر دو طرف آمریکا و اروپا در این مدت کوتاه پس از مصوبه رسمی خود بسیار کم است. از طرفی بازگشت‌پذیری ما هم به جایی پیشرفته‌تر از

مرحله قبل خواهد بود؛ به همین دلیل مسئله رفع تحریم‌های اقتصادی و مالی را می‌توان پذیرفت؛ مخصوصاً اگر بتوان در اجرای برجام با استفاده از حفره‌هایی که به‌نفع ایران است یا با بهره‌بردن از ظرفیتی مانند کمیسیون مشترک به‌گونه‌ای عمل کرد که اجرای اقدامات ایران بازگشت‌پذیری سریعی داشته باشد و به‌نوعی تعلیق هم محسوب شود؛ به‌عنوان مثال، در رعایت سقف ۳۰۰ کیلو اورانیوم، طبق موافقت‌نامه‌ای دوجانبه با روسیه، ۹ تن اورانیوم فعلی به‌صورت امانت در این کشور نگهداری شود تا در صورت بازگشت مجدد تحریم‌ها، بلافاصله این اورانیوم‌ها به کشور برگردد یا با چانه‌زنی در اجرا، برخی فعالیت‌ها را با نظر موافق کمیسیون مشترک به‌طور کامل اجرا نکرد. همچنین عقب‌نشینی آمریکا از مواضع پیشین خود در لوزان مبنی بر تخفیف تحریم‌ها و طولانی‌بودن و مرحله‌ای بودن رفع تحریم‌های اقتصادی هسته‌ای، ستانده‌ای مهم و اساسی محسوب می‌شود.

۴. عادی‌شدن پرونده ایران

براساس بند ۲۴ در ضمیمه شماره ۵ برجام^(۲۱) و بند ۸ پاراگراف‌های اجرایی قطعنامه سازمان ملل،^(۲۲) موضوع پرونده هسته‌ای ایران که بهانه اصلی همه ظلم‌ها از جمله تحریم‌ها بود، بعد از دوازده سال کشمکش بدون اینکه ایران از توسعه برنامه خود عقب بنشیند، عادی می‌شود. این موضوع ستانده‌ای مهم در این رویارویی مستقیم محسوب می‌شود.

۵. شکست نظام سلطه برابر ایران در شفاف‌ترین رویارویی جهانی

در ابتدا باید اذعان کنیم که حفظ این دستاورد مشروط به ادامه مسیر ماست. آمریکا و کشورهای غربی دوازده سال حاضر به پذیرش ایران هسته‌ای نبودند؛ اما امروز آن را به رسمیت شناخته‌اند. آن‌ها تمام تلاش خود را کردند تا «پیچ و مهره‌های صنعت هسته‌ای ایران را باز کنند»^(۲۳) اما اکنون حکم به ادامه آن داده‌اند. این کشورهای زورگو مجبور شدند چندین قطعنامه سازمان ملل که در گذشته با ظاهری قانونی به‌عنوان سازوکار اصلی ظلم به کشورمان قرار داده

بودند، لغو کنند. ایران چون این گونه قطعنامه‌ها را غیر مشروع می‌دانست، حتی یک بند از آن‌ها را اجرا نکرد و حالا لغو شده‌اند. هنگامی که فردو تعطیل نشد،^(۲۴) آب سنگین حفظ شد،^(۲۵) مقامات رسمی آمریکا به‌صراحت نه یک بار بلکه بارها و بارها در معرض چشم همهٔ مردم دنیا از ناچار شدن و نبود راه حلی دیگر برای مقابله با ایران سخن گفته‌اند و می‌گویند، می‌توان صدای شکست نظام ناعادلانهٔ جهانی را در برابر ارادهٔ مردم ایران و دوازده سال استقامت و پیشرفت و البته مذاکرهٔ هوشمندانهٔ تیم هسته‌ای شنید؛ البته این دستاورد مشروط به این است که رویکرد ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران حفظ شود و ادبیاتی که عنوان تعامل با دنیا را با خود یدک می‌کشد، در نظام ناعادلانهٔ بین‌الملل حل نشود. تعامل با دنیا هم «آرمانی ایدئولوژیک» است و هم «منفعتی استراتژیک» و باید این مسیر را حفظ کنیم.

دیگر نتایج بسیار گران‌سنگ این دستاورد شامل عناوین زیر می‌شود که توضیح هر کدام یادداشتی مستقل می‌طلبد:

۱. تغییر هنجارهای بین‌المللی در جهت عادلانه‌تر شدن نظام بین‌الملل؛
۲. گرفتن سهمی در شأن ایران در نظم نوین جهانی؛
۳. تقویت گفتمان استکبارستیزی در جهان اسلام و آزاده‌خواهان دنیا؛
۴. بیشتر شدن قدرت منطقه‌ای ایران و تقویت جبههٔ مقاومت.

ستانده‌های دیگر

ما در این بخش اهم ستانده‌ها را ذکر کردیم؛ اما می‌توان به سرفصل‌های دیگری از جمله تغییر محتوای قطعنامهٔ جدید (با وجود ضعف‌های مهمی که دارد) در مقایسه با قطعنامهٔ ۱۹۲۹، پیشرفته‌شدن و بهینه‌شدن و قابلیت استفاده از راکتور آب سنگین اراک، وعدهٔ کمک‌های فنی در توسعهٔ صنعت هسته‌ای ایران توسط دیگر کشورها و... اشاره کرد.

جمع‌بندی

طبیعی است که احتمالاً عده‌ای سؤالات و ابهاماتی برای انطباق این گزاره‌ها بر متن برجام داشته باشند که بنا بر ضرورت، در جای خود به آن‌ها پاسخ داده خواهد شد؛ اما اجمالاً در یک جمع‌بندی کلی می‌توان نشان داد که مشروط به ادامهٔ رویکرد استکبارستیزی، مجموعهٔ ستانده‌های ما از ارزشی شایستهٔ توجه برخوردار است و دستاوردهای مهمی را برای ما به ارمغان می‌آورد. مجموعهٔ داده‌های ما از نظر تأثیرگذاری بر صنعت هسته‌ای، لطمهٔ شایان توجهی نخواهد داشت (در یک مسئله، جای نگرانی و بررسی وجود دارد). از این منظر می‌توان در مجموع برجام را متنی خوب دانست؛ مشروط به آنکه در جزئیات حفرهٔ مهم خطرناکی خلاف منافع ملی وجود نداشته باشد؛ همچنین دیگر ابعاد و چارچوب‌ها از جمله بحث هم‌زمانی، برگشت‌پذیری و مسائل امنیت ملی دچار ضعف‌هایی نشود که نتوان از آن چشم‌پوشی کرد.

داده‌ها

ما فعلاً نیاز مهمی برای غنای بیشتر نداریم. (نیاز را اکتور تهران تأمین)	کم‌اهمیت	سطح غنی‌سازی تا پانزده سال محدود به ۳٫۶۷ درصد	۱. محدودیت غنی‌سازی
به دلیل قدیمی و غیر صنعتی بودن نسل اول سانترفیوژها، نوزده هزار سانترفیوژ موجود فقط برای چانه‌زنی تولید و نصب شده بود و روزی باید جمع‌آوری و با نسل‌های پیشرفته جایگزین می‌شد	کم‌اهمیت	ظرفیت غنی‌سازی محدود به ۵۰۶۰ سانترفیوژ در نطنز	
این نوع راکتورها برای فعالیت‌های صلح‌آمیز در صنعت هسته‌ای دنیا بطور معمول استفاده نمی‌شوند	کم‌اهمیت	محدودیت ۱۵ سال در ساخت راکتورهای آب سنگین	
سایت فردو فقط برای ضمانت‌نامه نکردن به نطنز ساخته شده است که این توان حفظ شده است و اصولاً ظرفیت مکانی برای غنی‌سازی صنعتی ندارد	غیر استراتژیک	محدودیت ۱۰۴۴ سانترفیوژ در فردو بدون تزریق اورانیوم	
کاهش حدود ۹ تن به ۳۰۰ کیلو امتیاز به طرف مقابل است	غیر استراتژیک	۲. کاهش ذخایر اورانیوم به ۳۰۰ کیلو تا ۱۵ سال	



داده‌ها

داده‌ها			
پروتکل الحاقی نظارت متعارف برای داشتن غنی‌سازی است	غیر استراتژیک	اجرای پروتکل الحاقی (تصویب از سال هشتم)	۳. نظارت‌ها و دسترسی‌ها
نظارتی غیر متعارف و فرا پروتکل و امتیاز به طرف مقابل	غیر استراتژیک	نظارت بیست‌ساله‌بر روندها و بیست و پنج ساله بر معادن	
ضعفی مهم است و جای نگرانی دارد. باید استراتژیک و حیاتی بودن آن بررسی شود	بسیار مهم	تمکین از رأی اکثریت کمیسیون مشترک برای دسترسی به مراکز غیر هسته‌ای در صورت عدم تفاهم با آژانس	
در صورت ادامه مذاکرات علنی و تعامل با آمریکا، امتیازی استراتژیک محسوب می‌شود و مذاکرات را تبدیل به توافقی بد می‌کند.	استراتژیک	۴. ایجاد تصور تغییر رویکرد استکبارستیزی در بخشی از مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان به دلیل مذاکره علنی مستقیم با آمریکا و برخی رفتارها مانند گفت‌وگوی تلفنی دور رئیس‌جمهور یا پیاده‌روی علنی دو وزیر خارجه (مشروط به ادامه مذاکره و تعامل با آمریکا)	

ستاندها

- چالش اصلی دوازده ساله با غرب در همین مسئله بود. - توافق ایران برزیل و ترکیه مثالی است در اهمیت رسمیت غنی سازی - رهبر انقلاب: «ایران در مسئله هسته‌ای، فقط می خواهد حق غنی سازی او که حق طبیعی اش است، از طرف دنیا شناخته شود؛ مسئولان کشورهایی که مدعی هستند، اعتراف کنند که ملت ایران حق دارد غنی سازی هسته‌ای را برای اهداف صلح آمیز در کشور خودش و به دست خودش انجام دهد؛ این توقع زیادی است؟ این آن چیزی است که ما همیشه گفته‌ایم؛ آن‌ها همین را نمی خواهند.» (۱ فروردین ۹۲)	پذیرش چرخیدن چند هزار سانتریفیوژ در تأسیسات هسته‌ای ما پذیرش صریح غنی سازی ایران در برجام پذیرش صریح غنی سازی ایران در قطعنامه سازمان ملل اعتراف رسمی اوپاما در گفت و گو با فرید زکریا: مجبور شدیم حق غنی سازی ایران را بپذیریم	استراتژیک	۱. رسمی شدن غنی سازی ایران و پذیرش ایران هسته‌ای
رهبر انقلاب در خطبه‌های عید فطر بعد از وین: ده سال، دوازده سال کشمکش با جمهوری اسلامی، نتیجه اش این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سانتریفیوژ را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه این صنعت را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه تحقیقات و توسعه این صنعت را تحمل کنند. تحقیق و توسعه صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ گردش صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ این چیزی است که آن‌ها سال‌ها تلاش کردند، اولی [امروز روی کاغذ آوردند و امضا دارند می کنند که حرفی ندارند، این معنایش چیست جز اقتدار ملت ایران؟	محدودیت‌های پذیرفته شده متناسب با توان و برنامه هسته‌ای فعلی ما است و اگر محدود هم نبودیم، برنامه ایران فرق مهمی نمی کرد بعد از دوره محدودیت، هم در سطح غنی سازی و هم ظرفیت غنی سازی آزاد هستیم	استراتژیک	۲. غنی سازی صنعتی همراه با تحقیق و توسعه (صنعت هسته‌ای)

ستاندها

رفع تحریم‌های اقتصادی و مالی	استراتژیک	تحریم‌های اقتصادی و مالی هسته‌ای در روز اجرا رفع می‌شود (اعم از لغو، توقف و تعلیق)	لغو نشدن تحریم‌ها (برخی تعلیق و متوقف می‌شوند) ضعفی است که باید در زمان اجرای برجام جبران شود.
۴. عادی شدن پرونده ایران	غیر استراتژیک	توافق بر سر حل شدن مطالعات ادعایی عادی شدن پرونده ایران در سازمان ملل براساس قطعنامه ۲۲۳۱	
۵. شکست نظام سلطه در برابر ایران با پذیرش ایران هسته‌ای (مشروط به ادامه رویکرد استکبارستیزی)	استراتژیک	قطعنامه‌های سازمان ملل را بدون اجرا لغو کردیم (تعلیق غنی‌سازی، تعطیلی فردو، تعطیلی اراک و...) صنعت هسته‌ای خود را تحمیل کردیم رسمیت دادن به غنی‌سازی ایران آب سنگین و فردو و را حفظ کردیم و آمریکا را مجبور به خیلی عقب نشینی‌ها کردیم اعترافات صریح اوباما، جان کری و دیگر مقامات آمریکایی مبنی بر اینکه ناچاریم بپذیریم	این ستانده مشروط به ادامه و تقویت رویکرد استکبارستیزی در مرحله پسانتوافق است. تأثیرات بزرگ این دستاورد: ۱. تغییر هنجارهای بین‌المللی در جهت عادلانه‌تر شدن نظام بین‌الملل؛ ۲. پذیرش جهانی قدرت ایران و گرفتن سهمی در شان ایران در نظم جدید جهانی که در حال تثبیت شدن است؛ ۳. تقویت گفتمان استکبارستیزی از نوع اسلام سیاسی انقلاب اسلامی که همراه با عقلانیت است، هم‌زمان با غیریت‌سازی با اسلام سیاسی تکفیری؛ ۴. بیشتر شدن قدرت منطقه‌ای ایران و تقویت جبهه مقاومت.
۶. ستانده‌های دیگری که از اهمیت کمتری برخوردارند	غیر استراتژیک	تغییر مثبت محتوای قطعنامه ۲۲۳۱ نسبت به ۱۹۲۹ امکان همکاری برای توسعه فنی در دیگر بخش‌های صنعت هسته‌ای تبدیل شدن راکتور اراک به نیروگاهی پیشرفته امکان تست استانداردسازی سوخت اتمی	اجرای شدن این موضوعات قطعی نیست و منوط به سودآوری برای طرف‌های مقابل و همکاری آن‌هاست

پی‌نوشت

۱. بند ۲۸ ضمیمه یک برجام؛
۲. بند ۲۷ ضمیمه یک برجام؛
۳. بند ۱۰ مقدمه برجام؛
۴. بندهای ۴۵ و ۵۰ ضمیمه یک برجام؛
۵. ماده ۵۶ ضمیمه یک برجام؛
۶. ماده ۵۹ ضمیمه یک برجام؛
۷. ماده ۶۴ ضمیمه یک برجام؛
۸. ماده ۷۹ ضمیمه یک برجام؛
۹. ماده ۱۵ مقدمه برجام؛
۱۰. ماده ۷۸ ضمیمه یک برجام؛
۱۱. بخش هسته‌ای در مقدمه برجام و سرفصل ظرفیت غنی‌سازی در ضمیمه یک و نیز قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت؛
۱۲. بند ۲۷ ضمیمه یک برجام؛
۱۳. بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های عید سعید فطر، مورخ ۲۷ تیر ۹۴؛
۱۴. سرفصل تحقیق و توسعه ماشین سانتریفیوژ در ضمیمه یک برجام شامل بندهای ۳۲ تا ۴۳ و بند ۳ مقدمه برجام؛
۱۵. بند ۳ مقدمه برجام و بند ۳۲ ضمیمه یک؛
۱۶. بندهای ۳۷ و ۳۸ ضمیمه یک برجام؛
۱۷. بند ۶۳ ضمیمه یک برجام؛
۱۸. بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های عید سعید فطر مورخ ۲۷ تیر ۹۴؛
۱۹. همان؛
۲۰. بندهای ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ در ضمیمه شماره ۵ برجام؛
۲۱. بند ۲۴ ضمیمه ۵ برجام: در «روز خاتمه» قطعنامه شورای امنیت، مفاد و تدابیر تحمیل شده در آن قطعنامه خاتمه خواهد یافت و شورای امنیت دیگر به موضوع برنامه هسته‌ای ایران رسیدگی نخواهد کرد.

۲۲. بند ۸ پاراگراف‌های اجرایی قطعنامه سازمان ملل: شورای امنیت تصمیم می‌گیرد که تحت بند ۴۱ منشور ملل متحد، ده سال پس از روز پذیرش برجام که در سند برجام تعریف شده است، تمام تمهیدات این قطعنامه لغو شوند و هیچ کدام از قطعنامه‌هایی که در زیر پاراگراف «ا» از پاراگراف ۷ گفته شد، نباید اجرا شوند. در این زمان، شورای امنیت به رسیدگی به مسئله هسته‌ای ایران پایان می‌دهد و گزینه «عدم اشاعه» از فهرست موضوعاتی که شورای امنیت به آن توجه دارد، خارج می‌شود؛

۲۳. سخنرانی اوباما در مجمع سالانه مرکز هائیم سابان، ۸ دسامبر ۲۰۱۳؛

۲۴. سرفصل «تأسیسات غنی‌سازی فردو» در ضمیمه یک برجام؛

۲۵. سرفصل «راکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک» در ضمیمه یک برجام.

فصل دوم

عقب‌نشینی‌های آمریکا

یکی از راه‌ها برای بررسی اینکه آیا طرف مقابل در برابر ما شکست خورده است یا خیر، بررسی اهداف و خط‌قرمزهای تعیین‌شده توسط او است که باید دید در چه موضوعات و تا چه میزان به اهداف خود دست پیدا کرده یا عقب‌نشینی کرده است. واقعیت این است که نگاهی گذرا به این مسئله به‌خوبی نشان می‌دهد که ایران در این رویارویی جدی و مستقیم تا چه حد توانسته است طرف مقابل خود را به عقب‌نشینی‌های مکرر، آن هم در مسائل استراتژیک مجبور کند. برای این کار، بازنشر بی‌کم و کاست مقاله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز به‌همراه جدول عقب‌نشینی‌های آمریکا مبتنی بر اظهارات مقامات رسمی آمریکا و فکت‌شیت آن‌ها بعد از لوزان، کافی به نظر می‌رسد.

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در یکی از یادداشت‌های خود با عنوان «سه شکست آمریکا: ویتنام، عراق و حالا ایران» به‌قلم «دیوید بروکس»، از توافق هسته‌ای به‌عنوان شکست استراتژیک آمریکا در مقابل ایران نام می‌برد. این

روزنامه از جمله روزنامه‌های نزدیک به دموکرات‌ها و به خصوص دولت باراک اوباما محسوب می‌شود. انتشار چنین یادداشتی در این روزنامه دموکرات که با واکنش مخاطبان آن نیز مواجه شد، شایان توجه است. نویسنده در این یادداشت ابتدا به هشت هدف آمریکا از تحت فشار قراردادن ایران درباره موضوع هسته‌ای در دهه گذشته اشاره می‌کند؛ سپس از توافق هسته‌ای با ایران به عنوان «شکست استراتژیک» یاد می‌کند که پس از ویتنام و عراق، سومین شکست این کشور در دهه‌های گذشته است. ترجمه کامل این مقاله را در ادامه می‌خوانید:

هدف از جنگ چیست؟

هدف از جنگ نظامی یا اقتصادی، مجبور کردن دشمن خود به انجام کاری است که تمایلی به انجام آن ندارد. در طول چند سال گذشته، آمریکا و دیگر قدرت‌های غربی مشغول جنگ اقتصادی، سیاسی و مخفی علیه ایران بودند تا این کشور را وادار کنند که دست از برنامه هسته‌ای خود بردارد.

هشت هدف آمریکا از فشار به ایران

در طی این مدت که ایران در محاصره بود، سیاست آمریکا درباره اهدافش بسیار صریح و روشن بوده است:

- قبل از هر چیز، از اینکه ایران قدرتی هسته‌ای شود، جلوگیری کنیم؛
- دومین هدف همان‌طور که جان کری هم گفت، مجبور کردن ایران به از بین بردن بخش بزرگی از زیرساخت‌های هسته‌ای خود است؛
- سومین هدف این بود که قدرت غنی‌سازی اورانیوم را از این کشور بگیریم؛
- هدف چهارم همانی است که رئیس جمهور اوباما گفته بود: تعطیل کردن تأسیسات فردو؛
- پنجمین هدف آمریکا آن چیزی است که وندی شرمن مذاکره‌کننده ارشد آمریکا گفت: ایران را وادار کنیم همه فعالیت‌های هسته‌ای نظامی خود را تعطیل کند؛
- هدف ششم تعطیل کردن برنامه موشک‌های بالستیک ایران بود؛

- هفتمین هدف بازرسی‌های بیست و چهار ساعته در هفت روز هفته «در هر نقطه، در هر زمان» از تأسیسات هسته‌ای ایران بود؛
- هدف هشتم آن چیزی است که جان کری اعلام کرد: تا وقتی ایران قابلیت ساخت بمب اتمی دارد، تحریم‌ها را کاهش نمی‌دهیم.

آمریکا به هیچ یک از اهدافش نرسید

گزارش فارین پالیسی (نشریه سیاست خارجی آمریکا در ۲۸ جولای ۲۰۱۵) نشان می‌دهد آمریکا تاکنون به هیچ یک از این اهدافش نرسیده است. این توافق، برنامه هسته‌ای ایران را به تأخیر می‌اندازد، اما به آن پایان نمی‌دهد. این توافق به ایران به عنوان یک کشور هسته‌ای اعتبار می‌بخشد. ایران برخی سانتریفیوژهای خود را در انبار نگه می‌دارد؛ اما آن‌ها را از بین نمی‌برد. هیچ یک از تأسیسات خود را تعطیل نمی‌کند. تحقیق و توسعه هسته‌ای هم ادامه می‌یابد. ایران به حق غنی‌سازی اورانیوم دست یافت. این توافق شامل بازرسی‌های «هر زمان، هر نقطه» نیست. برخی بازرسی‌ها ممکن است با تأخیر بیست و چهار روزه ایران مواجه شود و این مدت به ایران فرصت می‌دهد محدوده را کاملاً پاک‌سازی کند. پس از هشت سال، همه تحریم‌های موشک‌های بالستیک برداشته می‌شوند. تحریم‌های اقتصادی زمانی برداشته می‌شوند که ایران اقدامات اولیه را انجام داده باشد.

دست‌آورد جنگ‌ها، چه نظامی، چه اقتصادی، با این معیار سنجیده می‌شوند که چقدر به اهداف اعلام‌شده خود رسیده‌اند. با این استدلال، آمریکا و متحدانش جنگ علیه ایران را باخته‌اند. در مقابل، ایران فقط پیروزی خود را با تأخیر به دست می‌آورد. اکنون این سومین شکست استراتژیک آمریکا در طول چند دهه گذشته است؛ ویتنام، عراق و حالا ایران.

چرا ما شکست خوردیم؟

سؤال بزرگ این است که چرا ما شکست خوردیم؟ چرا ترکیبی از قدرت‌های جهان غرب در مقابل یک کشور با اقتصادی فلج‌شده شکست خوردند؟ نخستین پاسخ این است که ایرانی‌ها بیش از ما خواهان پیروزی بودند. آن‌ها آماده بودند

در برابر مجازاتی که ما در نظر گرفته بودیم، بایستند. علاوه بر این، ایرانی‌ها به قدرت خود اطمینان داشتند؛ در حالی که دولت اوباما بر ناتوانی‌های آمریکا برای نفوذ بر دیگر کشورها تأکید می‌کرد. این نکته شایان توجه است که اوباما به ابزارهای در دسترس خود اهمیت کمی می‌داد. اوباما به‌طور مؤثری گزینه نظامی را از دستور کار خارج کرد و گفته‌هایش نشان می‌داد چندان به تحریم‌های بیشتر اقتصادی باور ندارد. اوباما استدلالش این بود: «اطلاعات ما درباره ایران نشان می‌دهد که ایرانی‌ها با این نوع فشارها به‌سادگی تسلیم نمی‌شوند.» اوباما خیلی زود نتیجه‌گیری کرد که «ایران روی مسائل اساسی باج نمی‌دهد.» او در سخنرانی خود گفت: «ایران هرگز درباره حاکمیت ملی خود، چه در جنگ نظامی و چه در جنگ اقتصادی، سازش نمی‌کند.» رئیس جمهور آمریکا امیدوار است که این توافق ماهیت حکومت ایران را تغییر دهد؛ بنابراین او انگیزه سرشاری برای رسیدن به توافق داشت. [در حالی که] رژیم تحریم‌های غرب، روسیه و چین در حال شکستن بود، ایرانی‌ها توانستند به هم نزدیک شوند.

توافق هسته‌ای ما را در مسیر جنگ قرار داد

دولت اوباما ما را بین انتخاب دو گزینه وحشتناک قرار داد؛ یا پذیرش توافق یا فروپاشی تحریم‌ها و رونق گرفتن برنامه هسته‌ای ایران. بسیاری از اعضای کنگره وسوسه شده‌اند که تسلیم این وضعیت شوند و این گزینه بد، یعنی توافق را در مقابل گزینه بعدی که شکست است، بپذیرند؛ اما وقتی درباره این طرح رأی‌گیری می‌شود، آن‌ها اسامی خود را به طر حی الصاق می‌کنند که در پایان مسیر احتمال جنگ افزایش می‌یابد.

نویسنده در ادامه ادعا می‌کند: ایران با این توافق، ثروتی بادآورده را برای گسترش ترور در منطقه و اعمال نفوذ خود صرف خواهد کرد. ایران با این توافق، مسلح به پول و موشک‌های بالستیک و توانایی فرار هسته‌ای است. این‌ها ایران را تهاجمی‌تر خواهد کرد و این دورنمای پایان توافق را خطرناک می‌کند. در پایان این توافق، رئیس جمهورهای بعدی آمریکا باید تصمیم نهایی را برای اقدام نظامی علیه ایران بگیرند.

بازخوانی فکت‌شیت‌ها و اظهارات مقامات آمریکایی در مقایسه با برجام

فهرست عقب‌نشینی‌های آمریکا

موضوع	مواضع آمریکایی‌ها	شخصیت اظهار نظر کننده و تاریخ اظهار نظر	نتیجه نهایی بر اساس برجام و ضمایم
غنی‌سازی	ایران حق ندارد اورانیوم را غنی‌سازی کند. ایران لازم نیست فناوری غنی‌سازی را یاد بگیرد. ما نمی‌توانیم در این زمینه به حکومت ایران اعتماد کنیم.	جورج بوش رئیس‌جمهور وقت ۳ فروردین ۱۳۸۷	حق غنی‌سازی ایران در پنج قسمت برجام به‌طور صریح تا مرز ۳.۶۷ درصد به رسمیت شناخته شده است. عملاً این آرزوی آمریکا که غنی‌سازی باید به‌طور کامل متوقف شود، بر باد رفته است. بند الف متن اصلی برجام با عنوان «غنی‌سازی، تحقیق و توسعه غنی‌سازی، ذخایر» به تشریح دستاوردها و محدودیت‌های فنی ایران در حوزه غنی‌سازی پرداخته است. همچنین بند ۲۸ ضمیمه اول برجام هم موضوع حق غنی‌سازی ایران را طرح کرده که در بندی از آن آمده است: «ایران سطح غنی‌سازی خود را به‌مدت ۱۵ سال در حد ۳.۶۷ درصد حفظ خواهد کرد.» همچنین اعتراف صریح اوپاما در مصاحبه با فرید زکریا در سی‌ان‌ان: مجبور شدیم حق غنی‌سازی ایران را ببندیم.
	آمریکا برای آغاز مذاکرات با ایران یک شرط دارد و آن همچنین تعلیق فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفراوری است.	کلندولیزا رایس وزیر خارجه وقت آمریکا ۲۹ تیر ۱۳۸۷	
	اوپاما در سخنرانی سازمان ملل، نگفت که حق غنی‌سازی ایران را به رسمیت می‌شناسد. منظور از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، حق غنی‌سازی در ایران نبود.	سوزان رایس، مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری آمریکا ۷ مهر ۹۲	
	ایران حق غنی‌سازی ندارد؛ وگرنه مذاکره متوقف می‌شود. در صورتی که توان غنی‌سازی ایران از بین نرود، امکان حصول توافق وجود ندارد.	وندی شرمن، معاون وزیر خارجه آمریکا ۲۵ شهریور ۹۳	
	هیچ حقی برای غنی‌سازی ایران وجود ندارد. ما حق غنی‌سازی را به رسمیت نمی‌شناسیم. این موضوع در «ان‌پی‌تی» نیز روشن است. بسیار بسیار روشن است که هیچ حقی برای غنی‌سازی وجود ندارد.	جان کری، وزیر خارجه آمریکا ۱۳ آذر ۹۳	

بازخوانی فکت‌شیت‌ها و اظهارات مقامات آمریکایی در مقایسه با برجام

فهرست عقب‌نشینی‌های آمریکا

موضوع	مواضع آمریکایی‌ها	شخصیت اظهار نظر کننده و تاریخ اظهار نظر	نتیجه‌نهایی بر اساس برجام و ضمائم
نظنز	آمریکا برای آغاز مذاکرات با ایران یک شرط دارد و آن همچنان تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی در نظنز و بازفرآوری است.	کاندولیزا رایس، وزیر وقت خارجه آمریکا ۲۹ تیر ۸۷	آمریکا که بارها شرط آغاز مذاکرات هسته‌ای را تعلیق غنی‌سازی در نظنز عنوان می‌کرد، حالا باید فعالیت ۵۰۶۰ سانتریفیوژ نسل اول را در ۳۰ زنجیره در نظنز بپذیرد بر اساس بند ۵۳ پیوست اول برجام، ایران پس از ۱۰ سال می‌تواند زیرساخت ضروری برای نصب ماشین سانتریفیوژ IR-8 را در سالن B نظنز آغاز کند. همچنین ماشین‌های مازاد بر ۵۰۶۰ عدد، در سالن B ذخیره می‌شوند تا در صورت آسیب دیدن ماشین‌های اصلی جایگزین شوند.
	ما بارها گفته‌ایم ایران می‌تواند بر نامه صلح‌آمیز هسته‌ای داشته باشد، اما بدون غنی‌سازی. غنی‌سازی در جای دیگری انجام شود و ایران آن را بخرد.	وندی شرم، معاون وزیر خارجه آمریکا ۴ مهر ۹۲	

بازخوانی فکت‌شیت‌ها و اظهارات مقامات آمریکایی در مقایسه با برجام

فهرست عقب‌نشینی‌های آمریکا

موضوع	مواضع آمریکایی‌ها	شخصیت اظهار نظر کننده و تاریخ اظهار نظر	نتیجه‌نهایی براساس برجام و ضمائم
فردو	تأسیسات غنی‌سازی ایران در فردو و نطنز باید برچیده شود؛ به گونه‌ای که این کشور نتواند اورانیوم و پلوتونیوم غنی‌سازی کند	سران دو حزب اصلی آمریکا ۱۴ اسفند ۹۲	تعطیلی فردو یکی از خطوط قرمز همیشگی آمریکا بود که این درخواست بارها از سوی ایران رد شد. حتی دو مذاکره‌کننده‌آرشد فعلی و سابق کشورمان تأکید کرده بودند چون آمریکا نمی‌تواند این تأسیسات را بمباران کند، روی تعطیلی آن اصرار دارد. این خواسته به هیچ وجه در توافق نهایی محقق نشد. به شکلی که در بند ۶ برجام آمده است: «۱۰۴۴ سانتریفیوژ IR-1 در قالب شش آبخار در یک بال در تأسیسات فردو باقی خواهد ماند. دو عدد از این آبخارها به همراه زیرساخت‌هایش بدون اورانیوم به چرخش ادامه خواهد داد و از طریق اصلاح مقتضی زیرساخت‌ها، برای تولید ایزوتوپ‌های پایدار منتقل خواهد شد. چهار آبخار دیگر به همراه تمام زیرساخت‌های مربوطه به صورت ساکن باقی خواهند ماند.»
	فردو باید تعطیل و تأسیسات آن نابود شود	دیپلمات‌های آمریکایی در مذاکرات استانبول ۲۷ فروردین ۹۱	

بازخوانی فکت‌شیت‌ها و اظهارات مقامات آمریکایی در مقایسه با برج‌جام

فهرست عقب‌نشینی‌های آمریکا

موضوع	مواضع آمریکایی‌ها	شخصیت اظهار نظر کننده و تاریخ اظهار نظر	نتیجه‌نهایی بر اساس برج‌جام و ضمائم
تحریم‌ها	اگر ایران به تعهداتش طوری پایبند باشد که بتوان آن را راستی‌آزمایی کرد، تخفیف تحریمی دریافت خواهد کرد.	فکت‌شیت آمریکایی از مذاکرات لوزان، فروردین ۱۳۹۴	تمام تحریم‌های پولی، مالی و بانکی در روز اجرای توافق رفع (اعم) از لغو، توقف و تعلیق می‌شوند.
	معماری تحریم‌های مرتبط با موضوع هسته‌ای که ایالات متحده آن را طراحی کرده است، در بخش اعظم دوره توافق حفظ می‌شود و امکان بازگشت فوری آن‌ها در صورت بروز نمونه جدی عدم کارایی را فراهم می‌کند.	فکت‌شیت آمریکایی از مذاکرات لوزان، فروردین ۱۳۹۴	
	ایران باید تضمین بدهد که برنامه هسته‌ای این کشور مسالمت‌آمیز است. حتی در صورت توافق، ۹۵ درصد تحریم‌ها برداشته نمی‌شود.	باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا، ۱۱ اسفند ۹۳	

بازخوانی فکت‌شیت‌ها و اظهارات مقامات آمریکایی در مقایسه با برجام

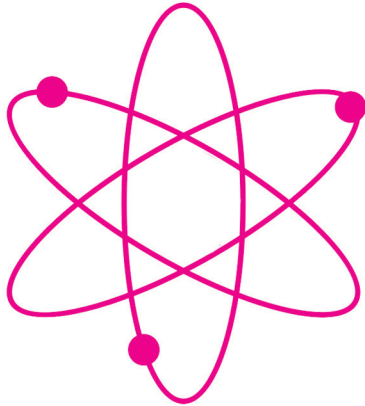
فهرست عقب‌نشینی‌های آمریکا

موضوع	مواضع آمریکایی‌ها	شخصیت اظهار نظر کننده و تاریخ اظهار نظر	نتیجه‌نهایی براساس برجام و ضمائم
PMD مطالعات ادعایی	اقدامات رفع تحریم‌های ایران منوط به حل ابعاد نظامی احتمالی (PMD) است ایران درباره جنبه‌های نظامی احتمالی در برنامه هسته‌ای خود، به اجرای مجموعه‌ای از فعالیت‌های توافق شده برای پرداختن به نگرانی‌های اژانس بین‌الملل انرژی اتمی اقدام خواهد کرد.	فکت‌شیت آمریکا پس از مذاکرات لوزان، فروردین ۱۳۹۴	براساس جمع‌بندی مذاکرات وین، حل موضوع مطالعات ادعایی به اجرای توافق و لغو تحریم‌ها مرتبط نشده است. صرفاً ایران تا زمان اجرای توافق باید اطلاعات این موضوع را ارائه کند و این‌طور نیست که اصل اجرای توافق منتظر نظر اژانس در این مسئله باشد.

بازخوانی فکثیت‌ها و اظهارات مقامات آمریکایی در مقایسه با برجام

فهرست عقب‌نشینی‌های آمریکا

موضوع	مواضع آمریکایی‌ها	شخصیت اظہار نظر کننده و تاریخ اظهار نظر	نتیجۀ نهایی براساس برجام و ضمائ
تحقیق و توسعه	- ایران اجازه تزریق اورانیوم به سانتریفیوژها را ندارد. - ایران موافقت کرده است تا برای ده سال، تنها با استفاده از سانتریفیوژهای نسل اول خود (IR-1) در نطنز غنی‌سازی کند و تمامی سانتریفیوژهای پیشرفته خود را برمی‌دارد. - ایران برای دست کم ده سال از مدل‌های IR-2، IR-4، IR-5، IR-6 برای تولید اورانیوم غنی‌شده استفاده نمی‌کند	فکثیت آمریکا پس از مذاکرات لوزان، فروردین ۱۳۹۴	تزریق اورانیوم به سانتریفیوژها در تحقیق و توسعه انجام می‌شود. براساس ضمایم برجام، تحقیق و توسعه سانتریفیوژهای نسل جدید ایران با گازدهی همراه خواهد بود: «ایران تحقیق و توسعه غنی‌سازی خود را به گونه‌ای که برای جمع‌آوری اورانیوم غنی‌شده نباشد، ادامه خواهد داد. ایران به مدت ده سال و براساس برنامه تحقیق و توسعه خود، تست ماشین‌های سانتریفیوژ با استفاده از اورانیوم فقط شامل IR-4، IR-5، IR-6، IR-8 می‌شود.» این شامل همه دستگاه‌هایی است که ایران در حال حاضر روی آن تحقیق و توسعه انجام می‌دهد. «در باره IR-6 و IR-8 نیز از یک‌ونیم سال مانده به سال دهم، آزمایشات بر روی زنجیره ۳۰ ماشین را شروع خواهد کرد. ایران این آزمایشات را از تک ماشین و زنجیره‌های کوچک به زنجیره میانی با یک روال منظم جلو خواهد برد. همچنین حیطه تحقیق روی نسل‌های احتمالی بعدی سانتریفیوژ نیز توسط ایران ادامه خواهد داشت: «ایران مطابق با برنامه خود و بهترین رویه‌های بناسده بین‌المللی، تمایل دارد که تحقیق و توسعه روی سانتریفیوژهای نسل جدید را از طریق مدل‌سازی کامپیوتری و شبیه‌سازی از جمله در دانشگاه‌ها، ادامه دهد. در دوره ده‌ساله، برای هر پروژه‌ای که به مرحله نمونه‌سازی برای تست مکانیکی رسید، ارائه کامل و تصویب کمیسیون مشترک لازم است.»



بخش دوم

اجزای برجام در نگاه خرد

فصل اول

برجام و بررسی متناظر بودن اقدامات

در تحلیلی کلان از داده و ستانده‌های ایران نشان دادیم که کفهٔ ستانده‌های ما از داده‌ها به‌شکل محسوسی سنگین‌تر است؛ اما تأکید کردیم تا زمانی که جزئیات بررسی نشود و از نبود حفره‌های مهم اطمینان پیدا نکنیم، نمی‌توان گفت با توافقی خوب روبه‌رو هستیم؛ به همین دلیل از این پس تلاش می‌کنیم به ابهامات مطرح‌شده در این باره بپردازیم. در ابتدا به موضوع تناظر اقدامات ما و غرب در فرایند اجرای برجام می‌پردازیم. سؤالات زیر نمونه‌ای از دغدغه‌ها و مسائلی است که در ذهن جامعه جای گرفته است:

- با توجه به اینکه ابتدا ایران باید اقدامات خود را انجام دهد، اگر ما اقدامات خود را انجام دهیم اما آمریکا تحریم‌ها را بر ندارد، چه می‌شود؟
 - آیا تحریم‌ها از ابتدا برداشته می‌شود؟ برخی می‌گویند که تحریم‌ها بعد از سال هشتم به‌طور کامل برداشته می‌شود و تا آن زمان بسیاری از تحریم‌ها باقی می‌ماند.

- در برجام گفته شده است که آمریکا در سال هشتم تلاش خواهد کرد که تحریم‌های ایران در کنگره لغو شود. با این وصف آمریکا متعهد نشده است که حتماً این تحریم‌ها لغو شود.

نمونه‌های بالا همگی مربوط به یکی از اصلی‌ترین محورهای بحث دربارهٔ جزئیات متن برجام، یعنی اقدامات متناظر ایران و طرف مقابل است. ما در حین ارائه توضیح دربارهٔ مسیر برجام، به این سؤالات پاسخ می‌دهیم.

مراحل اجرایی برجام

براساس برجام، کشور ما چند مرحله را پیش رو دارد:^(۱) «روز نهایی شدن» یعنی روزی که در سازمان ملل قطعنامهٔ جدید صادر شد، «روز تصویب» یعنی حداکثر نود روز بعد از روز نهایی شدن، «روز اجرا» زمانی که طرفین اقداماتی را انجام دادند و آژانس گزارش خود را مبنی بر اجرایی شدن تعهدات ایران ارائه کرد، «روز انتقالی» حداکثر هشت سال بعد از روز تصویب و در نهایت «روز خاتمه» که حداکثر ده سال بعد از روز تصویب خواهد بود. حال باید ببینیم در هر مرحله دو طرف چه اقداماتی انجام می‌دهند.

نکتهٔ مهم پیش از ورود به بحث این مسئله است که پایهٔ برجام بر بی‌اعتمادی دو طرف به یکدیگر و امکان بازگشت‌پذیری بنا شده است؛ به همین دلیل بررسی هزینه و منفعت بازگشت‌پذیری برای ایران اهمیت پایه‌ای دارد. اگر برآیند آن برای ایران مثبت باشد، بخش‌های زیادی از برجام توجیه‌پذیر و در غیر این صورت، برجام ناموجه خواهد بود. فعلاً با این پیش‌فرض که بررسی این مسئله را به بعد موکول می‌کنیم، صرفاً به بررسی متناظر بودن اقدامات می‌پردازیم.

روز نهایی شدن

مدتی پس از این روز، ۱+۵ متعهد شده بود که قطعنامه‌ای را به شورای امنیت پیشنهاد دهد. در این قطعنامه، قطعنامه‌های پیشین و تحریم‌های هسته‌ای تعیین‌شده در قطعنامه‌های قبلی سازمان ملل و دیگر تحریم‌ها طی فرایندی که بعداً توضیح داده خواهد شد، لغو می‌شود. دیگر جزئیات قوت‌ها و ضعف‌های

قطعه‌نامه در فصلی دیگر بررسی قرار می‌شود؛ ولی به‌هر حال ۱+۵ به این تعهد خود عمل کرد و قطعه‌نامه صادر شد.^(۳)

روز تصویب

برای روز تصویب، آمریکا و اروپا به ابلاغ مصوبات و دستورالعمل‌هایی متعهد شده‌اند. خلاصه آن در یک جمله رفع (اعم از توقف^(۳)، لغو^(۴)) و تعلیق^(۵) همه تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران است؛ البته زمان اجرایی شدن آن‌ها به «روز اجرا» یعنی بعد از انجام اقدامات ایران موکول شده است. جزئیات فنی این تعهدات به شرح زیر است: آمریکا متعهد شده است که دستور توقف اجرای تحریم‌های کنگره^(۶) (تحریم‌های اصلی آمریکا در این دسته قرار دارد) و دستور لغو برخی تحریم‌های رئیس‌جمهور آمریکا و تعلیق باقی‌مانده آن‌ها را صادر کند (به‌همراه دستورالعمل‌های اجرایی مربوط). زمان اجرایی شدن این ابلاغیه‌ها به بعد از روز اجرا موکول شده است. همچنین اروپا نیز^(۷) متعهد شده است که قانون اجرایی^(۸) مربوط به تحریم‌های اقتصادی و مالی را لغو و قانون مربوط به تصمیم سیاسی^(۹) مربوط به آن را تعلیق کند^(۱۰) (قانونی که لغو می‌شود، به‌نوعی آیین‌نامه اجرایی برای قانون دوم که تعلیق می‌شود محسوب خواهد شد)؛ البته برخی بندهای این قانون که مهم‌ترین‌های آن مربوط به تحریم سوئیت و اموال بلوکه‌شده است، لغو یا تعلیق نمی‌شود؛ بلکه تعدادی اندک از اسامی که مربوط به تحریم‌های غیرهسته‌ای می‌شوند،^(۱۱) باقی می‌ماند و بقیه که عمده آن محسوب می‌شوند، از لیست تحریم حذف می‌شوند. زمان اجرایی شدن این مصوبه نیز به روز اجرا یعنی بعد از انجام تعهدات ایران موکول شده است.

ایران نیز بعد از روز نهایی شدن متعهد شده است که همه اقدامات مربوط به محدودیت‌های هسته‌ای را انجام دهد^(۱۲) که اهم آن‌ها عبارت‌اند از کاهش تعداد سانتریفیوژهای نطنز به ۵۰۶۰ عدد،^(۱۳) محدودیت‌های تعیین‌شده در سایت فردو،^(۱۴) درآوردن هسته مرکزی راکتور آب سنگین اراک و از بین بردن

آن^(۱۵) کاهش ذخیره اورانیوم از حدود ۹ تن به ۳۰۰ کیلو^(۱۶) انجام «اقدامات توافق شده» بین ایران و آژانس برای حل سؤالات مربوط به برنامه گذشته ایران.

روز اجرا

روز اجرا هم‌زمان با اعلام گزارش آژانس مبنی بر راستی‌آزمایی اقدامات ایران است. در این روز قطعنامه جدید سازمان ملل و مصوبات و ابلاغیه‌های اتحادیه اروپا و آمریکا خودبه‌خود به مرحله تأثیر می‌رسد. در نتیجه تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط به فعالیت‌های هسته‌ای به‌طور کامل رفع (اعم از لغو، تعلیق و توقف) می‌شود.

ضعف موجود بین روز تصویب تا روز اجرا

عدمای تناظر اقدامات دو طرف را از ضعف‌های موجود در مرحله بین روز تصویب و اجرا می‌دانند. با این توضیح که طرف مقابل مصوبه‌ای را می‌گذراند و اقداماتی را روی کاغذ انجام می‌دهد و ما اقداماتی اجرایی را روی زمین انجام می‌دهیم. اینکه طرف مقابل در ابتدا قطعنامه‌های قدیم را لغو کرده و مصوبات و ابلاغیه‌های رفع تحریم‌ها را صادر کرده، صحیح است (که اگر این نکته نبود به هیچ وجه تناظر رعایت نشده بود)؛ اما در مقابل، ایران اقداماتی عینی و فیزیکی انجام می‌دهد؛ به عبارت دیگر، اگر در این مقطع توسط طرف مقابل بدعهدی صورت گیرد، خیلی سریع و فقط با هزینه‌ای سیاسی موضوع برمی‌گردد؛ اما ما باید برای بازگرداندن موضوعات، هزینه مالی بپردازیم و زمان صرف کنیم؛ به همین دلیل می‌توان مدعی شد در گام اول، تناظر و تناسب به درستی رعایت نشده است. فارغ از این سؤال که چه پیشنهاد جایگزینی می‌توانستیم پیشنهاد دهیم، به نظر می‌رسد اگر موضوع را از منظر سیاسی تحلیل کنیم و نگاهی به برنامه هسته‌ای و بازگشت‌پذیری ایران نیز داشته باشیم، پذیرش این ضعف مهم از منطق عقلانی برخوردار است؛ چراکه اولاً با توجه به اینکه آمریکا و اروپا مصوبات و ابلاغیه‌های قانونی را انجام داده‌اند و اقدام قانونی و عملی جدیدی لازم نیست صورت گیرد، بسیار بعید است که دولت اوباما (که به تعبیر رهبر انقلاب نیازمند به نتیجه

رسیدن مذاکرات است) بعد از این همه مذاکره و تلاش جدی برای گذراندنش از پیچ و خم کنگره، در گام اول بخواهد دستورات و ابلاغیه‌های خود را باطل و نتیجه به دست آمده را که دستاورد خود می‌داند، مخدوش کند؛ خصوصاً آنکه دولتمردان آمریکا بارها به تصریح گفته‌اند که راه جایگزینی جز این تفاهم برای آن‌ها وجود ندارد.^(۱۷) در صورت لغو توافق، ایران از منظر آن‌ها با سرعتی بیشتر و بدون نظارت به سمت هسته‌ای شدن حرکت خواهد کرد. ثانیاً نباید فراموش کرد آمریکا به تنهایی نمی‌تواند در این مرحله نقض عهد کند؛ بلکه باید اروپایی‌ها، هم تروئیکای اروپایی و هم کشورهای اروپای دوم^(۱۸) را با خود همراه کند. می‌توان با اطمینان گفت که حتی اگر اوپاما تصمیم به نقض عهد در گام اول کند، نخواهد توانست اروپایی‌ها را برای ادامه تحریم‌ها همراه و آن‌ها را راضی کند.

مقامات آمریکایی بر همراهی نکردن اروپایی‌ها بر ادامه تحریم‌ها صحنه گذاشته‌اند. گزارش هافینگتون پست^(۱۹) و فارین پالیسی^(۲۰) از جلسه سفرای کشورهای اروپایی با سناتورهای دموکرات آمریکا که باعث اعلام موافقت فوری چند سناتور دموکرات با توافق شد، به روشنی گواه این ادعا است؛ چراکه سفرای کشورهای اروپایی در این جلسه تصریح کردند که با آمدن ایران پای میز مذاکره و به نتیجه رسیدن آن، دلیلی برای ادامه همراهی اروپا با تحریم‌ها وجود ندارد. تعداد سفر هیئت‌های بلند پایه سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی مانند فرانسه، آلمان، ایتالیا و... تأییدی بر این تحلیل است؛ اما مهم‌تر از این اظهار نظرها، توجه به این نکته است که ایران با کشورهای اروپایی (حداقل کشورهای اروپای دوم) هیچ‌گونه تضاد در منافع استراتژیک ندارد. نه اسرائیل خط قرمز استراتژیک اروپایی‌ها است، نه هدف هژمون شدن بر کل نظام آینده جهانی دغدغه حداقل کشورهای اروپای دوم است. نباید فراموش کرد که همراهی جمعی همه کشورهای اروپا با آمریکا برای تحریم، صرفاً به دلیل ایجاد تصور نادرست درباره احتمال ساخت بمب هسته‌ای بود. روشن است که رسیدن به این خواسته از نظر اروپایی‌ها فقط با پابرجا ماندن برجام و ادامه دادن مسیر آن تأمین خواهد شد و شکست برجام نگرانی را به اروپایی‌ها باز می‌گرداند.

هرچند در تناظر اقدامات ایران و طرف مقابل در گام اول ضعف‌هایی وجود دارد، اما دلیل سوم مبنی بر منطقی بودن ریسک پذیرفته‌شده این است که بازگشت‌پذیری ما در صنعت هسته‌ای بازگشت به جای قبل نخواهد بود.^(۲۱) در صورتی که مبتنی بر توان فعلی و برنامه کلان هسته‌ای ایران در این مقطع یا مقطعی دیگر بنا به بازگشت داشته باشیم، سانتریفیوژهای نسل پیشرفته خود را با سانتریفیوژهای قدیمی در نطنز و فردو جایگزین خواهیم کرد. درباره راکتور آب سنگین اراک نیز چون قرارداد ساخت راکتور پیشرفته جدید قبل از روز اجرا منعقد شده است،^(۲۲) براساس قانون عطف به ما سبق^(۲۳) این قرارداد که طرف اصلی آن هم چینی‌ها هستند (و از حقوق خود دفاع می‌کنند)، به مسیر خود ادامه خواهد داد؛ در نتیجه اگر به احتمال بسیار کم در روز اجرا نقض عهد صورت گیرد، هزینه و زمانی که ما در بازگشت‌پذیری صرف خواهیم کرد، صنعت هسته‌ای ما را چند گام به جلو می‌برد و به نقطه قبل بر نمی‌گردیم. براساس این سه دلیل و با توجه به مدل بازگشت‌پذیر بودن، می‌توان از وجود این ضعف در مرحله اجرا چشم‌پوشی کرد و ریسک آن را کم دانست؛ در عین حال با توجه به این ضعف، برای اطمینان از این مسئله بهتر است در اجرای برجام با استفاده از حفره‌هایی که به نفع ایران است یا با بهره‌بردن از ظرفیتی مانند کمیسیون مشترک به گونه‌ای عمل کرد که اجرای اقدامات ایران بازگشت‌پذیری سریعی داشته باشد و به نوعی تعلیق هم محسوب شود؛ به عنوان مثال، در رعایت سقف ۳۰۰ کیلو اورانیوم، طبق موافقت‌نامه‌ای دوجانبه با روسیه، ۹ تن اورانیوم فعلی به صورت امانت در این کشور نگهداری شود تا در صورت بازگشت مجدد تحریم‌ها، بلافاصله این اورانیوم‌ها به کشور برگردد یا با چانه‌زنی در اجرا، برخی فعالیت‌ها را با نظر موافق کمیسیون مشترک به طور کامل اجرا نکند.

از روز اجرا تا روز انتقالی

بخش اصلی توافق از روز اجرا تا روز انتقالی است؛ چراکه پیش از آن، مقدمات ورود به توافق محسوب می‌شود و بعد از آن عملاً تحریم مهمی باقی نمانده است. اگر بنا باشد نقض عهده‌ی صورت گیرد، به احتمال زیاد تا این روز صورت خواهد

گرفت؛ به همین دلیل متناظر بودن این بخش از اهمیت اصلی برخوردار است. بعد از روز اجرا، تمام تحریم‌های اقتصادی و مالی اروپا و آمریکا که مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای مانند خرید و فروش نفت، سوئیت، نقل و انتقالات پول و بلوکه شدن اموال ایران است، برداشته می‌شود. تعدادی از این تحریم‌ها لغو، برخی متوقف و بعضی دیگر تعلیق می‌شوند. فقط تعداد اندکی تحریم‌های کم‌تأثیر مرتبط با ادعاهای اشاعه‌ای و تسلیحاتی باقی می‌ماند.

درمقابل، ایران نیز از این روز به صورت «موقت» پروتکل الحاقی^(۴۴) را اجرا می‌کند. تعهد به اجرای موقت و نه دائم پروتکل الحاقی به این دلیل است که آمریکا هنوز تحریم‌ها را لغو نکرده و فقط متوقف کرده است. اروپا نیز مانند آمریکا قانون اجرایی تحریم‌ها را لغو کرده و قانون پایه مربوط را تعلیق کرده است. در روز انتقالی اگر آژانس انرژی اتمی صلح‌آمیز بودن فعالیت ایران را ظرف مدت هشت سال تأیید کرد، خود به خود^(۴۵) بدون آنکه نظر آژانس اهمیتی داشته باشد، در رأس هشت سال اروپایی‌ها قانون اجرایی بقیه تحریم‌ها را لغو می‌کنند.^(۴۶) آمریکا نیز ملزم است برای گرفتن مصوبه کنگره مبنی بر لغو قانون تحریم‌ها اقدام کند.^(۴۷) در برابر این اقدام، دولت جمهوری اسلامی ایران نیز برای گرفتن مصوبه مجلس مبنی بر پیوستن رسمی به پروتکل الحاقی اقدام خواهد کرد.^(۴۸) در صورتی که اروپا اقدام خود را اجرایی کند و کنگره آمریکا نیز قانون تحریم‌ها را به طور کامل لغو کند، مجلس شورای اسلامی پروتکل الحاقی را تصویب خواهد کرد؛ به عبارت دیگر، مصوبه پیوستن به پروتکل الحاقی از نظر آن‌ها تنها ضمانت انحراف نداشتن فعالیت‌های هسته‌ای ایران به فعالیت‌های نظامی محسوب می‌شود. پیوستن به پروتکل، اقدامی متناظر در برابر لغو کامل تحریم‌های کنگره آمریکا و لغو باقی‌مانده قانون اجرایی تحریم‌های اروپا (که فقط مرتبط با تحریم‌های غیرهسته‌ای است) خواهد بود. براساس توضیح داده شده می‌توان گفت مشروط به مثبت بودن برایند بازگشت‌پذیری، تناظر خوبی در بخش اصلی دوران توافق که بدنه برجام محسوب می‌شود، وجود دارد؛ مخصوصاً اگر همان‌طور که قبلاً گفته شد، در اجرای برجام و در اجرای محدودیت‌های

ایران به گونه‌ای عمل شود که بازگشت‌پذیری سریع باشد و به معنای دیگر، محدودیت‌های فعالیت‌های ایران به نوعی تعلیق شود.

روز خاتمه

از روز انتقالی تا روز خاتمه، بخشی از محدودیت‌های مربوط به تحقیق و توسعه برداشته می‌شود.^(۲۹) محدودیت‌های باقی‌مانده نیز متناسب با توان و برنامه کلان هسته‌ای ایران است و لطمه مهمی به پیشرفت صنعت هسته‌ای نمی‌زند؛ اما ایران همچنان به محدودیت‌های غنی‌سازی خود ادامه می‌دهد. در مقابل، آمریکا و کشورهای اروپایی برای اطمینان از اجرایی شدن این تعهدات، «گرو»هایی نگه داشته‌اند؛ اول، امکان بازگشت‌پذیری قطعنامه‌های لغوشده شورای امنیت و دوم، قانون پایه تحریم‌های اروپا که تعلیق شده است (البته قانون اجرایی مربوط به آن به طور کامل لغو شده است). بر این اساس در روز خاتمه، محدودیت‌های ایران غیر از چند موضوع پایان می‌یابد. قطعنامه ۲۲۳۱ به طور خودکار بدون نیاز به تصویب مجدد توسط شورای امنیت و همچنین قانون پایه تحریم‌های اتحادیه اروپا نیز لغو می‌شود. با پایان یافتن محدودیت‌های ذکر شده و لغو قطعنامه^(۳۰) و تصریح بر اینکه شورای امنیت دیگر به پرونده ایران رسیدگی نمی‌کند،^(۳۱) پرونده هسته‌ای به موضوعی عادی و در چارچوب آژانس تبدیل می‌شود.

می‌توان مدعی شد در این مرحله نیز تناظر اقدامات روندی منطقی دارد؛ البته منطقی‌تر این بود که روز خاتمه با روز انتقالی یکی می‌شد و اصولاً این دو سال به زمان توافق اضافه نمی‌شد. می‌توان مدعی شد اضافه شدن فاصله دو سال بین این دو روز، امتیازی است که ایران به طرف مقابل داده است؛ اما با توجه به رفع محدودیت‌ها، در این دو سال تحقیق و توسعه متناسب با نیاز ایران باعث می‌شود پیشرفت صنعت هسته‌ای کند نشود و این امتیاز را توجیه‌پذیر می‌کند.

بعد از روز خاتمه

بعد از روز خاتمه، ایران همچنان به موضوعاتی که اهم آن‌ها عبارت‌اند از محدودیت سقف غنی‌سازی تا ۳،۶۷ درصد، ساخت رآکتورهای جدید آب سنگین و رعایت سقف ۳۰۰ کیلو ذخیرهٔ اورانیوم هر دو تا ۱۵ سال، امکان نظارت بر ساخت روتورها تا ۲۰ و معادن تا ۲۵ سال همچنان ادامه می‌دهد. می‌توان تعهدات بعد از ده سال را جزو ضعف‌های مهم توافق برجام دانست؛ اما حفراهی که برجام را به توافقی نپذیرفتنی تبدیل کند، محسوب نمی‌شود.

جمع‌بندی

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که اقدامات متناظر ایران و طرف مقابل در بخش آغازین و بعد از روز خاتمه ضعف‌هایی دارد؛ اما این ضعف به گونه‌ای نیست که حفراهی مهم در برجام محسوب شود؛ مخصوصاً اگر بتوان در اجرا این ضعف‌ها را با امکان بازگشت‌پذیری سریع که نوعی تعلیق محسوب می‌شود، برطرف کرد. در فصل قبل با نگاهی کلان‌نگر، برآیند کفهٔ ستانده‌ها را سنگین‌تر از داده‌ها ارزیابی کردیم؛ پس همچنان می‌توان درمجموع برجام را توافقی پذیرفتنی برای ایران دانست؛ البته مشروط به آنکه دربارهٔ دیگر نکات مانند هزینه‌فایدهٔ بازگشت‌پذیری و... بررسی لازم صورت گیرد.

جدول تناظر اقدامات

ملاحظات	سازمان ملل	ایران	آمریکا	اروپا	روز توافق
	اجرایی شدن قطعنامه‌ای که قبلاً تصویب شده است	انجام تمام تعهدات مربوط به محدودیت‌های پذیرفته‌شده در صنعت هسته‌ای	اِبلانج دستورها و دستورالعمل‌های اجرایی دربارهٔ رفع تحریم‌ها (زمان اجرایی شدن بعد از روز اجرا)	صدور مصوبات و اِبلانج دستورالعمل‌های اجرایی دربارهٔ رفع تحریم‌ها (زمان اجرایی شدن بعد از روز اجرا)	
ضعف حقوقی مهم با ریسک سیاسی با ریسک سیاسی کم که در اجرا بر طرف نبود	اجرای لغو قطعنامه‌ها به‌جز حوزهٔ موشکی و تسلیحاتی	اجرای موقت پروتکل الحاقی بند ۳۱ اجرا می‌شود به‌علاوهٔ سایر محدودیت‌ها در صنعت هسته‌ای	تحریم‌های مربوط به رئیس‌جمهور لغو تحریم‌های مربوط به کنگره توقف	رفع تحریم‌های هسته‌ای؛ قانون اجرایی تحریم‌ها لغو؛ قانون تصمیم سیاسی تحریم‌ها تعلیق (در موضوعاتی مانند سوئیفت، قانون اجرایی تعلیق می‌شود که با اصلاح پیوستهٔ امنیتی تحریم‌ها رفع می‌شود)	روز اجرا

جدول تناظر اقدامات

روز انقضالی	کل تحریم‌ها رفع (اعم از هسته‌ای و غیر هسته‌ای) قانون اجرائی کل تحریم‌ها لغو قانون تصمیم سیاسی تحریم‌ها تعلیق	لغو تحریم‌ها با معویة کتبه	تصویب رسمی پروتکل الحاقی در مجلس تلازم محدودیت‌ها در غنی‌سازی کاهش محدودیت‌ها در تحقیق و توسعه و حرکت به سمت برنامه کلان صنعتی هسته‌ای ایران راکتور اراک پیشرفته به نتیجه رسیده است	لغو تحریم‌های غیر هسته‌ای	به عنوان بدنه اصلی برجام، تناظر رعایت شده است؛ مخصوصاً اگر در اجزای محدودیت‌های هسته‌ای، نوعی از تعلیق رعایت شود
روز خاتمه	قانون تصمیم سیاسی تحریم‌ها لغو		پایان قریب به اتفاق محدودیت‌های هسته‌ای اجرای برنامه کلان هسته‌ای ایران ادامه برخی محدودیت‌ها و نظارت‌ها	شورای امنیت دیگر به موضوع برنامه هسته‌ای ایران رسیدگی نخواهد کرد	افزافه شدن دو سال به روزز انتقالی امتیاز به طرف مقابل، ولی تناظر رعایت شده است. تناظر برای محدودیت‌های بعد از ده سال رعایت نشده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. بندهای ۳۴ و ۳۵ مقدمهٔ برجام و نیز ضمیمهٔ شمارهٔ ۵ برجام؛
۲. قطعنامهٔ ۲۲۳۱ شورای امنیت در ۲۹ تیر ۱۳۹۴ به تصویب شورای امنیت رسید.
۳. terminate؛
۴. cease؛
۵. suspend؛
۶. مواد ۲۱ و ۲۲ مقدمهٔ برجام و بند ۱۱ ضمیمهٔ ۵ برجام؛
۷. بند ۱۹ مقدمهٔ برجام و بند ۱۰ ضمیمهٔ ۵ برجام؛
۸. Regulation؛
۹. Dessision؛
۱۰. چرا اروپایی‌ها به‌جای لغو قانون پایه، آن را تعلیق می‌کنند؟ براساس روال فرایند قانون‌گذاری در اتحادیهٔ اروپا، تصویب مجدد این قانون حداقل ۱۲ ماه زمان می‌برد؛ به همین دلیل امکان بازگشت‌پذیری تحریم‌ها را برای طرف اروپایی طولانی خواهد کرد.
۱۱. لیست پیوست به ضمیمهٔ شمارهٔ ۲ برجام؛ بخش مربوط به اتحادیهٔ اروپا؛
۱۲. بندهای یک تا ۱۷ مقدمهٔ برجام و بند ۱۵ مربوط به اقدامات ایران در ضمیمهٔ شمارهٔ ۵ برجام؛
۱۳. بند ۲۷ ضمیمهٔ یک برجام؛
۱۴. بندهای ۴۴ تا ۵۱ ضمیمهٔ یک برجام؛
۱۵. بندهای ۲ تا ۱۵ ضمیمهٔ یک برجام؛
۱۶. بندهای ۵۶ و ۵۷ ضمیمهٔ یک برجام؛
۱۷. رجوع کنید به چهار جلسهٔ استماع سنا و مجلس نمایندگان آمریکا با حضور ۴ وزیر دولت این کشور؛
۱۸. اروپای دوم مفهومی است که قبلاً توسط نویسنده تعریف شده است و منظور مجموعه کشورهای اروپایی غیر از تروئیکای اروپایی انگلیس، فرانسه و

آلمان است. در این مفهوم ملاک تقسیم اروپای اول و دوم توسعه یافتگی نیست؛ چراکه بسیاری دیگر از کشورهای اروپای دوم از جمله کشورهای اسکاندیناوی، اتریش، ایتالیا و... در شاخص‌های توسعه یافتگی در وضعیت خوبی قرار دارند. ملاک تقسیم‌بندی، جایگاه سیاسی و بین‌المللی است که کشورهای اروپای دوم در تلاش هستند نقش رهبری را برای دیگر کشورها ایفا کنند. نکته مهم این است که همانند چین و روسیه نباید مجموعه کشورهای اروپایی را واحد و در تروئیکای مذکور خلاصه کرد. برای جزئیات تعریف و استدلال‌های مربوط به این مسئله، به کتاب «اروپای دوم» که توسط انتشارات خراسان چاپ شده است، مراجعه کنید؛

۱۹. روزنامه هافینگتون پست، ۴ آگوست ۲۰۱۵؛

۲۰. فارین پالیسی، ۶ آگوست ۲۰۱۵؛

۲۱. مصاحبه پژمان رحیمیان، عضو فنی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای با روزنامه

خراسان، ۲۲ مرداد ۱۳۹۴؛

۲۲. بند ۸ مقدمه برجام؛

۲۳. بند ۳۷ مقدمه برجام؛

۲۴. بندهای ۶۴ و ۶۵ ضمیمه شماره یک برجام؛

۲۵. بند ۱۹ ضمیمه ۵ برجام؛

۲۶. بند ۲۰ ضمیمه شماره یک برجام؛

۲۷. بند ۲۱ ضمیمه شماره یک برجام؛

۲۸. بند ۲۲ ضمیمه شماره یک برجام؛

۲۹. بندهای ۳ و ۴ مقدمه برجام و بند ۶۳ ضمیمه شماره یک برجام؛

۳۰. بند ۲۵ ضمیمه شماره یک برجام؛

۳۱. بند ۲۴ ضمیمه شماره یک برجام.

فصل دوم

مکانیزم ماشه در برجام

در فصل قبل جزئیات برجام را برای تحلیل حفره‌ها و ابهامات مهم بررسی کردیم. حال می‌خواهیم به مکانیزم حل اختلاف بپردازیم که فرایند بازگشت‌پذیری از آن آغاز می‌شود و برخی به آن عنوان مکانیزم ماشه داده‌اند و نقدهای جدی به آن دارند.

بر پایه مکانیزم حل اختلاف^(۱) اگر هر کشور مدعی «عدم پایبندی اساسی» و نقض عهد یکی از طرف‌ها شود، این ادعا طی یک فرایند چند مرحله‌ای و تا حدودی طولانی‌مدت (که جزئیات آن از حوصله بحث خارج است) برای تصمیم‌گیری به صورت اجماعی به کمیسیون مشترک خواهد رفت. این کمیسیون هشت عضو شامل ایران، نماینده اتحادیه اروپا و کشورهای ۱+۵ دارد. همه اعضا باید به تصمیم مربوط رأی دهند و حتی اگر یک عضو با آن مخالف باشد، تصمیم نهایی نخواهد شد؛ به همین دلیل هر عضو می‌تواند نظر بقیه اعضا را وتو کند.

با توجه به اینکه تصمیم‌ها در کمیسیون مشترک براساس اجماع است، اینجا یکی از مهم‌ترین ابهامات و نقدهای برخی منتقدان مطرح می‌شود: «چگونه یک کشور مثلاً آمریکا به‌تنهایی می‌تواند با بهانه‌گیری یا بدون دلیل منطقی، مدعی نقض عهد توسط ایران شود و عملاً تحریم‌ها را برگرداند. آنگاه بدون نیاز به رأی‌گیری مجدد در شورای امنیت، تمام قطعنامه‌ها را به جای خود برگرداند؟ آیا شاکی خود می‌تواند قاضی هم باشد؟»

آیا موانع حقوقی مانع نقض عهد آمریکا خواهد بود؟

کاملاً درست است که آمریکا با استفاده از این مکانیزم از لحاظ حقوقی می‌تواند برجام را منتفی کند و قطعنامه‌های لغوشده را بازگرداند و فرایند بازگشت‌پذیری را آغاز کند؛ اما در این میان نباید فراموش کرد که این مکانیزم بیشتر از اینکه برای آمریکا کاربرد داشته باشد، برای ایران کاربرد دارد. می‌توان مدعی شد اگر این مکانیزم در برجام تعبیه نشده بود، می‌توانستیم کل برجام را توافقی اشتباه بدانیم؛ چراکه هم سابقه بدعهدی‌های مکرر آمریکا و هم وضعیت سیاسی داخل آمریکا و مخالفت محافظه‌کاران، احتمال نقض عهد آمریکا در طول مدت برجام را بسیار تقویت می‌کند. نمی‌توان تردید کرد آمریکا به‌عنوان مصداق تمام و کمال استکبار^(۷) و به‌عنوان کشوری که در راستای اهدافش به هیچ قانون و قاعده حقوقی پایبند نیست، امکان پیاده‌سازی هدفش را نداشته باشد؛ به عبارت دیگر اگر هم می‌توانستیم به بهترین توافق‌نامه از لحاظ حقوقی برسیم، آیا کسی تردید دارد که اگر این کشور منفعت خود را در نقض توافق‌نامه ببیند، این کار را خواهد کرد؟ پس بی‌تردید نمی‌توان به موانع حقوقی بر سر راه آمریکا دل خوش کرد. حال اگر ما در قبال نقض عهد توسط آمریکا امکان برهم زدن برجام را نداشته باشیم، آیا می‌توان آن توافق را شایسته پذیرش دانست؟

منتقدان به این سؤال پاسخ دهند که اگر این مکانیزم وجود نداشت، چه راهی برای جلوگیری یا مقابله با نقض عهد آمریکا پیشنهاد می‌کنند؟ به نظر نمی‌رسد کسی دنبال توافق باشد و در عین حال منطقی بداند توافقی به نتیجه برسد که از یک طرف ما بتوانیم آن را فسخ کنیم و به جای اول برگردیم، اما طرف مقابل

نتواند همه چیز (از جمله قطعنامه‌ها) را به جای اول برگرداند؛ پس آیا به‌عنوان طرح جایگزین، رجوع به دادگاه لاهه را مطرح می‌کنند یا پیشنهاد دیگری هم می‌توان ارائه داد؟

مکانیزم ماشه‌ای برای ایران

نکته بسیار مهم در مکانیزم حل اختلاف این نیست که آمریکا می‌تواند این توافق را از نظر حقوقی برهم بزند و تحریم‌ها را برگرداند؛ چراکه او برای بازگرداندن تحریم‌ها چندان به موانع حقوقی واقعی نمی‌نهد. نکته مهم‌تر این است که ایران بتواند برای خود این راه حقوقی را باز بگذارد که اگر در میان هفت عضو دیگر نقض عهد دید و مصلحت را در این دانست که برجام را منتفی کند، بدون ادامه محدودیت‌ها و نظارت‌ها مسیر خود را در پیش بگیرد؛ به عبارت دیگر، مکانیزم حل اختلاف بیشتر از آمریکایی‌ها، مکانیزم ماشه‌ای برای ایران است. چون این مکانیزم وجود دارد، مانع اصلی برای جلوگیری از نقض عهد آمریکا می‌شود. این مکانیزم باعث می‌شود آمریکا از ترس منتفی کردن برجام و متعهد نماندن ایران به محدودیت‌های هسته‌ای و نظارت‌ها و به تعبیر آن‌ها شروع به فرار هسته‌ای، به راحتی به فکر نقض عهد نیفتد. از طرف دیگر، اگر آمریکا مطابق خوی خود به نقض عهد دست زد، ایران مجبور نیست درگیر دعوای حقوقی و رسانه‌ای شود و می‌تواند توافقی را که یک طرف آن نقض عهد می‌کند، در فرایندی که جامعه جهانی حقانیتش را تأیید خواهد کرد، فسخ کند.

ایران در برابر هفت عضو قدرتمند، هم شاکی هم قاضی

براساس مکانیزم حل اختلاف تعبیه شده در برجام، مسئولان کشور ما می‌توانند درحالی که فقط یک رأی دارند، رأی هفت عضو قدرتمند دیگر دنیا را وتو کنند. درواقع زمانی که مصالح ملی اقتضا کند، هم به‌عنوان شاکی اقامه دعوا می‌کنند و هم خود به‌عنوان قاضی به تنهایی می‌توانند این توافق را فسخ کنند. جالب اینکه مراحل مختلفی که در این فرایند دیده شده به گونه‌ای است که برای همه حاکمان و نخبگان منصف دنیا حقانیت کشوری که محق است روشن می‌شود.

مکانیزم حل اختلاف این امکان را می‌دهد که شبیه صلح حدیبیه، ایران بتواند در صورت نقض عهد طرف مقابل، در صورت صلاحدید از محدودیت‌ها و قیدوبندها رهایی یابد؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) بعد از نقض عهد مشرکین در صلح حدیبیه، از فرصت بدعه‌دی مشرکین استفاده کردند و هنوز دو سال از ده سال دوره صلح‌نامه نگذشته بود که مقدمات فتح‌الفتوح اسلام یعنی فتح مکه را فراهم کردند.

با این وصف روشن می‌شود که خلاف آنچه برخی منتقدان مطرح می‌کنند، مکانیزم حل اختلاف نه فقط برای آمریکا بلکه نوعی مکانیزم ماشه برای دو طرف است؛ چون این کشور الزام‌نیزی برای توجیه حقوقی رفتارهای خودش احساس نمی‌کند (مانند حمله به عراق). با توجه به اینکه در کمیسیون مشترک به‌دست‌آوردن رأی اکثریت برای ما خیلی سخت‌تر خواهد بود، در نظر گرفتن رأی اجماع از نظر حقوقی به‌نفع ایران محسوب می‌شود.

سؤال همچنان باقی

با وجود اینکه اصل وجود مکانیزم حل اختلاف نکته‌ای مثبت برای ما تلقی می‌شود، همچنان یک سؤال مهم باقی می‌ماند: «پس از فسخ برجام، بازگشت‌پذیری بیشتر به نفع ما خواهد بود یا طرف مقابل؟»

اگر هزینه‌های مالی و زمانی ما در برگشت به حالت اول (به‌دلیل عینی و هزینه‌زا و زمان‌بر بودن) بیشتر از هزینه‌های آن‌ها در بازگرداندن همه چیز به نقطه صفر باشد، از وجود مکانیزم حل اختلاف ضرر خواهیم کرد؛ اما اگر ما در فرایند بازگشت‌پذیری در موقعیت بهتری نسبت به طرف مقابل قرار بگیریم، این مکانیزم مانعی برای نقض برجام توسط آمریکا و در صورت اصرار بر نقض عهد، فرصتی برای مقابله خواهد بود؛ پس مکانیزم حل اختلاف به‌خودی خود موضوعی شایسته دفاع است؛ مگر آنکه فرایند بازگشت‌پذیری مطابق منافع و مصالح ما نباشد. به موضوع مهم هزینه‌منفعت بازگشت‌پذیری در ادامه خواهیم پرداخت.

پی‌نوشت‌ها

۱. بندهای ۳۶ و ۳۷ مقدمهٔ برجام و بند «ط» در مقدمهٔ متن برجام، ارائه شده از سوی وزارت خارجه؛
۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۲۰ تیر ۱۳۹۴.



فصل سوم

هزینه منفعت بازگشت پذیری

بررسی هزینه منفعت بازگشت پذیری از مهم ترین محورها در بررسی برجام محسوب می شود؛ چراکه خوب یا بد بودن بسیاری دیگر از بندهای برجام، توجیه پذیر یا توجیه ناپذیر بودن بسیاری از ضعف ها و نگرانی از برخی ابهامات موجود، به پاسخ این مسئله بر می گردد.

می توان مدعی شد برجام بر دو محور بی اعتمادی و بازگشت پذیری بنا نهاده شده است. در جای جای این متن امکان بازگشت پذیری برای دو طرف دیده شده است؛ چه در زمانی که بحث مکانیزم حل اختلاف مطرح شده است، چه آن هنگام که درباره رفع تحریم ها به مدلی از لغو توافق شده است که نوعی تعلیق محسوب می شود و چه وقتی اعداد مرتبط با فعالیت های هسته ای ایران مانند ۵۰۶۰ سانتریفیوژ، ۳۰۰ کیلو اورانیوم و... تعیین شده است، بر پایه ضرب و تقسیمی دقیق برای مشخص کردن زمان «فرار هسته ای» محاسبه شده است؛ پس آنچه باید دقیق بررسی شود این مسئله است که اگر برجام فسخ شد، ایران

بیشتر هزینه می‌پردازد یا طرف مقابل. درحالتی که برآیند هزینه‌منفعت ما از برآیند هزینه‌منفعت طرف مقابل بیشتر باشد، دو مزیت برای ما دارد؛ اولاً احتمال اینکه طرف مقابل به سمت نقض عهد برود کمتر شود؛ ثانیاً اگر او نقض عهد کرد، ما با اطمینان بتوانیم در موقعیت مناسب که منافع ملی اقتضا کند، با استفاده از مکانیزم حل اختلاف، برجام را منتفی کنیم.

در حالت دوم یعنی اگر ما هزینه بیشتری از طرف مقابل بپردازیم، می‌توان پیش‌بینی کرد که با نقض عهدهای متعدد طرف مقابل روبه‌رو شویم و در عمل ضرری جدی خواهیم کرد. با این توضیح به بررسی موضوع می‌پردازیم.

هزینه‌منفعت بازگشت‌پذیری ایران

روشن است که فرایند بازگشت‌پذیری هسته‌ای ایران کاملاً مادی است و در نتیجه، هم فرایندی زمان‌بر است و هم هزینه‌زا. قبل از اینکه به جزئیات موضوع بپردازیم، باید نکته بسیار مهمی که بسیاری از مواقع مغفول می‌ماند، توضیح داده شود. ایران در برنامه بازگشت‌پذیری خود بنا ندارد به جای قبل برگردد؛ بلکه برنامه ایران این است که هزینه بازگشت‌پذیری را تا حد امکان به فرصت تبدیل کند و صنعت هسته‌ای خود را در این مرحله چند گام نسبت به گذشته پیش بیندازد.^(۱) صنعت هسته‌ای فعلی ایران در نطنز و فردو بر پایه سانتریفیوژهای IR-1 قرار دارد که نسل قدیمی و غیرصنعتی و غیراقتصادی محسوب می‌شود. به دلیل توان غنی‌سازی کم (حدود ۱ سو) و درصد زیاد خرابی (حدود ۲۰ درصد در برابر استاندارد ۴ درصد)، ما چه به دلیل تعهداتی که در برجام خواهیم داد (اگر برجام نهایی شود) و چه بدون آن، باید روزی این سانتریفیوژها را از نطنز و فردو جمع‌آوری و با نسل‌های پیشرفته جایگزین کنیم. ضروری است ذکر شود تعداد تولید زیاد و نصب تعداد بسیاری از این سانتریفیوژهای قدیمی، تصمیمی هوشمندانه و راهبردی برای مجبور کردن طرف مقابل به مذاکره منطقی و بیشتر کردن قدرت چانه‌زنی ایران بود که نتیجه هم داد.

همچنین در موضوع راکتور آب سنگین اراک نیز باید یادآوری کرد برای کشورهایی که به دنبال استفاده غیر نظامی از این نوع راکتورها هستند، کاربردی

بهینه ندارد و کارکرد اصلی آن در تولید بمب است (که ما برنامه‌ای در این باره نداریم) و صنعتی منسوخ شده در بهره‌برداری‌های صلح‌آمیز محسوب می‌شود. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، اگر با استفاده از حفره‌هایی که به نفع ایران است و با بهره‌بردن از ظرفیتی مانند کمیسیون مشترک به گونه‌ای عمل کرد که اجرای اقدامات ایران بازگشت‌پذیری سریعی داشته باشد و به نوعی تعلیق هم محسوب شود؛ به عنوان مثال، در رعایت سقف ۳۰۰ کیلو اورانیوم، طبق موافقت‌نامه‌ای دوجانبه با روسیه، ۹ تن اورانیوم فعلی به صورت امانت در این کشور نگهداری شود تا در صورت بازگشت مجدد تحریم‌ها، بلافاصله این اورانیوم‌ها به کشور برگردد یا با چانه‌زنی در اجرا، برخی فعالیت‌ها را با نظر موافق کمیسیون مشترک به طور کامل اجرا نکند. با این توضیح، جزئیات بازگشت‌پذیری برنامه هسته‌ای ایران در جدول زیر خلاصه شده است.

جدول برگشت‌پذیری ایران

پروتکل الحاقی	قبل از سال هشتم، آنی بعد از سال هشتم با طرح سه فوریت در مجلس، چند روزه
نظارت بر تولید روتورها	آنی
طبق بیانیه وزارت خارجه، تهدید به پایبند نبودن به نظارت‌های قبلی حتی در قالب پادمان	

جدول برگشت پذیری ایران

غنی سازی بیشتر از ۳/۶۷	سریع	غنی سازی
سقف مواد غنی شده (۳۰۰ کیلو)	بازگرداندن به میزان قبل (حدود ۹ تن) چند سال زمان می برد. شاید بتوان در اجرا، اورانیوم های تولید شده ایران طی قراردادی به کشوری مانند روسیه، امانت گذاشته شود تا در صورت نقض به ایران عودت داده شود. در این صورت بازگشت پذیری را چنان سرعت می دهد که انجام محدودیت های ایران را به نوعی تعلیق تبدیل می کند.	
	تولید به اندازه ساخت یک بمب که از نظر طرف مقابل ایجاد نگرانی می کند، حداکثر یک سال. همانند نه تنی که قبلاً تولید کرده بودیم و در صنعت هسته ای نمی توان استفاده کرد.	
IR-1	دو سال (اما قصد آن را نداریم؛ چون می خواهیم نسل جدید نصب کنیم)	نظنز
IR-2M	با قدرت پنج برابر نسل اول	فردو
غنی سازی	سریع	
تصمیم داریم به روز شویم	۱۵۰۰ ماشین ۲۰ سو نصب می کنیم معادل سی هزار سو (۳ برابر نظنز فعلی)	اراک
اگر بخواهیم به جای قبل برگردیم	سه سال زمان می برد ممکن است به نتیجه نرسد؛ چون هنوز به نتیجه نرسیده بودیم. استفاده کاربردی کمی برای ایران دارد.	
قرارداد میان ایران و طرف های مقابل که یک روز قبل از اجرا بسته می شود (قانون عطف به ما سبق) و ما در هر صورت نیروگاهی پیشرفته خواهیم داشت و از آن استفاده خواهیم کرد.		
اگر از دیدگاه طرف مقابل، بنا بر بازگشت به ساخت بمب باشد: براساس فکت شیت آمریکا، با استفاده از سانتریفیوژهای IR-1، زمان فرار هسته ای ایران یعنی تولید بمب حداکثر یک سال است؛ اما طبق اظهارات دیوید آلبرایت، اگر ایران بخواهد بازگشت کند، دیگر به نقطه کنونی بر نمی گردد و با نصب IR-2M در کمتر از یک سال به بمب می رسد. (نشت سن، ۱۳ مرداد ۹۴) مخصوصاً اگر در اجرای محدودیت ها به گونه ای عمل شود که بازگشت پذیری سریع شود که نوعی تعلیق محسوب می شود.		

در تکمیل و تبیین جدول فوق ذکر چند نکته مفید به نظر می‌رسد:

۱. امکان برداشته‌شدن تمام نظارت‌ها حتی نظارت‌های مبتنی بر پادمان‌ها آنی است.^(۳)

۲. بازگشت از محدودیت سطح غنی‌سازی بیشتر از ۳٫۶۷ درصد، سریع است.^(۴)

۳. درحوزه ظرفیت غنی‌سازی در نطنز و فردو، برنامه برگشت‌پذیری ایران استفاده از ماشین‌های موجود پیشرفته‌تر IR-2M برای نطنز و IR-4 برای فردو است.^(۵) در بندهای برجام با دقت زیاد درباره زیرساخت‌ها به‌گونه‌ای تعهد داده شده است که بتوان این برنامه را عملیاتی کرد؛ یعنی بدون آنکه زیرساخت‌ها دست بخورند، در نطنز فقط سانتریفیوژها جمع‌آوری می‌شوند^(۶) و در فردو که قرار است سانتریفیوژی با ابعادی متفاوت جای‌گذاری شود،^(۷) زیرساخت بخش سانتریفیوژهای جمع‌آوری شده نیز برداشته می‌شود تا هم در نطنز و هم در فردو آماده برداشتن سریع گامی روبه‌جلو باشیم، همان‌طور که قبلاً ذکر شد، با استفاده از حفره‌هایی که به‌نفع ایران است و با بهره‌بردن از ظرفیتی مانند کمیسیون مشترک می‌شود به‌گونه‌ای عمل کرد که اجرای اقدامات ایران بازگشت‌پذیری سریعی داشته باشد و به‌نوعی تعلیق هم محسوب شود؛ به‌عنوان مثال، در رعایت سقف ۳۰۰ کیلو اورانیوم، طبق موافقت‌نامه‌ای دوجانبه با روسیه، ۹ تن اورانیوم فعلی به‌صورت امانت در این کشور نگهداری شود تا در صورت بازگشت مجدد تحریم‌ها، بلافاصله این اورانیوم‌ها به کشور برگردد یا با چانه‌زنی در اجرا، برخی فعالیت‌ها را با نظر موافق کمیسیون مشترک به‌طور کامل اجرا نکرد.

۴. در حوزه رآکتور آب سنگین اراک نیز علاوه بر اینکه از لحاظ حقوقی براساس قانون عطف به ما سبق می‌توان تکمیل ساخت رآکتور پیشرفته آب سنگین را حتی بعد از فسخ برجام ادامه داد،^(۸) از منظر سیاسی نیز چون چین طرف قرارداد ماست و مهم‌تر اینکه از نظر طرف مقابل یکی از راه‌های رسیدن به بمب اتمی نیروگاه آب سنگین پیشین بوده است، بازگشت به برنامه قبل برای آن‌ها مطلوب نیست و عملاً می‌توان از همکاری برای تکمیل پروژه نیروگاه آب سنگین تا حد زیادی اطمینان داشت. با توجه به اینکه هدف ما از ساخت نیروگاه آب سنگین

تولید بمب اتمی نبوده است، در هر موقعیتی از فرایند بازگشت‌پذیری نیروگاه اراک منفعت خواهیم برد.

۵. فرایند بازگشت‌پذیری برنامه هسته‌ای ایران ممکن است بر اساس یک دیدگاه، ضعف مهم برنامه هسته‌ای ایران محسوب شود؛ اما همان‌طور که در جدول ذکر شده است، برگشتن به جایی که از نظر طرف مقابل آماده تولید بمب اتم باشد، بین شش ماه تا یک سال طول می‌کشد. اگر ما از ظرفیت نطنز به دلیل انتظار برای نصب و استفاده از سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر (که در حال تحقیق و توسعه آنها هستیم) بهره نبریم، ممکن است این زمان بیشتر هم بشود (درباره درستی یا نادرستی این احتمال، اطلاعات فنی‌ام کامل نیست). براساس این دیدگاه، این زمان نه از این منظر که ما در عمل به سمت تولید سلاح هسته‌ای برویم، بلکه به این دلیل اهمیت دارد که قدرت بازدارندگی داشته باشیم. به بیانی روشن‌تر، امروز که حدود نه تن اورانیوم غنی‌شده داریم و زمان برای فرار هسته‌ای ما سه ماه است، بعد از فسخ برجام این زمان به حدود یک سال خواهد رسید. این موضوع باعث کاهش قدرت بازدارندگی ایران، کاهش قدرت چانه‌زنی و خطری برای امنیت ملی ما محسوب می‌شود.

پاسخ به این سؤال به ظرفیت‌های اصلی قدرت‌آفرین ایران و دکتترین دفاعی ایران برمی‌گردد که توسط فرمانده کل قوا طراحی شده است. در این دکتترین، تولید سلاح هسته‌ای به چند دلیل جایی ندارد؛ اول اینکه در دنیا اثبات شده است سلاح هسته‌ای تولید می‌شود تا استفاده نشود؛ دوم اینکه سلاح هسته‌ای بیش از امنیت‌زا بودن، امنیت‌زدا خواهد بود. بهترین دلیل برای این مدعا این مسئله است که در طول سال‌هایی که ذخیره اورانیوم غنی‌شده زیادی داشتیم، دشمنان ما برای به حمله به ایران تحریک نشدند؛ چون جمع‌بندی دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی آنان این بود که ایران هنوز تصمیمی برای تولید بمب اتمی نگرفته است. چه‌بسا اگر به سمت این تصمیم می‌رفتیم، به جای اینکه طرف مقابل را پای میز مذاکره می‌آوردیم، جنگ‌طلبان را تقویت و آمریکا را به سمت حمله به ایران سوق می‌دادیم. سومین دلیل که از همه دلایل مهم‌تر است، فتوای شرعی مبتنی بر غیر انسانی بودن حرکت به سمت تولید بمب اتمی است.^(۸)

آنچه در دکتربین دفاعی ایران جایگاه اساسی دارد، قدرت دفاعی بازدارنده مبتنی بر توان نظامی غیرهسته‌ای و حمایت مردمی از نظام است؛ همچنین نفوذ معنوی در جهان اسلام و قدرت ضربه‌زنی گسترده و مؤثر به تمامی پایگاه‌های نظامی و مراکز استراتژیک دشمن در کشورهای منطقه، از عراق و افغانستان گرفته تا کشورهای عربی منطقه از جمله قدرت دفاعی ما محسوب می‌شود. از همه این نکات مهم‌تر، وجود «ماشه حزب‌الله» روی شقیقه اسرائیل است که مؤثرترین توان بازدارندگی ایران محسوب می‌شود. همان چیزی که اوباما به آن اعتراف کرد: «اگر به ایران حمله کنیم، حزب الله اسرائیل را موشک‌باران می‌کند»^(۹) بر اساس این دکتربین، دلیل اصلی آنچه طرف مقابل را مجبور به آمدن پای میز مذاکره منطقی کرده است، قدرت گفت‌وگویی و منطقه‌ای ایران است؛ به همین دلیل با افزایش قدرت ایران در منطقه، افزایش جایگاه و اعتباری که هنجارهای جدیدی را رقم خواهد زد و همچنین امکان کمک مالی به جبهه مقاومت، قدرت چانه‌زنی ایران به مراتب بیشتر از امروز خواهد بود.

بازگشت‌پذیری طرف مقابل

نقص مهمی که می‌توان به تحلیل بازگشت‌پذیری بسیاری از کارشناسان وارد کرد این است که هزینه‌ها و زمان بازگشت‌پذیری هسته‌ای ایران را محاسبه می‌کنند، اما درباره بازگشت‌پذیری طرف مقابل بررسی دقیقی انجام نمی‌دهند. باید توجه داشت که برخی از بخش‌های بازگشت‌پذیری طرف مقابل سریع و به‌اندازه یک تصمیم یا یک مصوبه خواهد بود؛ اما در عین حال به این نکته نیز باید دقت کرد که بخشی از این هزینه‌ها برای آنان «بازگشت‌ناپذیر» است. جدول بازگشت‌پذیری طرف مقابل را می‌توان به شرح زیر ارائه کرد:

جدول برگشت پذیری طرف مقابل

سریع	حقوقی
بازگشت ناپذیر؛ براساس اعلام بانک مرکزی ۸۹ میلیارد دلار	اموال بلوکه شده
بازگشت ناپذیر؛ افزایش درآمد سالانه پنج میلیارد دلار براساس مقایسه درآمد قبل از توافق ژنو (دوران تحریم پتروشیمی) با درآمد پس از توافق ژنو. امکان سرمایه گذاری و تکمیل طرح های نیمه تمام پتروشیمی طی سه سال و افزایش درآمد ۲۷ هزار میلیارد تومانی	پتروشیمی
بازگشت ناپذیر؛ ایران از روز اجرا قادر خواهد بود نفت خود را بدون هیچ گونه محدودیتی صادر کند. درآمدهای روزانه نفتی در شش سناریوی مختلف براساس قیمت نفت ۴۰ یا ۶۰ دلار و صادرات روزانه ۵۰۰ هزار، ۷۰۰ هزار و یک میلیون بشکه افزایش درآمد سالانه حداقل ۷،۳ میلیارد دلاری و حداکثر ۲۲ میلیارد دلاری	درآمدهای نفتی
بازگشت ناپذیر؛ پیش بینی کاهش ۱۲ درصدی هزینه های نقل و انتقال و واسطه ها در صورت رفع تحریم ها مجموع مبادلات تجاری در سال گذشته ۱۰۲ میلیارد دلار صرفه جویی ناشی از کاهش هزینه مبادلات در سال: حدود ۱۲ میلیارد دلار	کاهش هزینه نقل و انتقال مالی در تجارت
براساس اصل «عدم عطف به ماسبق»، بند قطعنامه ۲۲۳۱ و ماده ۸ اعلامیه حقوق بشر، بخش زیادی از سرمایه گذاری ها برگشت ناپذیر خواهد بود.	سرمایه گذاری های صورت گرفته

جدول برگشت پذیری طرف مقابل

بیشتر شدن احتمال عدم اجماع بین‌المللی علیه ایران		اگر نقض عهد توسط آمریکا باشد
بازگرداندن عملی تحریم‌ها زمان‌بر است		
نشست سفرای ۵+۱ با سناتورها	اروپا (حداقل اروپای دوم)	
قطعنامهٔ راهبرد اتحادیهٔ اروپا در قبال ایران		
نداشتن تضاد در منافع استراتژیک با ایران (نگرانی اروپایی‌ها از بمب اتمی بود)		

ارائه برخی نکات تکمیلی درباره این جدول مفید خواهد بود:

۱. بازگشت پذیری حقوقی چه در قطعنامه‌های لغوشده سازمان ملل، چه قوانین تعلیق شده تحریم‌های اروپایی و چه تحریم‌های متوقف شده آمریکا، سریع و در کمترین زمان ممکن خواهد بود.

۲. چون اقدامات طرف مقابل مبتنی بر رفع تحریم‌ها اعم از لغو،^(۱۰) توقف^(۱۱) و تعلیق^(۱۲) خواهد بود، هر فعالیت اقتصادی که در طول دوره رفع تحریم‌ها توسط دولت ایران یا بخش خصوصی صورت گیرد و مردم ایران از آن به‌نحوی منتفع شوند، بازگشت پذیر نخواهد بود. اگرچه اختلاف نظرهای فراوانی درباره میزان دارایی‌های بلوکه شده ایران وجود دارد، اما براساس گفته‌های رئیس کل بانک مرکزی^(۱۳) و وزیر اقتصاد، مسلم است که دولت از روز اجرای برجام به ۶ میلیارد دلار و بانک مرکزی به ۲۳ میلیارد دلار دست پیدا می‌کند. بدیهی است دستیابی ایران به این مقادیر برای طرف غربی برگشت‌ناپذیر خواهد بود. شاید به همین دلیل است که یکی از عمده‌ترین نگرانی‌های سناتورهای آمریکایی به موضوع آزادسازی دلارهای بلوکه شده باز می‌گردد.

در وضعیت فعلی بازار که میزان عرضه نفت حدود ۱ تا ۲ میلیون بشکه بیش از تقاضا است، فروش نفت ایران با چالش فروش یا فروختن با قیمت کم مواجه است؛ اما با این حال می‌توان درآمدهای به نسبت زیادی برای ایران در نظر گرفت. درآمدهایی که به هیچ وجه برگشت پذیر نیستند و هر چه در این دوران نفت بفروشیم، درآمد آن نصیب کشور می‌شود. با این حال می‌توانیم چهار سناریو برای درآمدهای نفتی ایران در نظر بگیریم. سناریوهایی که می‌توان بر مبنای دو قیمت نفت ۳۰ دلار (قیمت بدبینانه) و ۶۰ دلار (قیمت خوش بینانه) و میزان افزایش فروش نفت پانصد هزار بشکه‌ای در روز (حالت بدبینانه) و هفتصد هزار بشکه‌ای در روز (حالت خوش بینانه) متصور شد. مازاد درآمدهای نفتی ایجاد شده در دوره اجرا برای هر روز، عددی بین ۱۵۰ میلیون دلار و ۴۲۰ میلیون دلار خواهد بود که در سال درآمد متوسطی نزدیک به ۹۰ میلیارد دلار ایجاد خواهد کرد.

بنا بر گفته کارشناسان و فعالان تجارت خارجی نظیر یحیی آل اسحاق، رئیس سابق اتاق بازرگانی تهران، بعد از رفع تحریم‌ها برای نقل و انتقال پول نیازی به صرافی‌ها نیست و مبادلات ما از طریق نظام بانکی انجام خواهد شد که این موضوع حدود ۱۲ درصد هزینه‌های ما را کاهش می‌دهد.^(۱۴) حال اگر نقل و انتقال مالی را تنها به میزان صادرات و واردات محدود کنیم، می‌توان گفت در طول یک سال، حدود ۱۰۰ میلیارد دلار تجارت در ایران صورت می‌گیرد. اگر در دوره پسا تحریم ۱۲ درصد این رقم صرفه جویی شود، ۱۲ میلیارد دلار از هزینه تجاری کشور کاسته می‌شود.

در این سال‌ها، نبود سرمایه در صنعت پتروشیمی سبب شده است که طرح‌های پتروشیمی ایران نیمه تمام باقی بماند. نیمه تمام ماندن این طرح‌ها موجب کاهش صادرات مواد پتروشیمی شده است. به دنبال توافق هسته‌ای، سرمایه‌گذاری در زمینه پتروشیمی برای کشورها آزاد خواهد شد و به دلیل سود خوب این صنعت، امید می‌رود سبیل سرمایه‌گذاری خارجی وارد پتروشیمی شود. در این صورت، ۶۰ طرح نیمه تمام پتروشیمی کشور می‌تواند به سرانجام برسد. گفته می‌شود این طرح‌ها به ۳۱ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد تا در طول سه سال به

بهره‌برداری برسد. با بهره‌برداری از این طرح‌ها، تولیدات پتروشیمی کشور دو برابر خواهد شد و عایدی ۲۷ هزار میلیارد تومانی برای ایران رقم خواهد زد. اگرچه این درآمد در طول چند سال به دست خواهد آمد، اما به‌طور متوسط در سال درآمدی ۹ هزار میلیارد تومانی نصیب ایران خواهد شد. درآمدی که به‌هیچ‌وجه برگشت‌پذیر نیست.

۳. در حوزه سرمایه‌گذاری‌هایی که در طول دورهٔ برجام صورت می‌گیرد، در قطعنامهٔ ۲۲۳۱ به‌صراحت تأکید شده است که این سرمایه‌گذاری‌ها عطف به ما سبق نمی‌شود؛^(۱۵) به همین دلیل از لحاظ حقوقی این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند استمرار داشته باشد؛ اما باید به این نکته توجه کرد که از لحاظ سیاسی نمی‌توان اطمینان داشت که همهٔ این سرمایه‌گذاری‌ها استمرار یابد؛ چراکه در صورت «اجماع» تحریم‌ها علیه ایران، تحت فشار آمریکا بخشی از تکمیل پروژه‌های سرمایه‌گذاری‌شده با پرداخت غرامت یا بی‌بی‌آن، ناتمام خواهد ماند؛ اما می‌توان اطمینان داشت حتماً بخشی از آن‌ها ادامه خواهد داشت؛ مخصوصاً اگر طرف‌های آن کشورهای ۵+۱ باشند.

۴. نکتهٔ مهمی که در فرایند بازگشت‌پذیری طرف مقابل وجود دارد، تحلیل مسئله نه‌از منظر حقوقی و اقتصادی بلکه از منظر سیاسی است. براساس تحلیل سیاسی، احتمال اینکه آمریکا نتواند برای تحریم ایران دوباره اجماع ایجاد کند بسیار زیاد است. همان‌طور که در گذشته نیز ذکر شد، اروپایی‌ها، مخصوصاً کشورهای اروپای دوم، هیچ تضاد منافع استراتژیک با ایران ندارند و دلیل اصلی که باعث شد با آمریکا در تحریم ایران همراهی کنند، فریب‌کاری ناشی از هوش و دیپلماسی اوباما بود که توانست این تصور غلط را در اروپا نهادینه کند که ایران به‌دنبال تولید بمب اتمی است.

بعد از اینکه برجام نهایی شود، اروپایی‌ها (حداقل کشورهای اروپای دوم مانند ایتالیا، اسپانیا، کشورهای اسکاندیناوی و...) در حالت عادی دلیلی ندارند که با آمریکایی‌ها برای تحریم مجدد ایران همراهی کنند؛ مخصوصاً آنکه دلیل منتفی شدن برجام نقض عهد توسط آمریکا باشد. در آن صورت، ایران می‌تواند در تفاهم‌هایی با اروپایی‌ها و ضمانت‌هایی که به آن‌ها (البته با محدودیت‌هایی

بسیار کمتر از برجام) در قبال انحراف نداشتن به سمت سلاح هسته‌ای می‌دهد، همچنان شاهد استمرار بازنگرداندن تحریم‌های اروپا باشد. نکته مهم این است که نباید فراموش کرد آنچه باعث شد تحریم‌ها کار را برای ایران سخت کند، تکمیل حلقه محاصره با تحریم‌های اروپایی بود و قبل از آن دورزدن تحریم‌های آمریکا به راحتی ممکن بود. در تحلیل هزینه‌فایده باید به نکته فوق توجه کرد؛ اما بر این باورم چون در عالم سیاست در طول هشت سال ممکن است اتفاقات زیادی بیفتد، باید در این زمینه نگاهی بدبینانه داشت و نباید این قوت را در محاسبات خود در نظر گرفت؛ مگر برای یکی دو سال آغازین که می‌توان از پیش‌بینی درست وضعیت سیاسی تا حد زیادی اطمینان داشت.

۵. باید به این نکته توجه داشت که در هر حالت، بازگرداندن تحریم‌ها در عمل به سرعت بازگرداندن حقوقی آن‌ها نخواهد بود. گرچه همانند دفعه قبل چند سال برای برپایی مجدد تحریم‌ها زمان نمی‌برد، اما استوار کردن تحریم‌ها و فشار آوردن بر طرف‌های مقابل برای پیروی و بستن تمام روزه‌های آن، چندان هم سریع نخواهد بود.

۶. اگر دولت از امروز با برنامه‌ریزی حساب‌شده مقدماتی را برای روز بازگشت‌پذیری فراهم کند، می‌تواند هزینه بازگشت‌پذیری برای طرف مقابل را به‌طور شایسته توجیهی افزایش دهد؛ به عنوان مثال، تعریف برنامه‌های اقتصادی مشترک با کشورهای مختلف $5+1$ ، به‌ویژه کشورهای اروپایی دوم؛^(۱۶) آماده کردن سازوکارهای لازم برای خارج کردن سریع اموال و دارایی‌های ایران از حساب‌های شناخته شده؛ ایجاد منافذی جدید و شناخته‌نشده برای دورزدن تحریم‌ها که برای طرف مقابل شناخته شده نباشد و...

۷. آنچه بیش از همه باعث می‌شود هزینه بازگشت‌پذیری برای طرف مقابل توجیه نداشتن باشد، استفاده از فرصت و حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی غیر وابسته است.

جمع‌بندی

در یک نگاه کلی به مسئله بازگشت‌پذیری می‌توان مدعی شد:

۱. هر قدر دیرتر فرایند بازگشت پذیری کلید بخورد، ایران منفعت بیشتری خواهد برد و ضرر کمتری خواهد کرد.

۲. اگر در روز اجرا یعنی بعد از انجام تعهدات ایران و قبل از برداشته شدن تحریم‌ها با نقض عهد روبه‌رو شویم، بیشتر از اینکه منفعت داشته باشیم، ضرر خواهیم کرد؛ مگر آنکه در اجرای برجام با استفاده از حفره‌هایی که به نفع ایران است و با بهره‌بردن از ظرفیتی مانند کمیسیون مشترک به گونه‌ای عمل کرد که اجرای اقدامات ایران بازگشت‌پذیری سریعی داشته باشد و به نوعی تعلیق هم محسوب شود؛ اما در صفحات پیشین توضیح کاملی داده شد که اولاً ریسک این اتفاق نزدیک به صفر است و ثانیاً با توجه به اینکه در بازگشت‌پذیری هسته‌ای ما بنا داریم صنعت خود را به‌روز کنیم، پذیرش این ریسک بسیار کم توجهیه‌پذیر است.

۳. بعد از فرایند روز اجرا، می‌توان مطمئن بود که این مسیر حداقل تا پایان دولت اوباما ادامه خواهد داشت و با توجه به توضیحات داده‌شده، به نظر می‌رسد می‌توان در بدبینانه‌ترین حالت (که ما باید بر این اساس جمع‌بندی کنیم) برآیند هزینه‌منفعت برگشت‌پذیری برای ایران را با هزینه‌منفعت برگشت‌پذیری برای طرف مقابل حداقل متوازن دانست. در بدترین حالت، برآیند وضعیت ما در آن زمان از وضعیت فعلی بدتر نخواهد بود.

۴. بعد از آن دوره می‌توان با اطمینان فرایند بازگشت‌پذیری را حتی در صورت اجماع سریع دوباره اروپا و آمریکا (که احتمالی بدبینانه محسوب می‌شود) به نفع ایران تحلیل کرد.

۵. تدبیر اینکه دستگاه سیاست خارجی و مسئولان اقتصادی کشور از فرصت دوره برجام چگونه استفاده می‌کنند، تأثیر مهمی بر نتیجه خواهد گذاشت. باید هم از حیث تعریف منافع مشترک اقتصادی با کشورهای ۱+۵ و اروپای دوم و هم از حیث پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی برنامه‌ریزی دقیقی در حوزه اقتصاد داشت. در حوزه سیاست خارجی نیز حفظ رویکرد استکبارستیزی و حمایت از جبهه مقاومت و متحدان منطقه‌ای، برای افزایش قدرت بازدارندگی از اهمیت راهبردی برخوردار است. تصور اینکه با عادی‌سازی رابطه با آمریکا و حل شدن

در نظام ناعادلانه بین‌الملل می‌توان طرف مقابل را مجاب به رعایت برجام کرد، موهوم و غیر واقع‌بینانه است. تجربه عملی ما نشان داد که همچنان نظریات «نو واقع‌گرایی» بر نظریات «آرمان‌گرایی» در روابط بین‌الملل برتری دارد. بر این اساس نباید فراموش کرد دلیل اصلی که قدرت‌های دنیا مجبور شدند با مشروعیت‌دادن به ایران، روزها و ساعت‌ها پای میز مذاکره بیایند و به ما پرستیژ بین‌المللی بدهند، قدرت منطقه‌ای ایران است که براساس حمایت از جبهه مقاومت ایجاد شده است؛ پس حتی اگر آرمان‌های ایدئولوژیک مبتنی بر تکالیف مؤکد قرآنی را هم کنار بگذاریم، خطایی استراتژیک خواهد بود که به جای افزایش «ظرفیت‌های قدرت‌آفرین» در حمایت از جبهه مقاومت، به حرف‌های به‌ظاهر زیبا اما «زائل‌کننده قدرت»، مانند عادی‌سازی رابطه با آمریکا بپردازیم. امروز دیگر همه سیاستمداران دنیا پذیرفته‌اند که دنیای روابط بین‌الملل جای «واقعیت‌های مبتنی بر قدرت بیشتر» است نه جای «آرمان‌های مبتنی بر تعامل».

پی‌نوشت‌ها

۱. مصاحبه پژمان رحیمیان عضو فنی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در گفت‌وگو با خراسان با عنوان «ناگفته‌های برگشت‌پذیری برنامه هسته‌ای ایران»؛
۲. جمهوری اسلامی ایران در بیانیه‌ای که بلافاصله پس از صدور قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت منتشر کرد، تأکید کرده است که «ایران متعهد است تعهدات داوطلبانه خود را به‌طور کامل و با حسن نیت اجرا کند. به‌منظور حصول اطمینان از پایداری مستمر همه اعضای برجام، جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کند در صورتی که سازوکار مذکور علیه ایران یا اشخاص ایرانی اعمال شوند و تحریم‌ها به‌ویژه تدابیر شورای امنیت اعاده شوند، جمهوری اسلامی ایران این کار را به‌منزله مبنایی برای توقف اجرای تعهدات خود مطابق برجام و تجدید نظر در همکاری‌اش با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تلقی خواهد کرد.»

۳. با توجه به فراهم بودن بخشی از زیر ساخت‌های نظنز و نیز وجود هزار سانتریفیوژ ۱۸-۱ در فردو، تولید مواد با غنای بیشتر در زمانی بسیار کوتاه امکان پذیر است؛

۴. مصاحبه پژمان رحیمیان عضو فنی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در گفت‌وگو با خراسان با عنوان «ناگفته‌های برگشت‌پذیری برنامه هسته‌ای ایران»؛

۵. مفاد ۲۷ تا ۳۱ ضمیمه یک برجام؛

۶. مصاحبه پژمان رحیمیان عضو فنی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در گفت‌وگو با خراسان با عنوان «ناگفته‌های برگشت‌پذیری برنامه هسته‌ای ایران».

۷. براساس بند ۸ مقدمه برجام و نیز بند ۲-۵ ضمیمه سوم برجام، «اعضای ۱+۵ و ایران پیش از رسیدن به روز اجرایی شدن برجام، سندی رسمی را که در آن تعهدات محکم آن‌ها در پروژه مدرن‌سازی اراک بیان شده است، منعقد خواهند کرد که مسیری مطمئن و روبه جلو برای مدرن‌سازی رآکتور فراهم می‌کند. این سند مسئولیت‌های به عهده گرفته شده توسط اعضای ۱+۵ در حوزه‌های کلیدی نظیر طراحی مجدد، بازبینی طراحی و صدور تأییدیه، ساخت قلب رآکتور، طراحی سوخت، ساخت و تأمین، ایمنی و امنیت، پسمانداری یا پردازش سوخت مصرف‌شده، همین‌طور تأمین مواد، تجهیزات و سیستم‌های ابزار دقیق و کنترل و قراردادهایی را که متعاقباً منعقد خواهد شد، تعریف خواهد کرد.»

همچنین براساس ماده ۳۷ مقدمه برجام اگر چنانچه تحریم‌های قطعنامه‌های لغو شده شورای امنیت دوباره بازگردند، «این مفاد در خصوص قراردادهایی که بین هر طرف و ایران یا افراد و نهادهای ایرانی قبل از تاریخ اعمال آن‌ها امضا شده باشد، اثر عطف به ماسبق ندارد.»

۸. رجوع کنید به سرفصل «استفتائات جدید» حضرت آیت الله خامنه‌ای با موضوع «حرمت سلاح کشتار جمعی»؛

۹. نشست باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا با جمعی از رهبران یهودی در کاخ سفید، ۵ آگوست ۲۰۱۵؛

۱۰. terminate؛

۱۱. cease؛

۱۲. suspend؛

۱۳. رمزگشایی از میزان دارایی‌های بلوکه‌شده ایران، خبرگزاری ایرنا، شنبه ۳ مرداد ۱۳۹۴؛

۱۴. کاهش هزینه مبادلات بانکی در پساتحریم، خبرگزاری تسنیم، ۲۴ مرداد ۱۳۹۴؛

۱۵. در ماده ۱۵ قطعنامه ۲۲۳۱، شورای امنیت «تصمیم می‌گیرد اگر مفاد قطعنامه‌های پیشین وفق بند ۱۲ اعمال شد، تدابیر را با اثر عطف به ما سبق نسبت به اشخاص و نهادها به‌دلیل فعالیت‌های تجاری با ایران که با برجام و این قطعنامه و قطعنامه‌های پیشین پیش از اعمال آن مفاد منطبق بوده است، اعمال نکند.»

۱۶. در زمینه مفهوم «اروپای دوم» رجوع کنید به کتاب دیپلماتیک خراسان که با موضوع «اروپای دوم» در ۱۴ مرداد ۱۳۹۳ منتشر شده است.



فصل چهارم

پاشنه آشیل حقوقی برجام

از نظر حقوقی در حوزه نظارت‌ها پاشنه آشیلی در برجام وجود دارد که باید به‌دقت بررسی شود. اولین مسئله در مذاکرات، دربارهٔ اتهامات و ادعایی مربوط به اقدامات گذشتهٔ ایران بود که براساس اطلاعات رسیده، خواستهٔ خود یعنی اجازه‌دادن به مصاحبه با دانشمندان هسته‌ای و... را بر مطالبات ناحق آن‌ها تحمیل کرده‌ایم.

در حوزهٔ نظارت‌ها، از جمله بازرسی‌ها و دسترسی‌های مربوط به روال جاری و آیندهٔ فعالیت‌های ایران، در چند محور تعهداتی دادیم. اولین تعهد، اجرای پروتکل الحاقی^(۱) است که نوعی نظارت متعارف محسوب می‌شود و مخالف منافع ملی ما نیست. می‌توان مدعی شد کشوری که می‌خواهد غنی‌سازی داشته باشد، باید پروتکل الحاقی را بپذیرد.

دومین تعهد ما نظارت بر ساخت روتورهای مربوط به ساخت سانتریفیوژها به‌مدت بیست^(۲) و بر معادن به‌مدت بیست‌وپنج سال^(۳) بود که این نظارت از

ضعف‌های برجام محسوب می‌شود؛ چراکه نظارتی متعارف محسوب نمی‌شود؛ اما به دلیل اینکه برنامه ما صلح‌آمیز است، لطمه‌ای به صنعت هسته‌ای نمی‌زند و چون فقط مربوط به بخش‌های هسته‌ای است، خدشه‌ای بر امنیت ملی ما وارد نمی‌کند. این ضعف، حفره‌ای مهم محسوب نمی‌شود و برجام را به توافقی بد تبدیل نمی‌کند؛ البته باید تصریح کرد که این مسئله امتیازی محسوب می‌شود که به طرف مقابل داده‌ایم و باید در کفه داده‌ستانده‌ها وزن کشی شود.

سومین تعهدی که دادیم، تمکین از نظر اکثریت اعضای کمیسیون مشترک^(۴) در زمانی است که بین ما و آژانس در اجرای دسترسی‌های تعریف‌شده در پروتکل الحاقی، اختلافی ایجاد می‌شود. به نظر می‌رسد این امتیاز را باید به‌عنوان حفره‌ای حقوقی در برجام که می‌تواند باعث سوءاستفاده غربی‌ها شود، بررسی کرد.

صورت مسئله

براساس پروتکل الحاقی، زمانی که آژانس مبتنی بر مستندات، درخواست بازدید از مرکزی غیرهسته‌ای (شاید نظامی) را می‌دهد، کشور مد نظر یعنی ایران باید ظرف ۲۴ ساعت آن دسترسی را بدهد یا اگر آن را خلاف امنیت ملی خود دید، باید فوراً تلاش معقول خود را برای برآوردن خواسته‌های آژانس از مناطق مجاور یا از طریق روش‌های دیگر به کار بندد.^(۵) پروتکل الحاقی از این به بعد سکوت کرده است که اگر کشور مربوط، یعنی ایران، نتواند با آژانس درباره نحوه دسترسی توافق کند، نتیجه چه می‌شود. به دلیل همین سکوت، به‌طور طبیعی آژانس در این وضعیت گزارشی می‌دهد مبنی بر اینکه «نگرانی آژانس از موضوع برطرف نشد»؛ به‌عبارت دیگر، در این وضعیت آژانس عملاً به‌صورتی یک‌طرفه حکم صادر می‌کند؛ اما نکته اینجاست که براساس یکی از قوت‌های برجام، هیچ جای اجرایی شدن برجام به نظر کیفی آژانس موکول نشده است؛ به همین دلیل عملاً حکم منفی آژانس خاصیتی عملی در برجام و مسیر عادی شدن پرونده ایران نخواهد داشت.

در برجام بندی اضافه شده است که در آن برای موضوعات اختلافی بین ایران و آژانس در بازرسی‌ها تعیین تکلیف شده است. براساس این بند، این اختلاف

طی فرایندی به کمیسیون مشترک متشکل از ۸ عضو شامل ۵+۱، نماینده‌ی عالی اتحادیه‌ی اروپا و ایران ارجاع می‌شود. آژانس و ایران باید از حکم این کمیسیون با رأی اکثریت (یعنی ۵ رأی) تمکین کنند و اگر ایران آن نظر را اجرا نکند، به‌عنوان نقض برجام محسوب می‌شود. زمان این فرایند از آغاز درخواست آژانس برای بازرسی تا روز اعلام نظر کمیسیون مشترک ۲۴ روز به طول می‌انجامد.^(۶)

بند ۲۸ ضمیمه‌ی یک از دیدگاه منتقدان آمریکایی برجام

جالب است روشن شود که اتفاقاً این بند از نگاه منتقدان آمریکایی نیز پاشنه آشیل اصلی برجام محسوب می‌شود؛ اما دلیل آن‌ها بر پایه‌ی پیش‌فرض و ادعای نادرست حرکت ایران به سمت فعالیت‌های نظامی هسته‌ای است که روشن است با نگرانی ما تفاوتی اساسی دارد. این ادعا نه فقط از سوی شخصیت‌های سیاسی محافظه‌کار کنگره‌ی آمریکا، بلکه از کارشناسان بسیار خبره و بانفوذی مانند دیوید آلبرایت طرح شده است. او نظراتش را در جلسه‌ی استماع سنا^(۷) به تفصیل بیان کرده است و ما خلاصه‌ی آن را بیان می‌کنیم. او و دیگر هم‌فکرانش پیش‌فرضی کاملاً نادرست دارند و می‌گویند ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است. آن‌ها تأکید می‌کنند که الزام دسترسی بیست و چهار ساعته در پروتکل الحاقی، در برجام به فرایندی بیست و چهار روزه تبدیل شده است و به ادعای آن‌ها ایران در این زمان در برخی مسائل می‌تواند آثار اقدامات خود را از بین ببرد. آلبرایت مدعی است که براساس بررسی‌هایشان در مؤسسه‌ی علوم و امنیت بین‌الملل (ISIS) ایران سه اقدام را می‌تواند مخفی کند.^(۸) بدیهی است که جمهوری اسلامی ایران حرکت به سمت بمب هسته‌ای را خلاف شرع اسلام می‌داند؛ پس این فرصت بیست و چهار روزه به‌فرض صحت ادعای این افراد، اگر از دیدگاه آن‌ها ضعیفی محسوب شود، از دیدگاه ما منفعتی محسوب نمی‌شود.

فرصت ۲۴ روز، شاید راهی برای مقابله به مثل با نقض پیمان

در حیطه نظامی، فعالیت‌های اعلام نشده‌ای که اورانیوم از آن استفاده می‌شود را منتفی می‌دانیم؛ اما این فرصت ۲۴ روز در وضعیتی خاص ناشی از نقض عهد طرف مقابل و برای برخی فعالیت‌های تلافی جویانه ممکن است حائز اهمیت باشد؛ به عنوان مثال، فرض کنید طرف مقابل نقض عهدهایی را مثلاً در حوزه تحریم‌ها انجام دهد. به دلیل نقض عهد طرف مقابل، طبیعی است که ما دیگر برای رعایت برجام تعهدی شرعی نخواهیم داشت؛ اما از لحاظ حقوقی باید تا زمانی که طبق فرایند مکانیسم حل اختلاف برای فسخ حقوقی برجام اقدام می‌کنیم، به آن متعهد باشیم. ممکن است به دلیل مصالح ملی و رعایت صرفه و هزینه به این جمع‌بندی برسیم که دیگر متعهد به رعایت کامل برجام نیستیم؛ اما هنوز با استفاده از وضعیت رفع تحریم‌ها، وارد فرایند فسخ برجام نشویم یا آن را به تأخیر بیندازیم. ما می‌توانیم تا آماده شدن برای فرایند بازگشت‌پذیری، اقداماتی را در زمینه‌های مختلف انجام دهیم تا دست پیش را داشته باشیم. غیر از اقدامات اقتصادی مانند خارج کردن دارایی‌های خود از حساب‌های خارجی و دیگر برنامه‌ریزی‌های لازم برای بعد از فسخ برجام، شاید در فرایند بازگشت‌پذیری ساختن سانتریفیوژهای مورد نیاز نیز در دستور کار قرار گیرد؛ البته با این اطمینان که مقابله به مثل با نقض عهد طرف مقابل نمی‌تواند در دسر حقوقی ایجاد کند. در صورتی که آژانس تقاضای بازدید از مرکز مد نظرش را بدهد، چون در فرایند ساخت سانتریفیوژ هیچ اورانیومی استفاده نمی‌شود، می‌توان با استفاده از فرصت ۲۴ روز از امکان بهانه‌گیری طرف مقابلی که با نقض پیمان به برجام متعهد نبوده است، جلوگیری کرد.

چرا پاشنه آشیل حقوقی؟

بر اساس تحقیقات صورت گرفته و گفت‌وگو با برخی کارشناسانی که خود در «مانورهای دسترسی مدیریت شده» در دیگر کشورها شرکت داشته‌اند، در وضعیت منطقی و عادی همیشه راه حلی برای تفاهم بین آژانس و کشور مربوط

پیدا می‌شود؛ اما ممکن است رفتار آژانس با ما سیاسی باشد و نه فنی؛ به عبارت دیگر، اگر آژانس رفتاری فنی داشته باشد، ما نگران نخواهیم بود؛ اما تجربه نشان داده است که آژانس بیشتر تابع تصمیمات سیاسی آمریکا و برخی دیگر از کشورهاست؛ به عنوان مثال اگر زمانی آمریکا تصمیم بگیرد بر ایران فشار بیاورد یا به سائیتی نظامی دسترسی پیدا کند، ممکن است با جعل سند، آژانس را برای بازرسی فعال کند. در این وضعیت چون اراده سیاسی آژانس بر همکاری نکردن قرار گرفته است، دور از ذهن نیست که با ما درباره نوع دسترسی به تفاهم نرسد؛ به همین دلیل مسئله به کمیسیون مشترک ارجاع می‌شود. با توجه به نیاز ۵ رأی، کشورهای غربی خواهند توانست ما را از لحاظ حقوقی مجبور به تمکین از دسترسی با روش مد نظر خود بکنند.

تصمیم ایران در برابر الزام حقوقی

روشن است که الزام ما در تمکین از نظر کمیسیون مشترک، حقوقی است. بدیهی است به دلیل اینکه اولاً احتمال مخدوش شدن امنیت ملی ما وجود دارد و ثانیاً ممکن است حاکمیت ملی خدشه‌دار شود، ما مبتنی بر بند ۷۴ ضمیمه ۱ برجام این رأی را نخواهیم پذیرفت. در این بند تصریح شده است «درخواست‌های دسترسی بر مبنای مقررات برجام با حسن نیت و با احترام کامل به حقوق حاکمیتی ایران ارائه خواهد شد و در حداقل ضرورت برای اجرای مؤثر مسئولیت‌های راستی‌آزمایی تحت این برجام نگه داشته خواهد شد. هماهنگ با رویه‌های معمول پادمان‌های بین‌المللی، چنین درخواست‌هایی با هدف مداخله در فعالیت‌های نظامی ایران یا دیگر فعالیت‌های مرتبط با امنیت ملی ایران نبوده...» به همین دلیل برای حفظ از منافع ملی نقض برجام می‌کنیم و این فرصت را به طرف مقابل می‌دهیم که با ادعای عدم پایبندی اساسی، برجام را فسخ کند. پس نگرانی ما از این ضعف امنیتی یا حاکمیتی نخواهد بود؛ چراکه اطمینان داریم همان‌طور که رهبری نظام تصریح کردند، چنین اجازه‌ای داده نخواهد شد؛ اما از آن جهت به این بند صفت پاشنه آشیل حقوقی برجام دادیم که براساس این حفره حقوقی، اگر مثلاً آمریکا بخواهد به برجام پایبند نباشد، به جای رعایت نکردن تعهدات خود، از آن سوءاستفاده و تلاش می‌کند ما به عنوان ناقض

برجام شناخته شویم تا بتواند اجماع لازم را برای تحریم‌های مجدد در فرایند بازگشت‌پذیری به دست آورد.

جمع‌بندی

براساس آنچه ذکر شد، می‌توان به این نکات توجه کرد:
این بند با اینکه می‌تواند فوایدی برای ما داشته باشد، اما حفره‌ای حقوقی محسوب می‌شود که می‌تواند محل سوءاستفاده طرف مقابل قرار گیرد.
به دلیل اینکه اجازه‌ی مخدوش‌شدن عزت و امنیت ملی داده نمی‌شود، نگرانی ما از این حفره‌ی حقوقی، امنیتی نیست؛ بلکه دغدغه‌ی ما هزینه‌ی سیاسی است که این حفره می‌تواند برای ما ایجاد کند.
در نگاهی خوش‌بینانه (نه براساس خوش‌خیالی) می‌توان درباره‌ی میزان احتمال این هزینه‌ی سیاسی نکات زیر را ذکر کرد:

مطابق توضیحات پیشین و وجود نداشتن تضاد در منافع استراتژیک با کشورهای اروپایی (اینجا بیشتر منظور کشورهای اروپای دوم است که در رأی نماینده‌ی عالی اتحادیه اروپا خود را نشان می‌دهد) می‌توان احتمال همراهی نکردن آن‌ها را زیاد دانست؛ به‌خصوص اگر در تعریف منافع مشترک با آن‌ها در زمان اجرای برجام درست عمل کنیم.

با توجه به وجود راه‌حل‌های فنی برای رسیدن به تفاهم منطقی، مراحل مختلف طراحی‌شده در فرایند بررسی در کمیسیون مشترک به‌گونه‌ای است که اگر اراده‌ی سیاسی نمایندگان عضو از پیش به بهانه‌گیری تعلق نگرفته باشد، امکان فریب‌دادن اعضا (منظور اروپایی‌هاست) توسط آمریکا خیلی اندک است؛ مگر اینکه فعالیت دیپلماتیک ایران ضعیف باشد؛ پس می‌توان همچنان احتمال به دست نیوردن پنج رأی توسط آمریکا را کم دانست.

آنچه در بند قبل ذکر شد، مبتنی بر خوش‌بینی و نه خوش‌خیالی بود؛ در حالی که در تحلیل چنین سند مهمی باید واقع‌بینی را معادل بدبینی دانست، در سیاست بین‌الملل هیچ‌گاه نمی‌توان آینده را به‌طور کامل پیش‌بینی کرد و «احتمالاتی هرچند اندک» را به‌دلیل مهم‌بودن «محتمل» باید جدی گرفت؛ پس بالاینکه

شاید بتوان اطمینان از پابرجا ماندن برجام، حداقل تا پایان دولت اوباما و آرایش فعلی را منطقی دانست، اما احتمال اجماع غرب علیه ایران حداقل برای دولت بعد از آمریکا وجود دارد؛ حتی نباید احتمال همراهی روسیه یا چین را در وضعیتی پیش‌بینی نشده، منتفی دانست.

براساس موارد فوق، آنچه پذیرفتن این حفره حقوقی را توجیه‌پذیر می‌کند، محاسبه هزینه‌منفعت بازگشت‌پذیری است که در یادداشت قبلی به آن پرداخته شد. براساس آن تحلیل، چون با نگاهی بدبینانه (در چنین مواقعی باید بدبینانه تحلیل کرد) روشن شد که هزینه‌منفعت بازگشت‌پذیری برای ایران در مجموع مثبت است، وجود این ضعف حقوقی توجیه‌پذیر می‌شود؛ به عبارت دیگر در بدترین حالت با سوءاستفاده از این حفره حقوقی، ما ناقض برجام خواهیم شد و در بدترین احتمال، تحریم‌ها نیز با اجماع طی فرایندی دوباره برقرار می‌شود؛ چون در این حالت بازهم در فرایند بازگشت‌پذیری در بدترین حالت ضرر نخواهیم کرد، پس پذیرش وجود این حفره توجیه‌پذیر می‌شود.

در هر صورت همچنان باید تأکید داشت که امکان ارجاع اختلاف بین ایران و آژانس به کمیسیون مشترک، پاشنه آشیل حقوقی برجام برای ایران محسوب می‌شود؛ به همین دلیل، هم هنگام نهایی کردن با اقداماتی مانند تصویب فکث‌شیت و هم در اجرای برجام باید با دقت و جدیت برای کم کردن امکان هزینه سوءاستفاده دشمن از این حفره برنامه‌ریزی کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مواد ۱۳ و ۲۴ مقدمه برجام و بندهای ۶۴ و ۶۵ ضمیمه یک برجام؛
۲. ماده ۱۵ مقدمه برجام و ماده ۷۹ ضمیمه یک برجام؛
۳. ماده ۱۵ مقدمه برجام و بند ۶۸ ضمیمه یک برجام؛
۴. ماده ۷۸ ضمیمه اول برجام؛
۵. ماده ۵ پروتکل الحاقی؛
۶. ماده ۷۸ ضمیمه اول برجام؛
۷. جلسه استماع سنا، ۴ آگوست ۲۰۱۵؛
۸. همان.

فصل پنجم

مسئله قطعنامه و چند ابهام مهم

در ادامه تحلیل خرد ضروری است نقدها و ابهامات اصلی در قطعنامه ۲۲۳۱ را بررسی کنیم تا روشن شود که آیا ابهام مربوط وارد است یا خیر. آنگاه اگر انتقادی وارد بود، باید ببینیم این حفره می تواند کلیت برجام را به متنی نپذیرفتنی تبدیل کند یا خیر.

قطعنامه سازمان ملل^(۱)

بخش زیادی از نقدها به محتوای قطعنامه ۲۲۳۱ بر می گردد؛ به همین دلیل ضروری است ابتدا درباره این قطعنامه و محتوای آن جمع بندی روشنی داشته باشیم.

به نظر من اینکه قطعنامه همچنان ذیل فصل هفت منشور ملل متحد^(۲) هست یا نیست، اینکه فلان بخش آن الزام آور است یا غیر الزام آور و نکاتی شبیه این مهم است؛ اما نه آن قدر که وقت زیادی را روی آن بگذاریم. بر این باورم آنچه

امنیت ما را تأمین کرده است و خواهد کرد، قطعنامهٔ خارج فصل هفت نیست؛ بلکه تأمین‌کنندهٔ امنیت ما قدرت دفاعی و نظام مردمی ماست و دشمن اگر وضعی در ما ببیند، برای حمله یا تحریم و فشار تردیدی نمی‌کند. او نه نیاز به قطعنامه دارد و نه مجوز حقوقی؛ به همین دلیل به‌نظم مباحثه‌های حقوقی از این دست چندان خاصیت روشنی ندارد. در موضوع قطعنامه می‌توان چند نکته را مطرح کرد:

۱. قوت بسیار مهم قطعنامه ۲۲۳۱ (حتی اگر همچنان ما فصل هفتمی باشیم) این است که قطعنامه‌های پیشین مخصوصاً قطعنامهٔ ۱۹۲۹ را لغو کرده است؛^(۳) بدون اینکه ما الزامات آن قطعنامه را اجرا کنیم. ما براساس قطعنامهٔ ۱۹۲۹ باید غنی‌سازی را تعلیق می‌کردیم، باید فردو را تعطیل می‌کردیم، آب سنگین اراک را می‌بستیم و...؛ اما جمهوری اسلامی ایران بدون آنکه هیچ‌کدام از این نکات را حتی برای یک روز عمل کند، به چنان جایگاهی رسید که شورای امنیت سازمان ملل مجبور به لغو آن قطعنامه‌ها شد. اهمیت این مسئله به این دلیل است که نماد شکست نظام سلطه از مردم ایران در جنگ اراده است. در این راه، شورای امنیت هزینه‌ای سنگین داده است که براساس نظریه‌هایی که بر اهمیت هنجارها در رفتارهای بین‌المللی تأکید می‌کند (مانند نظریهٔ سازه‌نگاری) بی‌تردید در جایگاه آیندهٔ مهم‌ترین نهاد بین‌المللی تأثیر منفی طولانی‌مدتی خواهد گذاشت.

۲. فارغ از جزئیات و اختلاف سلیقه‌هایی که وجود دارد، به‌صراحت باید تأکید کرد که این قطعنامه در مقایسه با قطعنامهٔ ۱۹۲۹ از قوت‌های فراوانی برخوردار است. چه الزامات لغوشده، چه تحریم‌های لغوشده و چه حرکت به‌سمت خروج از فصل هفت (نمی‌گوییم خارج شدن از فصل هفت).

۳. درحالی‌که قطعنامه از محتوای بهتری نسبت به قبل برخوردار است، باید تصریح کرد همچنان برخی موضوعات نپذیرفتی یا حداقل با امکان سوءاستفاده وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها ممنوعیت آزمایش موشک‌های بالستیک و ادامهٔ محدودیت خرید و فروش سلاح است. هر دوی این مسائل برای ما حیاتی و استراتژیک محسوب می‌شوند و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار هستند. نگرانی مهم اینجاست که ما در گذشته حکم تأیید به قطعنامه‌های پیشین نزده بودیم؛

به همین دلیل هر قدر این قطعنامه‌ها بار منفی داشت، ما رسماً خود را متعهد به آن‌ها نمی‌دانستیم. ابهام مهم این است که اگر ما خود را متعهد به اجرای این قطعنامه کرده باشیم، عملاً قطعنامه جدید با وجود بهتر بودنش نسبت به گذشته، شایسته دفاع نخواهد بود؛ چرا که ما خود را متعهد به بندهایی کرده‌ایم که قبول نداریم.

در قطعنامه جدید عبارت مربوط به ممنوعیت موشک‌ها از «موشک‌های دارای قابلیت کاربرد سلاح اتمی» به عبارت «موشک‌های بالستیک طراحی شده برای قابلیت حمل سلاح‌های اتمی»^(۴) تبدیل شده است. ما قبلاً ملزم شده بودیم (shall not)، اما الان از ما خواسته شده است (called upon). در عین حال اگر ما خود را متعهد به همین نکات کرده باشیم، عملاً در صورت اجرا نکردن، خلاف تعهد عمل کرده‌ایم و ناقض برجام خواهیم شد. این مسئله کار را برای ما بسیار سخت‌تر از گذشته می‌کند. همین مسئله برای دیگر ضعف‌های قطعنامه مانند خرید و فروش تسلیحات نیز صادق است.

۴. در بررسی ابهام بالا، کاوش در متن برجام و قطعنامه و نوع واکنش‌ها جای تردید باقی نمی‌گذارد که ما خود را متعهد به قطعنامه نکرده‌ایم؛ در نتیجه به این گزاره خیلی مهم می‌رسیم که «اگر ما ناقض قطعنامه شویم، ناقض برجام نخواهیم بود». اگر این گزاره درست باشد، می‌توان قطعنامه را به دلیل اینکه قطعنامه‌های قبل را بدون اجرا لغو کرده است و در فرایندی ده‌ساله پرونده ایران را عادی می‌کند، نتیجه مثبت دانست؛ در غیر این صورت، خطری جدی محسوب می‌شود.

در بند «ن» مقدمه برجام آمده است: «برای تصویب شورای امنیت، گروه ۵+۱ پیش‌نویس قطعنامه‌ای که تأییدکننده این برجام است ارائه خواهد کرد. این پیش‌نویس تأکید می‌کند که انعقاد این برجام نشانگر یک دگرگونی بنیادین در بررسی این موضوع توسط شورای امنیت بوده است و تمایل شورا برای برقراری یک رابطه جدید با ایران را اعلام می‌کند. این قطعنامه شورای امنیت همچنین لغو تمامی مفاد وضع‌شده وفق قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت از روز اجرا، به‌علاوه ایجاد برخی محدودیت‌های خاص و خاتمه بررسی موضوع هسته‌ای

ایران توسط شورای امنیت سازمان ملل ده سال پس از روز توافق برجام را مقرر خواهد کرد.» براساس این بند، پیگیری صدور قطعنامه یکی از تعهدات طرف مقابل است و ایران درباره آن هیچ تعهدی را نداده است؛ به عبارت دیگر، بر این اساس ایران با پذیرش این بند برجام قبول کرده است که طرف مقابل قطعنامه‌ای را در جهت «دگرگونی بنیادین» پرونده ایران صادر کند و هیچ مهر تأییدی به محتوای قطعنامه نزده است؛ اما شاید به دلیل نبود صراحت، این استدلال به طور کامل نگرانی‌ها را برطرف نکند؛ مخصوصاً آنکه در بند مذکور از «ایجاد برخی محدودیت‌های خاص» سخن به میان آمده است. حال به بند ۱۸ از متن اصلی برجام مراجعه می‌کنیم: «قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که برجام را تأیید خواهد کرد، تمام مفاد قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت درخصوص موضوع هسته‌ای ایران شامل ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۲۲۴ (۲۰۱۵) را هم‌زمان با اجرای اقدامات توافق‌شده مرتبط با هسته‌ای توسط ایران که از سوی آژانس راستی‌آزمایی شده است، به نحو مشخص شده در پیوست ۵ لغو می‌کند و محدودیت‌های خاصی را برقرار خواهد کرد.»

در اینجا نیز از محدودیت‌های خاص در قطعنامه سخن به میان آمده است؛ اما نکته اطمینان‌آور این مسئله است که وقتی از محدودیت‌های خاص سخن به میان آمده است، این عبارت به پی‌نوشتی ارجاع شده است که ترجمه متن انگلیسی آن این است: «مفاد این قطعنامه، مفاد این برجام تلقی نمی‌شود.»^(۵) به عبارت دیگر، به روشنی محتوای قطعنامه از محتوای برجام تفکیک شده است؛ پس تأیید برجام توسط ایران نیز به تصریح این عبارت، به معنای تأیید محتوای قطعنامه نیست؛ به همین دلیل می‌توان گزاره ابتدای مطلب را تأییدشده دانست که «نقض قطعنامه توسط ایران نقض برجام محسوب نمی‌شود».

به همین دلیل بود که در زمان صدور قطعنامه سازمان ملل، وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران بیانیه رسمی صادر کرد و به تصریح، بخش‌هایی از قطعنامه که مدنظرش بوده است و بنای اکید دارد که مبتنی بر تفسیر خود از قطعنامه عمل کند، مانند آزمایش موشک‌های بالستیک را اعلام کرد. جالب

اینکه سکوت کشورهای ۵+۱ در قبال بیانیۀ وزارت خارجه از لحاظ حقوقی اهمیت دارد و نوعی تأیید برداشت ایران محسوب می‌شود. همهٔ این نکات وقتی ضریب اطمینان را بیشتر می‌کند که مقامات نظامی و دولتی آمریکا در جلسات بررسی کنگره به صراحت بر ادامهٔ آزمایش موشک‌های بالستیک ایران صحه گذاشتند؛ به عنوان مثال، جان کری وزیر خارجهٔ این کشور حتی در نشستی با مدیران خبرگزاری رویترز تصریح کرد: «با نقض تحریم‌های موشکی از سوی ایران، مکانیسم بازگشت تحریم‌ها فعال نخواهد شد.»

جمع‌بندی

با توجه به اینکه «نقض قطعنامه، نقض برجام نیست» ایران به اجرای بخش‌هایی از قطعنامه که در برجام آمده، متعهد است. دربارهٔ نکاتی که در برجام نیامده است، ایران خود را به آن متعهد نمی‌داند و همانند گذشته به مصلحت خود عمل خواهد کرد؛ البته این اصل دربارهٔ طرف مقابل صدق نمی‌کند؛ چراکه آن‌ها خود پیشنهاد دهندهٔ قطعنامه بودند و از نظر آن‌ها به عنوان اعضای دائم شورای امنیت، محتوای قطعنامه‌ها باید رعایت شود.

آزمایش موشک‌های بالستیک و کمک تسلیحاتی به جبههٔ مقاومت

فارغ از اینکه آیا قطعنامهٔ جدید نسبت به قطعنامهٔ قدیم پیشرفت داشته است یا خیر، این اطمینان حاصل می‌شود که چون در برجام هیچ محدودیتی در موضوع موشک‌های بالستیک، فروش یا کمک تسلیحاتی به گروه‌های محور مقاومت اعمال نشده است، ایران مطابق گذشته حتی اگر نقض قطعنامه محسوب شود، به برنامه‌های خود عمل خواهد کرد. این موضوع در بیانیۀ وزارت خارجه که بلافاصله پس از صدور قطعنامه منتشر شد آمده است: «جمهوری اسلامی ایران تدابیر لازم برای تقویت توانمندی‌های دفاعی خود به منظور حراست از حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی خود در مقابل هرگونه تجاوز و همچنین مقابله با تهدید تروریسم در منطقه را ادامه خواهد داد. در این چارچوب، توانمندی‌های نظامی ایران از جمله موشک‌های بالستیک، منحصراً برای دفاع مشروع هستند. این

تجهیزات برای قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای طراحی نشده‌اند و بنابراین، خارج از حیطه یا صلاحیت قطعنامهٔ شورای امنیت و پیوست‌های آن هستند.»^(۴)

خرید کالاهای دو منظوره و نگرانی از لیست NSG

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که طبق قطعنامه و همچنین برجام، ایران پذیرفته است اqlام و کالاهایی که کاربرد دو منظوره در صنعت هسته‌ای دارند و در لیست موسوم به (NSG (Nuclear Suppliers Group قرار دارند را طبق فرایندی که در کارگروه خرید ذیل کمیسیون مشترک تعریف می‌شود، خریداری کند. براساس تعهدات مطرح‌شده در بند ۶ پیوست ۴، ایران در خرید این اqlام باید به‌گونه‌ای عمل کند که نه‌تنها تمام مشخصات خریدار را اعلام کند، بلکه استفاده از آن‌ها نیز با روالی که به‌طور دقیق معلوم شده است، باید نظارت لازم را بپذیرد. این اqlام که پیوست مربوط به آن ده‌ها صفحه است و مرتب نیز توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌روز می‌شود، در برخی مواقع در صنایع نظامی ما استفاده می‌شوند؛ البته روشن است که در گذشته نیز ما مطابق قوانین آژانس باید در خریدها این روال را طی می‌کردیم؛ اما چون تحریم بودیم، امکان خرید برای ما وجود نداشت. روال جدید امکان خرید این اqlام را که حتی در صنایع غیرهسته‌ای ما نیز کاربرد دارند، مهیا می‌کند؛ اما در کنار این قوت، این نگرانی ایجاد می‌شود که ما پیش از این برای کاربری‌های نظامی خود از بازارسياه خرید می‌کردیم، اما الان اگر این‌گونه عمل کنیم، خلاف تعهد عمل کرده‌ایم و ناقض برجام می‌شویم.

توضیح این مسئله این است که اولاً براساس جمع‌بندی قبل ما که «تقاضای قطعنامه، نقض برجام نیست» خود را متعهد به موضوعاتی که در برجام ذکر شده است کردیم؛ به همین دلیل مسائلی از این دست که در قطعنامه ذکر شده است، اما در برجام نیست، تعهدی برای ما ایجاد نمی‌کند؛ اما لیست مربوط به NSG در برجام آمده است و شامل این مسئله نمی‌شود؛ لذا باید بندهای برجام را بررسی کنیم و ببینیم آیا چنین تعهدی داده‌ایم که براساس آن مجبور باشیم برای نیازهای صنایع نظامی خود، نظارتی چنین سفت و سخت و مخدوش‌کننده

امنیت ملی خود را بپذیریم؟ رجوع به پیوست ۴ بند ۱-۶-۱ برجام نشان می‌دهد که ایران فقط پذیرفته است این روال را برای خریدهای مربوط به صنایع هسته‌ای و صنایع غیرنظامی رعایت کند: «...چنانچه استفاده‌ی نهایی آن برای برنامه هسته‌ای ایران به نحو مندرج در این برجام یا سایر استفاده‌های نهایی غیرنظامی غیر هسته‌ای باشد...». به عبارت دیگر دو طرف تصمیم گرفته‌اند براساس منافع مشترک خود، کانال خریدی رسمی برای صنایع غیرنظامی ایجاد کنند؛ اما چون این روش خرید در استفاده‌های نظامی باعث اشراف و نظارت بیگانه و مخدوش شدن امنیت ملی کشور می‌شود، تعهدی برای رعایت این مسئله در استفاده‌های نظامی داده نشده است.

تحقیق و توسعه و تولید سانتریفیوژهای پیشرفته برای بعد از سال دهم

در بند ۶۳ ضمیمه یک برجام آن ذکر شده است: «ایران براساس برنامه خود، در پایان سال هشتم تولید سالیانه ۲۰۰ عدد ماشین سانتریفیوژ IR-6 و IR-8 از هر نوع را بدون روتور تا سال دهم شروع خواهد کرد. بعد از سال دهم، ایران ماشین‌های سانتریفیوژ کامل را به همین مقدار در سال تولید خواهد کرد تا نیازهای غنی‌سازی و تحقیق و توسعه غنی‌سازی خود را برآورده سازد. ایران این ماشین‌ها را براساس برنامه غنی‌سازی و تحقیق و توسعه تا هر زمان که برای مونتاژ نهایی نیاز باشد، در نطنز در مکانی بر روی زمین و تحت نظارت آژانس انبار خواهد کرد.» این ابهام مطرح می‌شود که براساس این بند، در تولید سانتریفیوژهای پیشرفته حتی برای سال دهم به بعد (برای همیشه) ما فقط می‌توانیم حداکثر سالانه ۲۰۰ سانتریفیوژ نسل ۶ و ۲۰۰ سانتریفیوژ نسل ۸ تولید کنیم؛ به همین دلیل تحقیق و توسعه عملاً فقط حرف خواهد بود.

براساس بند اول از متن اصلی برجام، برنامه تحقیق و توسعه ایران یک محدودیت هشت‌ساله دارد و پس از آن ایران به «برنامه خود» پایبند است. ایران باید این «برنامه» را براساس پروتکل الحاقی به آژانس اعلام کند. براساس پروتکل الحاقی، هر کشوری که پروتکل را اجرا می‌کند باید همان ابتدای کار، برنامه درازمدت هسته‌ای خود را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کند. این برنامه درازمدت

شامل غنی‌سازی و برنامه تحقیق و توسعه غنی‌سازی هم هست. معمولاً کشورها در این خصوص برنامه ده‌ساله به آژانس می‌دهند و در آن جزئیات فنی خود در دهه مدنظر را به آژانس اعلام می‌کنند. ما هم براساس پروتکل الحاقی که آن را به‌شکل داوطلبانه اجرا خواهیم کرد، باید این کار را انجام بدهیم. این مسئله در بند ۵۲ پیوست یک برجام هم ذکر شده است و جالب اینکه در پی‌نوشت مربوط به همین بند نیز تصریح کرده است که ایران اجازه می‌دهد این برنامه را برای دیگر اعضای کمیسیون مشترک به اشتراک بگذارد؛ در نتیجه نیازی به تأیید کمیسیون مشترک نخواهد بود. براساس گفته مسئولان تیم هسته‌ای، ایران احتمالاً برنامه خود را به‌جای ده سال، پانزده‌ساله ارائه می‌کند. برجام می‌گوید ایران هشت سال محدودیت دارد؛ اما پس از هشت سال متعهد به برنامه اعلام‌شده خود است.

درخصوص این ابهام مشخص، ابتدای بند ۶۳ جمله‌ای آمده است که بسیار کلیدی است: «ایران براساس برنامه خود، بعد از سال هشتم سالی ۲۰۰ عدد ماشین بدون روتور و از سال دهم به بعد سالی ۲۰۰ عدد ماشین با روتور تولید خواهد کرد؛ به همین دلیل این محدودیت براساس برنامه خود ماست و تا زمانی ادامه خواهد داشت که کار تحقیق و توسعه این ماشین‌ها تمام شود. هنگامی که برنامه پانزده‌ساله خود را به آژانس ارائه دهیم، میزان تولید ماشین‌های IR-6 و IR-8 تا سال هشتم و دهم براساس همین برنامه قیدشده در برجام است؛ اما این زمان متناسب با زمانی است که کار تحقیق و توسعه ماشین‌های IR-6 و IR-8 تمام شود. بعد از سال دهم تا زمانی که زیرساخت سانتریفیوژهای پیشرفته آماده و از بهره‌وری آن‌ها اطمینان حاصل می‌شود، می‌توان این محدودیت را هم پذیرفت؛ اما برای بعد از آن به صنعت هسته‌ای لطمه می‌زند؛ پس اگر زمان این محدودیت با برنامه کلان هسته‌ای ایران منطبق باشد، منطقی است؛ اما اگر بیش از این باشد نمی‌توان آن را منطقی دانست.

نکته‌ای که از لحاظ حقوقی در مقایسه با مرحله قبل، یعنی تا ده سال، تفاوت می‌کند، سکوت برجام در پایان زمان مشخص شده است. در نتیجه این مفهوم را ایجاد می‌کند که پایان زمان، محدود به برنامه اعلامی ایران شده است؛ لذا

از لحاظ حقوقی اگر برنامه ایران به عنوان مثال یازده یا سیزده سال اعلام شود، بعد از آن زمان، برنامه ایران به پایان رسیده است و چون در برجام زمان انتهایی برای سالی ۲۰۰ عدد سانتریفیوژ تعیین نشده است، پس پایان زمان برنامه ایران، پایان دوره محدودیت خواهد بود.

در عین حال باید تصریح کنیم که این بند غیر شفاف نوشته شده است و بهتر بود به گونه‌ای شفاف و بی‌ابهام نوشته می‌شد که جای هیچ تفسیر به‌رأیی باقی نماند؛ چراکه نباید فراموش کرد اگر اراده سیاسی طرف مقابل بر نقض عهد قرار گیرد، از هر تفسیر به‌رأیی فروگذار نخواهد کرد.

آنچه می‌تواند نگرانی از این ضعف را برطرف کند، نه توضیحات حقوقی ذکر شده، بلکه این نکته است که قرار است در آینده‌ای نزدیک برنامه خود را به آژانس اعلام کنیم؛ به همین دلیل با ارائه این برنامه و علنی شدن آن (براساس پی‌نوشت مربوط به بند ۵۲ به همه اعضای کمیسیون مشترک اعلام می‌شود) این اطمینان حاصل می‌شود که محدودیت‌های عملی ما دقیقاً چه خواهد بود. نکته‌ای که اهمیت زیادی دارد این است که ایران با سرعت بخشیدن به ارائه برنامه خود به آژانس، اقدامات بازگشت‌ناپذیر و محدودیت‌ساز خود را به بعد از ارائه برنامه خود موکول کند تا با پذیرش رسمی آن توسط آژانس، همه چیز به‌صورتی کاملاً شفاف روشن شود و جای هیچ شبهه‌ای برای آینده باقی نماند.

مسئله فعالیت‌های گذشته ایران موسوم به PMD

اتهامات درباره فعالیت‌های گذشته ایران که غربی‌ها و آژانس نام PMD بر آن گذاشتند، در برجام به چه سرنوشتی رسید؟ آیا برجام در این موضوع منافع و مصالح ملی را رعایت کرده است؟

چند نکته اصلی در این باره وجود دارد. مهم‌ترین دغدغه ما در موضوع پی‌ام‌دی این بود که برجام نباید به نظر و جمع‌بندی آژانس موکول می‌شد؛ چراکه با توجه به رفتار سیاسی آژانس، اینکه از این مسئله برای امتیازگیری استفاده شود، دور از ذهن نبود؛ البته آنجا که آژانس راستی‌آزمایی عینی انجام می‌دهد، دغدغه ما نیست؛ چون در تجربه‌های گذشته هم هیچ‌گاه آژانس در این مواقع، خلاف عمل

نکرده است. آنچه خط قرمز اصلی نظام بود، هنگامی است که آژانس می خواهد اعلام نظر کند؛ یعنی به عنوان مثال بگوید که این فعالیت صلح آمیز است یا آن فعالیت را تأیید می کنیم. براساس بند ۱۴ مقدمه و ۶۶ ضمیمه یک برجام، درباره پیامدی تنها تصریح صورت گرفته این است که ایران باید طبق توافق چه اقداماتی انجام دهد؛ اما اینکه آژانس در این باره چه نظری می دهد، جزوی از مراحل برجام نیست؛ یعنی اگر آژانس بعد از اقدامات ایران مطابق نقشه راه توافق شده، فعالیت ها را تأیید نکند، برجام زیر سؤال نخواهد رفت.

بحث مهم دیگر درباره تقاضاهایی مانند بازرسی از پارچین و همچنین مصاحبه با دانشمندان و شخصیت های ماست. پیرو این مطالبه رهبری در دانشگاه افسری که تصریح کردند «من اجازه نمی دهم»^(۷) براساس اطلاعات موثق موجود که انتشار آن به مصلحت نیست (که آسوشیتدپرس یکی از آن ها را افشا کرد)^(۸) در هر دو حوزه بازرسی از پارچین و مصاحبه با شخصیت ها و دانشمندان ایرانی، به نگرانی ایران توجه شد و طرف مقابل از زیاده خواهی خود عقب نشینی کرد؛ البته اینکه آژانس درباره فعالیت های گذشته ایران چه نظری خواهد داد، همچنان مبهم است؛ اما چه پرونده را با موضع گیری مثبت ببندد که دستاوردی مهم محسوب می شود و بهانه ای مهم برای پرونده سازی علیه ایران منتفی می شود و چه پرونده را همچنان باز بگذارد، امکان سوءاستفاده و اجرایی نکردن تعهدات طرف مقابل در برجام منتفی شده است.

مسئله سوئیفت

اگر به پیوست ۵ برجام مراجعه کنیم، خواهیم دید که اتحادیه اروپا در لغو قانون اجرایی تحریم ها، چند بند را استثنا کرده است. این بندها را در روز انتقالی یعنی ۸ سال بعد از روز اجرا لغو خواهد کرد. یکی از این قانون ها، تحریم مربوط به سوئیفت است. سوآلی که برخی مطرح کرده اند این است که به دلیل اهمیت بسیار زیاد سوئیفت، باقی ماندن این تحریم چگونه توجیه پذیر است.

در تحریم سوئیفت اتحادیه اروپا که در دو اقدام قانونی (Legal act) در سال های ۲۰۱۰ (تصمیم کمیسیون [Council decision] اتحادیه اروپا) و ۲۰۱۲ (قانون گذاری

کمیسیون [Council regulation] اتحادیه اروپا) برقرار گردید، مقرر شد که شرکت‌های پیام‌رسانی مالی، به افراد و شرکت‌ها و بانک‌های مشخصی این خدمات را ارائه نکنند

با این حال در سال ۲۰۱۲ اصلاحیه‌ای بر تصمیم کمیسیون اتحادیه اروپا وارد شد و تحریم‌های سوئیفت را جدی‌تر کرد؛ یعنی تحریم سوئیفت برای تعداد مشخصی از افراد و شرکت‌ها وضع شد و تحریمی همه‌جانبه نبود؛ البته در این لیست نام بانک مرکزی ایران، بانک ملی و اکثر بانک‌ها و شرکت‌های مالی بزرگ ایران دیده می‌شد که بخش عمده‌ای از نظام بانکی ما را در بر می‌گرفت. تنها حدود شش بانک ایرانی همچنان قادر بودند که از این خدمات بهره‌کافی را ببرند. براساس آنچه در ماده ۱۵ پیوست پنجم برجام آمده است، اتحادیه اروپا به حذف نام افراد و شرکت‌های ذکرشده در الحاقیه پیوست شماره ۲ برجام اقدام می‌کند. در این الحاقیه، نام ۸۰۰ فرد و شرکت آمده است که از لیست تحریم‌ها حذف می‌شوند. هرچند بند مربوط به تحریم سوئیفت از طرف اتحادیه اروپا (ماده ۴-۱-۱ در پیوست دوم) در روز اجرا لغو یا تعلیق نمی‌شود؛ اما برداشته‌شدن این اسامی که در آن نام بانک مرکزی و برخی بانک‌ها دیده می‌شود، سبب برچیده‌شدن تحریم‌های مربوط به پیام‌رسانی مالی خواهد شد. بااینکه اسم این افراد و موجودیت‌ها از لیست تحریم‌های سوئیفت خارج شده است، اما اصل تحریم سوئیفت همچنان پابرجاست و تنها افراد ذکرشده در ذیل آن از لیست تحریم این خدمات حذف شده‌اند. این موضوع سبب شده است که برگشت‌پذیری تحریم سوئیفت بسیار آسان باشد و طرف اروپایی نیز از این مسئله به دلیل زمان‌بر بودن تدوین قواعد تحریم مجدد، به عنوان مکانیزم ماشه استفاده می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت با حذف اسم این افراد و شرکت‌ها، عملاً تحریم سوئیفت بی معنا خواهد شد. با برداشته‌شدن تحریم سوئیفت افراد و موجودیت‌ها و به خصوص بانک‌ها و بانک مرکزی، ایران قادر خواهند بود بار دیگر به صورت آزادانه به تجارت بپردازند و به آسانی قادر خواهند بود که نقل و انتقالات مالی خود را انجام بدهند. در تحریم سوئیفت اگرچه هیچ یک از کالاها و خدمات تحریم نشده است، اما زمینه هرگونه مبادله با خارج را از بین می‌برد. حال با رفع

این تحریم قادر خواهیم بود با تمامی کشورهای جهان مبادلات اقتصادی داشته باشیم. شاید بتوان گفت که رفع این تحریم بزرگ‌ترین دستاورد اقتصادی رفع تحریم‌ها خواهد بود.

نگرانی از بی‌اعتماد برای سرمایه‌گذاری

با توجه به اینکه مادر بخش زیادی از تحریم‌ها شاهد لغو کامل تحریم‌ها نیستیم، این سؤال مطرح می‌شود که سرمایه‌گذار در صورتی سرمایه‌گذاری خواهد کرد که از ادامه سرمایه‌گذاری خود اطمینان داشته باشد؛ پس بعد از اجرای برجام، حجم مطلوب سرمایه وارد کشور ما نخواهد شد.

اولین نکته مهم این است که آنچه ما را در تحریم‌ها بیشتر از همه دچار مشکل کرد، عدم امکان سرمایه‌گذاری نبود، بلکه بیشتر نبودن امکان صادرات و واردات و مراودات مالی مخصوصاً سخت‌شدن فروش نفت و مواد پتروشیمی بود؛ به همین دلیل با برداشته‌شدن تحریم‌ها، مشکل اصلی مربوط به تحریم‌ها حل خواهد شد. نکته دوم اینکه اگر فرضاً چنانچه مفاد قطعنامه‌های قبلی سازمان ملل با تصویب شورای امنیت دوباره بازگردد و تحریم‌های لغوشده دوباره اعمال شوند، براساس بند ۳۷ مقدمه برجام «این مفاد در خصوص قراردادهایی که بین هر طرف و ایران یا افراد و نهادهای ایرانی قبل از تاریخ اعمال آن‌ها امضا شده باشد، دارای اثر عطف به ماسبق نیست.» به بیان صریح‌تر، با فرض بازگشت تحریم‌ها از یک روز مشخص، هیچ کدام از قراردادهایی که با نهادهای ایرانی منعقد شده است، شامل بازگشت تحریم‌ها نمی‌شوند. همچنین بند ۱۴ قطعنامه جدید شورای امنیت به سرمایه‌گذاران خارجی این اطمینان را می‌دهد که طی دوره تعلیق تحریم‌ها، در ایران سرمایه‌گذاری انجام دهند و مصون از وضع دوباره تحریم‌ها، البته در قالب بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت باشند (قانون عطف به ماسبق). این اطمینان مهمی برای سرمایه‌گذاران خارجی است.

نکته سوم اینکه آنچه می‌تواند اثر منفی تعلیق بر سرمایه‌گذاری خارجی را خنثی کند، فضای سیاسی مثبت ایجاد شده است. این روزها اکثر رسانه‌های غربی گزارش‌های مفصلی درباره ایران انتشار می‌دهند و از مزایای ایران برای

سرمایه‌گذاری سخن می‌گویند. ورود هیئت‌های تجاری مختلف از کشورهای گوناگون، گواه این مدعاست که سرمایه‌گذاران توافق وین را جدی گرفته‌اند؛ حتی هیئت بلندپایه ایتالیایی قبل از آغاز اجرای این توافق، قراردادی دو میلیارد دلاری در حوزه بیمه با ایران منعقد کرد و... رسانه‌های غربی هم برای اینکه از سیل جذب مخاطب عقب نمانند، در میان هیاهوهای فراوان مربوط به خودشان، مسائل مرتبط با توافق ایران را پررنگ جلوه می‌دهند؛ برای مثال، نسخه اروپایی روزنامه‌وال استریت در بحبوحه ورود هیئت‌های مختلف به ایران، عکس صفحه اول خود را به دیدار ظریف و موگرینی اختصاص داد. این فضای سیاسی و رسانه‌ای مثبت به شدت بر رفتار سرمایه‌گذاران خارجی اثر خواهد گذاشت و سبب می‌شود این سرمایه‌گذاران بار دیگر به سرمایه‌گذاری در ایران بپردازند. نکته چهارم و مهم‌تر اینکه با این حال ما نیز همانند این عده نگران حضور سرمایه‌گذاران خارجی در ماه‌های آینده هستیم؛ اما نه بنا به این دلیل که تحریم‌ها تعلیق شده است، بلکه معتقدیم در صورتی که تحریم‌ها لغو هم می‌شد، تفاوت زیادی ایجاد نمی‌کرد. دلیل ما برای اینکه سیل ورود سرمایه‌گذاران خارجی به ایران ممکن است چندان محقق نشود، فضای نامناسب کسب و کار در داخل کشور است. در ایران ریسک سرمایه‌گذاری بسیار زیاد است و این اصلی‌ترین دلیلی است که سرمایه‌گذاران حتی در روزهای قبل از تحریم‌ها به ایران فکر نمی‌کردند. به ایران فکر نمی‌کردند چون قیمت ارز در ایران پرنوسان و نامطمئن است. به ایران فکر نمی‌کردند چون قوانین و مقررات سراسر نیست. به ایران فکر نمی‌کردند چون با ریسک تغییر مدیر مواجه بودند. به ایران فکر نمی‌کردند چون خاطرات تلخی از محترم شمرده‌نشدن حق مالکیتشان دارند. بد نیست نگاهی به آمارهای سهولت کسب و کار منتشر شده توسط بانک جهانی بیندازیم. آمارهایی که مبنای عمل بسیاری از سرمایه‌گذاران است. ایران در زمینه شاخص سهولت کسب و کار از بین ۱۸۹ کشور، رتبه ۱۳۰ را به خود اختصاص داده است. این موضوع نشان می‌دهد که ایجاد کسب و کار در ۱۲۹ کشور آسان‌تر از ایران است و این دلیل مهمی برای دوری از سرمایه‌گذاری در ایران است؛ حال می‌خواهد تحریم‌ها تعلیق یا لغو شود.

سرنوشت بازفرآوری سوخت پس از ۱۵ سال

براساس بند ۱۲ مقدمهٔ برجام، ایران در حوزهٔ بازفرآوری سوخت نباید اقداماتی را انجام دهد: «به جز فعالیتهای جداسازی صرفاً با هدف تولید رادیو ایزوتوپهای پزشکی و صنعتی از نمونههای تابش دیدهٔ اورانیوم غنی شده، ایران به مدت پانزده سال وارد بازفرآوری سوخت مصرف شده یا ساخت تأسیسات قادر به بازفرآوری سوخت مصرف شده، یا فعالیتهای تحقیق و توسعهٔ بازفرآوری که منتج به ایجاد قابلیت بازفرآوری سوخت مصرف شده شود، نخواهد شد و پس از این مدت نیز قصد چنین کاری را ندارد.» بسیاری بر این باورند که بازفرآوری ذکر شده در این بند برای کشورهایی که دنبال فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای هستند، اهمیتی ندارد؛ اما به نظر می‌رسد حتی در این صورت، باز هم اگر تعهدی طولانی مدت پذیرفته باشیم، ضعفی مهم محسوب می‌شود.

با این حال براساس این بند اولاً مشخص می‌شود که ایران برای ۱۵ سال تعهد داده است که فعالیتهای مرتبط با بازفرآوری سوخت را انجام ندهد؛ همچنین مشخصاً براساس عبارت «و پس از این مدت نیز قصد چنین کاری را ندارد» این ابهام مطرح می‌شود که تعهد ایران برای بازفرآوری نکردن سوخت تا مدتی نامعلوم و الی الابد است. در این باره توجه به دو نکتهٔ زیر می‌تواند به رفع ابهام مطرح شده کمک کند.

نکتهٔ اول اینکه براساس تصریح این بند برجام، اولاً تعهد مشخص ایران بازفرآوری نکردن تنها برای ۱۵ سال است. مطابق بندهای دیگر که زمان‌هایی مثل ۲۰ یا ۲۵ سال برای نظارت بر تولید روتورها یا معادن اورانیوم تعیین شده است، اگر تعهد طولانی تری مطرح بود، در همین بند به‌طور مشخص اشاره می‌شد؛ ضمن اینکه در این ۱۵ سال نیز ایران سوخت مصرف شدهٔ چندانی ندارد که بخواهد روی آن بازفرآوری کند. این موضوع، برنامه هسته‌ای ایران را محدود نمی‌کند.

نکتهٔ دوم اینکه در ادامهٔ این بند آمده است: «و پس از این مدت نیز قصد چنین کاری را ندارد.» اینکه ایران «قصد» چنین کاری را ندارد، نه یک تعهد حقوقی که نوعی حق انتخاب برای ایران است که در اصطلاح حقوقی به آن «ایقاع» می‌گویند. ایقاع نوعی عمل حقوقی است که فقط با ارادهٔ یک نفر انجام می‌شود؛

به این معنا که یک طرف بحث می‌تواند تعهدی را به صورت یک طرفه بپذیرد یا لغو کند. به بیان دیگر، اینکه بعد از ۱۵ سال دربارهٔ بازفرآوری سوخت، ایران چه اقدامی انجام خواهد داد، به خود ایران مربوط است و حق انتخاب با ماست؛ یعنی ممکن است ایران بعد از ۱۵ سال هم بازفرآوری سوخت انجام دهد یا انجام ندهد؛ اما حق این اقدام و انتخاب را برای خود براساس «بقاع» محفوظ نگه داشته است و این بند مانع بازفرآوری سوخت توسط ایران نیست.

پی‌نوشت‌ها

۱. قطعنامهٔ ۲۲۳۱ در ۳۰ تیر ۱۳۹۴ در اجرای بند «ن» مقدمهٔ برجام به تصویب شورای امنیت رسید؛

۲. طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، شورا قدرت زیاد و گسترده‌ای برای ارزیابی تصمیم‌های گرفته‌شده در وضعیت‌های «تهدید صلح جهانی، تخطی از رویه‌های صلح، یا اعمال خشونت و زور» در سطح جهانی دارد. در چنین وضعیت‌هایی، کار شورا محدود به توصیه نمی‌شود و می‌تواند اقدامات جدی مانند استفاده از نیروهای مسلح نظامی برای نگهداری یا بازگرداندن صلح و امنیت جهانی انجام دهد؛

۳. مفاد ۷ و ۸ قطعنامهٔ ۲۲۳۱ شورای امنیت؛

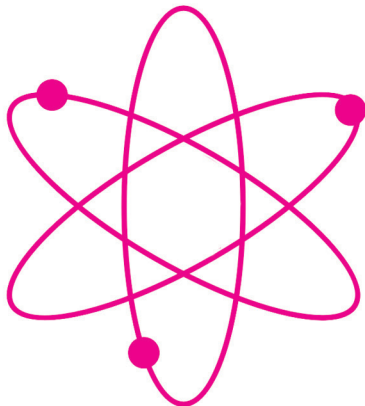
۴. بند ۳ پیوست ب قطعنامهٔ ۲۲۳۱؛

۵. The provisions of this Resolution do not constitute provisions of this JCPOA.

۶. بند ۱۱ بیانیهٔ جمهوری اسلامی ایران پس از صدور قطعنامه ۲۲۳۱

۷. «ما اجازه نمی‌دهیم به حریم دانشمندان هسته‌ای ما و دانشمندان در هر رشته حساس و مهمی، اندک اهانتی بشود. من اجازه نمی‌دهم بیگانگان بیایند با دانشمندان ما، با فرزندان برجسته و عزیز ملت ایران که این دانش گسترده را به اینجا رسانده‌اند، بخواهند بنشینند حرف بزنند.» بیانات رهبر انقلاب در در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۴؛

۸. براساس گزارش آسوشیتدپرس که در ۲۱ آگوست ۲۰۱۵ منتشر شد، ایران خود از تأسیسات پارچین بازرسی خواهد کرد.



بخش سوم

برجام و خط قرمزها

فصل اول

برجام و روش بررسی خط قرمزها^(۱)

یکی از مباحث مهمی که در بررسی برجام مطرح است، «خطوط قرمز» تعیین شده توسط رهبری است. بیشتر منتقدانی که برجام را توافقی بد می‌دانند، آن را بر مبنای گذشتن از خطوط قرمز تحلیل می‌کنند. سؤال این است که در نگاه و تحلیل ما، جایگاه خطوط قرمز رهبری چیست؟ آیا خطوط قرمز برای چانه‌زنی وضع شده است و ضرورتی ندارد که در بررسی‌ها مد نظر قرار گیرد؟ از طرف دیگر اگر از خط قرمزی عبور شود، آیا می‌توان گفت که برجام دیگر شایسته دفاع نیست؟ در این بخش تلاش می‌کنیم به این سؤال‌ها پاسخ دهیم.

دوروش برای ارزیابی

از نگاه علمی در بررسی پروژه دوروش کلان ارزیابی داریم؛ ارزیابی فرایند و ارزیابی نتایج. ارزیابی فرایند مبتنی بر تعیین دقیق فرایندهای پروژه و انحراف گیری اجرا از فرایندهای تعیین شده است. برای این نوع بررسی، متنی که به عنوان نتیجه این فرایندها است، موضوعیت ندارد.

در حوزه ارزیابی نتایج نیز دو مدل وجود دارد؛ یکی ارزیابی هزینه منفعت نتیجه است که در روش تحلیل کلان برجام طبق آن عمل کردیم؛ دومین مدل، ارزیابی نتایج ارزیابی براساس تعیین شاخص ها است. در این روش با توجه به کلی بودن اهداف پروژه، ابتدا شاخص هایی متناسب با اهداف اصلی (در اینجا شاخص ها همان خطوط قرمز هستند) تعیین می شود؛ پس از انطباق نتیجه به دست آمده با شاخص ها می توان میزان تطابق ها، انحراف مثبت و انحراف منفی را روشن کرد و نشان داد که نتیجه به دست آمده تا چه میزان ما را به اهداف نزدیک کرده است. پس یکی از روش هایی که می توان براساس آن متن برجام را به عنوان نتیجه پروژه مذاکرات هسته ای تعیین کرد، استفاده از شاخص ها یا همان بررسی برجام بر مبنای خطوط قرمز است.

رهبری و خطوط قرمز

بیشتر منتقدانی که بر بررسی خطوط قرمز تأکید می کنند، به فرمایشات رهبری رجوع می کنند؛ پس ضروری است تا ابتدا مروری به فرمایشات ایشان داشته باشیم. می توان گفته های ایشان را در در چند محور تقسیم بندی کرد:

اول، مجموعه ای از ضرورت ها تحت عنوان خطوط قرمز که باید در مذاکرات توجه شود. مهم ترین و شاید جمع بندی آن ها در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۲۹ تیر ۹۴ تبیین شد.

دوم، تصریح جدی بر این نکته که خطوط قرمز به صورت علنی بیان می شود و «عیناً همان حرف هایی است که به مسئولان و هیئت مذاکره کننده گفته می شود.» و «در جلسات خصوصی از آن ها صرف نظر نمی شود»^(۳)

سوم، خطوط قرمز دیگری است که به مسئولان گفته شده و علنی نشده است.^(۴)

سکوت رهبری درباره خطوط قرمز بعد از جمع‌بندی متن دروین

رهبر انقلاب بعد از مذاکرات وین تا کنون، یعنی از مورخ ۲۴ تیر تا دوم شهریور ۱۳۹۴، چهار جلسه سخنرانی عمومی داشته‌اند؛ اما در هیچ‌کدام از آن‌ها از خطوط قرمز سخنی به میان نیامده است.

ایشان یک بار در خطبه‌های نماز عید فطر و بار دیگر در دیدار با کارگزاران نظام، مسئولان و دست‌اندرکاران را به بررسی دقیق متن فراخواندند و از عبارات‌های «مصلح» و «منافع ملی» استفاده کردند.

«برای تصویب این متن، یک مسیر قانونی پیش‌بینی شده‌ای وجود دارد که باید این مسیر را طی کند و خواهد کرد، ان شاء الله. انتظار ما این است که دست‌اندرکاران، با دقت مصالح راه، مصالح کشور راه، مصالح ملی راه، در نظر بگیرند و آنچه را تحویل ملت خواهند داد، بتوانند با گردن افراشته، در مقابل خدای متعال هم ارائه بدهند.»^(۴)

«بالاخره یک کاری است دارد انجام می‌گیرد، مسئولینی دارد، دنبال می‌کنند؛ ان شاء الله آنچه منافع ملی است تشخیص بدهند و دنبال آن باشند. بین مردم نباید دودستگی به وجود بیاید.»^(۵)

بر این اساس اگر بخواهیم با نگاهی نص‌گرایانه به فرمایشان رهبری برخورد کنیم (آن‌گونه که برخی مدعی عمل به آن هستند)، تکلیفی که مسئولان و دست‌اندرکاران بررسی متن برجام دارند، بررسی متن مطابق «منافع و مصالح ملی» است؛ چراکه ایشان بر این مسئله تأکید کرده‌اند؛ در نتیجه تأکید بر اینکه طبق فرمایشات رهبری باید تحلیل صرفاً براساس خطوط قرمز باشد، زیر سؤال می‌رود؛ چراکه طبق فرمایشات ایشان، ضرورت رعایت این خطوط «در طول مذاکرات» اهمیت دارد و به پیش از جمع‌بندی برجام برمی‌گردد و بررسی «نتیجه» مذاکرات براساس این خط قرمزها، به سخن رهبری استناد مستقیم ندارد؛ از طرف دیگر، نه تنها ایشان در بررسی متن اشاره به بررسی مطابق با خطوط قرمز نکردند، بلکه تصریح کردند که این کار «براساس منافع و مصالح ملی» صورت گیرد. پس می‌توان مدعی شد براساس فرمایشات صریح رهبر انقلاب، بررسی برجام به روشی غیر از خط قرمز، منافاتی با نظر ایشان ندارد

و می تواند ملاک بررسی باشد. اصرار بر اینکه طبق فرمایشات رهبری جز این شیوه نباید به روشی دیگر عمل کرد، محل خدشه است؛ به عبارت دیگر، خط قرمزها تعیین شده‌اند که چراغ راه تیم هسته‌ای در مذاکرات باشند. آن‌ها در عین حال که از علنی شدن آن بهترین استفاده را می‌کنند، حق ندارند از آن عبور کنند. بی تردید رد شدن از آن‌ها ضعفی مهم و نمره‌ای منفی برای کارنامه مذاکره‌کنندگان محسوب می‌شود؛ اما در مقام ارزیابی نتیجه مذاکرات، یعنی برجام، با توجه به بیانات رهبری درباره خط قرمزها، همچنین توصیه صریح مسئولان بررسی کننده به مطابقت با منافع ملی (و نه خط قرمزها)، نمی‌توان تنها راه ارزیابی را بررسی خطوط قرمز دانست؛ به همین دلیل حداقل می‌توان مدعی شد استفاده از دیگر روش‌ها برای بررسی برجام خلاف فرمایشات رهبری نیست.

تنزل دادن خط قرمزها به ابزار چانه‌زنی نادرست است

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا نباید در بررسی برجام به خط قرمزها توجه شود؟ آیا خط قرمزها صرفاً برای چانه‌زنی تعیین شده بود؟ بی‌تردید علنی کردن خط قرمزها یکی از عوامل قدرت‌آفرین برای چانه‌زنی تیم هسته‌ای بوده است و اگر این تدبیر نبود، ما امروز به بسیاری از دستاوردهایی که داریم، دست پیدا نمی‌کردیم؛ اما تنزل دادن خط قرمزها به ابزار چانه‌زنی هم کاری نادرست و غلط است؛ چراکه رهبری به صراحت بر نادرست بودن این گزاره که از خط قرمزهای علنی در جلسات خصوصی صرف نظر می‌شود، تأکید کردند. به عبارت دیگر، شاید یکی از اهداف علنی کردن خط قرمزها، بیشتر کردن قدرت چانه‌زنی بوده است؛ اما این به مفهوم تغییر آن‌ها نیست و حداقل براساس اطلاعات ما، مجوزی برای عبور از آن‌ها داده نشده است؛ به همین دلیل، گذشتن از آن‌ها به عنوان ضعف‌هایی مهم در برجام محسوب می‌شود. پس این سؤال مطرح می‌شود که ندادن مجوز عبور از خط قرمزها چگونه با ضرورت نداشتن شیوه بررسی خط قرمزها جمع‌شدنی است؟ ما نه تنها ادعا نکردیم که نباید خط قرمزها را بررسی کرد، بلکه در ابتدا تصریح کردیم یکی از روش‌های علمی برای بررسی اسنادی مثل برجام، همین شیوه است. ادعای ما این بود که الزام و

تأکید به اینکه جز به روشی دیگر نباید عمل کرد، نادرست است. بررسی براساس انطباق شاخص‌ها (خط قرمزها) هم ممکن است یکی از شیوه‌های بررسی باشد. حتی در موضوعاتی خاص، تنها باید با این روش ارزیابی کرد؛ اما در عین حال به نظر می‌رسد در بررسی به روش خط قرمزها، عمدتاً غیرعلمی و نادرست عمل می‌شود.

شیوه علمی بررسی به روش تعیین شاخص (خط قرمز)

در شیوه درست باید لیست تمام خطوط قرمز (شاخص‌ها) با رعایت تمام ابعاد موجود مشخص شود. درجه اهمیت خطوط قرمز نیز باید تعیین شود؛ چون همه شاخص‌ها یا خطوط قرمز از اهمیت یکسان برخوردار نیستند. حداقل باید شاخص‌های حیاتی (ما اینجا آن‌ها را خط قرمزهای استراتژیک می‌نامیم) از شاخص‌های غیر حیاتی (خط قرمزهای غیر استراتژیک) تفکیک شوند.

خط قرمزهای استراتژیک موضوعاتی هستند که در انطباق برجام با هدف‌گذاری اصلی تعیین شده نقش حیاتی دارند؛ یعنی اگر حتی یک عدد از آن‌ها رعایت نشده باشد، باعث می‌شود نتیجه به دست آمده ما را به هدف اصلی نرساند؛ در نتیجه می‌توان حکم بدبودن برجام را صادر کرد؛ اما رد شدن از خط قرمزهای غیراستراتژیک، حیاتی محسوب نمی‌شود و مایه نرسیدن به هدف‌های اصلی نخواهد شد. با مثال کمی موضوع روشن‌تر می‌شود. فرض کنید فردی برای ارزیابی همسر آینده خود، مجموعه خطوط قرمزی تعیین کند که از جمله آن‌ها یکی اهلیت و یکی دیگر قد بلند داشتن باشد. حال اگر گزینه‌ای را پیدا کرد که همه خطوط قرمز مد نظرش را داشت، اما فقط اهلیت او زیر سؤال بود، طبیعی است که فرد مذکور فقط با نداشتن این شاخص، شایسته ازدواج نیست؛ ولی اگر فردی بود که از همه جهات معنوی و مادی و خانوادگی کامل بود، اما فقط قدی کوتاه‌تر از خط قرمز تعیین شده داشت، آیا می‌توان آن را گزینه بدی برای همسری دانست؟

شایان توضیح است که خطوط قرمز غیر استراتژیک از این جهت اهمیت دارد که براساس آن‌ها می‌توان جزئیات را دقیق‌تر بررسی کرد و میزان رسیدن به نتیجه

دلخواه را تعیین کرد؛ به همین دلیل انحراف نامساعد در رعایت این خط قرمزها باید به همراه انطباق دیگر خط قرمزها برابندگیری شود و مثبت یا منفی بودن نتیجه کلی سنجیده شود.

گام سوم، انطباق نتیجه به دست آمده با خطوط قرمز است و نکته مهم در این مسئله، روشن کردن میزان انحراف مثبت یا منفی آن است. به عبارت دیگر، ممکن است نتیجه کاملاً در تضاد با خط قرمز باشد؛ ممکن است کاملاً رعایت شده باشد؛ ممکن است اندکی از خط قرمز عبور شده باشد و نباید هر کدام از این حالتها را با حکمی کلی رد یا قبول کرد.

به عنوان جمع بندی در بررسی خطوط قرمز، اول باید لیست همه خطوط قرمز تعیین شود. دوم، خطوط قرمز استراتژیک از غیر استراتژیک تفکیک شود و سوم، میزان انحراف مثبت یا منفی خط قرمزها روشن شود. چهارم اگر برجام از یک خط قرمز استراتژیک رد شده بود، باید آن را توافقی بد دانست و اگر همه این خط قرمزها رعایت شده بود، برابند تمام خط قرمزها سنجیده می شود و تصمیم گیری نهایی صورت می گیرد.

نقص اطلاعات ما و امکان پذیر نبودن بررسی جامع به شیوه خط قرمز

در موضوع برجام، نکته اساسی درباره روش تعیین خط قرمز این است که طبق فرمایش صریح رهبری، تمام خط قرمزهای تعیین شده اعلام علنی نشده اند و ما اطلاع از آنها نداریم؛ ضمن اینکه در نگاه ما برجام نتیجه دو سال گذشته نیست و آن را حاصل دوازده سال مذاکره می دانیم. برای اینکه برابندگیری ما کامل باشد، باید تمام خط قرمزهای پیشین را داشته باشیم تا در محاسبه برابند دچار خطا نشویم؛ به عنوان مثال، فرض کنید تمام خط قرمزهای علنی شده که رهبری تعیین کرده اند، به طور کامل رعایت شده باشد. آیا باز هم می توانستیم برجام را توافقی خوب بدانیم؟ اگر در برجام سایت فردو یا نطنز تعطیل شده بود یا رآکتور اراک تبدیل به آب سبک می شد (چون رهبری به صورت علنی هیچ خط قرمزی درباره این سه مسئله مطرح نکردند) آیا باز هم برجام توافقی خوب محسوب می شد؟ از طرف دیگر ممکن است در خط قرمزهای استراتژیک

علنی شده انحرافی دیده نشود؛ اما در خط قرمزهای غیر استراتژیک انحراف دیده شود. در وضعیتی که ما بسیاری از خط قرمزهای رعایت شده را نداریم، نمی‌توانیم در برابری بگوییم با توافق خوبی روبه‌رو نیستیم. بنابراین ما چون از همه خطوط قرمز اطلاع نداریم، نمی‌توانیم براساس روش خط قرمز تحلیلی جامع از برجام داشته باشیم. با اطلاعات موجود، این روش برای تصمیم‌گیری نهایی ما ناکارآمد خواهد بود؛ هرچند برای اعضای شورای عالی امنیت ملی یا مسئولان مرتبط می‌تواند مفید باشد.

ضرورت بررسی خط قرمزهای استراتژیک

باینکه امکان عمل به شیوه شاخص‌ها براساس اطلاعات ما ناممکن است، باید خط قرمزهای استراتژیک را تعیین و میزان رد شدن آن‌ها را بررسی کنیم؛ چراکه اگر حتی یکی از خط قرمزهای استراتژیک رد شده باشد، برجام به توافقی نپذیرفتنی تبدیل می‌شود.

پی‌نوشت

۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار خبرگان که بعد از تنظیم این تحلیل صورت گرفت، به‌روشنی نشان داد که بررسی خط قرمزها برای ارزیابی برجام از دیدگاه ایشان موضوعیت ندارد؛ چراکه ایشان در این دیدار اولاً بدون اشاره به خط قرمزها، براساس هدف مذاکرات موضوع را تحلیل کردند؛ ثانیاً با تقسیم مسائل به «مسئله برجام» و «مسئله بعد از برجام» روشن شد که اگر قرار بود با گذشتن از هر کدام از خط قرمزها برجام نپذیرفتنی شود، با توجه به عبور روشن از برخی خطوط قرمز، وارد شدن به بحث بعد از برجام بی‌معنا محسوب می‌شود؛ ثالثاً ایشان در این دیدار به‌نوعی بر اصل پذیرش محدودیت‌های تعیین‌شده منوط به رعایت لغو تحریم‌ها، حکم تأیید می‌زنند. به این مفهوم که اگر مسئله تحریم‌ها حل شود، از نظر ایشان محدودیت‌های پذیرفته‌شده تأیید است. نظر به اینکه بخش مهمی از خطوط قرمز رده‌شده مربوط به بخش محدودیت‌ها است، پس باز هم روشن می‌شود که نمی‌توان صرف رد شدن یک خط قرمز را ملاک بد بودن

توافق دانست. رابعاً ایشان به تصریح حداقل یک خط قرمز تعیین شده مربوط به تحریم‌های کنگره را تغییر دادند و به همین دلیل روشن شد که با نبود اطلاعات کافی نمی‌توان ارزیابی را براساس خط قرمزها صورت داد؛ به همین دلیل با روشن شدن بیانات رهبری شاید بهتر بود این بخش از کتاب حذف می‌شد؛ اما با توجه به حجم زیاد سؤالات مطرح شده در این زمینه و برای اینکه به نظر می‌رسد بیشتر از جزئیات بحث، نوع نگاه به مسئله خط قرمزها نیاز به روشنگری دارد تا در اهمیت خطوط قرمز تردید ایجاد نشود، این بخش با نکاتی که ممکن است در آن وجود داشته باشد یا براساس بیانات بعدی روشن شود، همچنان در کتاب باقی ماند؛ هرچند براساس بیانات رهبری در دیدار خبرنگاران، ارزیابی برج‌نام مبتنی بر خطوط قرمز موضوعیتی ندارد.

۲. بیانات رهبر انقلاب در جمع مسئولان نظام، ۲ تیر ۹۴: «اینکه آنچه بنده اینجا در این جلسه یا در جلسات عمومی می‌گویم، عیناً همان حرف‌هایی است که در جلسات خصوصی به مسئولین، به رئیس‌جمهور محترم و به دیگران می‌گویم. این خط تبلیغی‌ای که دیدیم و می‌بینیم دنبال می‌کنند که بعضی از خط قرمزهایی که رسماً اعلام می‌شود، در جلسات خصوصی از آن‌ها صرف نظر می‌شود، حرف خلاف واقع و دروغی است. آنچه ما اینجا به شما می‌گوییم یا در جلسات عمومی می‌گوییم، عیناً همان حرف‌هایی است که به دوستان، به مسئولین، به هیئت مذاکره‌کننده، همان‌ها را بیان می‌کنیم؛ حرف‌ها یکی است.»

۳. بیانات رهبر انقلاب در جمع مسئولان نظام، ۲ تیر ۹۴: «همه خطوط قرمزی هم که وجود داشته، این‌ها است که من عرض می‌کنم. ما یک چیزهایی را به عنوان نقاط اصلی ذکر کردیم. مهم‌ترین‌های این‌ها هستند؛ البته غیر از این‌ها هم چیزهایی هستند.»

۴. پاسخ به نامه رئیس‌جمهور درباره مذاکرات هسته‌ای، ۲۴ تیر ۹۴؛

۵. بیانات رهبر انقلاب مورخ ۲۷ تیر ۹۴؛

۶. پاسخ رهبر انقلاب به نامه رئیس‌جمهور درباره مذاکرات هسته‌ای در تاریخ ۲۴ تیر ۹۴ و بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز عید فطر و نیز دیدار مسئولان نظام مورخ ۲۷ تیر ۹۴.

فصل دوم

خطوط قرمز حیاتی و غیر حیاتی در برج‌ام

همان‌طور که در فصل پیش ذکر شد، در بررسی برج‌ام نمی‌توانیم تحلیلی جامع براساس روش شاخص‌ها داشته باشیم؛ چراکه فقط از خطوط قرمز علنی شده اطلاع داریم و همه خطوط قرمز تعیین‌شده در دسترس ما قرار ندارد؛ اما تصریح شد که بررسی خطوط قرمز علنی‌شده حداقل برای روشن‌شدن انحراف از خط قرمزهای استراتژیک مفید است؛ چون انحراف از آن‌ها ملاکی برای نپذیرفتن برج‌ام محسوب می‌شود و می‌توان حکم صادر کرد.

محدودیت در یافتن منظور اصلی از مفاهیم کلمات

به دلیل اینکه ما به عبارت‌های دقیق خطوط قرمزهای تعیین‌شده دسترسی نداریم، مجبوریم به مفاهیم عرفی عبارت‌های استفاده‌شده توسط رهبری بسنده کنیم؛ درحالی‌که ممکن است این عبارت‌ها با نیت‌های دیگری به کار برده شده باشند و بعداً معلوم شود که ایشان منظوره‌ای دیگری غیر از برداشت ما

مدنظرشان بوده است. این مسئله را نیز باید به عنوان احتمال خطا در تحلیل و محدودیتی در بررسی به روش خط قرمزها در نظر گرفت.

خط قرمزهای استراتژیک و هدف از مذاکرات

پیش از مذاکرات وین، بیانات رهبر انقلاب در دیدار با کارگزاران نظام در دوم تیرماه ۱۳۹۴ انجام شد. بیانات ایشان روشن کننده مهم ترین خطوط قرمز مربوط به آن دوره زمانی است؛ اما پیش از آنکه وارد تعیین و بررسی آنها شویم، برای اینکه بتوانیم خط قرمز استراتژیک را از غیر استراتژیک تفکیک کنیم، باید سراغ اهداف کلان مذاکره برویم. همان طور که از هوشمندی و انسجام فکری رهبر حکیم انقلاب انتظار می رود، این هدف گذاری در بخش دیگر این دیدار روشن شده است: «ما از اول، منطقی وارد شدیم، منطقی حرف زدیم، زیاده خواهی نکردیم. ما گفتیم طرف، یک تحریم ظالمانه ای را تحمیل کرده است، ما می خواهیم این تحریم برداشته بشود؛ خیلی خوب، این یک بدهستان است. حرفی نداریم که در این زمینه یک چیزی بدهیم، یک چیزی بستانیم تا تحریم ها برداشته بشود؛ اما صنعت هسته ای متوقف نباید بشود، لطمه نباید بخورد؛ این حرف اول است. از اول این حرف را زدیم و دنبال کردیم تا امروز.»

براساس این بیانات روشن می شود که در هدف گذاری کلان در این دوره زمانی، دو هدف کلان تعیین شده «برداشتن تحریم ها» و دوم «حفظ و لطمه نخوردن صنعت هسته ای» است؛ در نتیجه خط قرمزهایی که رعایت نشدن آن ها ما را از رسیدن به این دو هدف باز می دارد، استراتژیک و حیاتی است. علاوه بر این دو شاخص، براساس فرمایشات ایشان در دانشگاه افسری، به نظر می رسد مسائلی که باعث مخدوش شدن امنیت ملی ما شود را نیز می توان استراتژیک و حیاتی دانست.

انطباق برجام با خط قرمزها

خط قرمزهای علنی شده، ذیل سه محور بررسی می شوند:

خط قرمزهای مربوط به صنعت هسته‌ای

در راستای رسیدن به هدف صنعت هسته‌ای، دو خط قرمز تعیین شده است: محدودیت‌های بلند مدت: «یکی اینکه آن‌ها اصرار دارند بر محدودیت بلندمدت؛ ما گفتیم ما محدودیت ده سال و دوازده سال و مانند این‌ها را قبول نداریم؛ ده سال یک عمر است؛... محدودیت ده‌ساله را ما قبول نداریم؛ ما مقدار سال‌های معینی را که مورد قبول ماست به مجموعه هیئت مذاکره‌کننده گفته‌ایم که چه مقدار، محدودیت را قبول کرده‌ایم؛ اما تعداد سال‌های محدودیت را گفته‌ایم ده سال و دوازده سال و این چیزهایی که این حضرات می‌گویند قبول نداریم.»^(۱)

تحقیق و توسعه: «در همین مدّت محدودیت هم که ما قبول می‌کنیم، کار تحقیق و توسعه و ساخت و ساز باید ادامه پیدا کند که این هم از جمله خطوط قرمزی است که مسئولین محترم روی آن تکیه کردند؛ گفتند ما حاضر نیستیم از تحقیق و توسعه دست برداریم؛ حق با این‌ها است. در طول این سال‌های محدودیت هم، بایست تحقیق و توسعه ادامه داشته باشد. آن‌ها حرف دیگری می‌زنند؛ آن‌ها می‌گویند شما ده سال دوازده سال یا بیشتر هیچ کاری نکنید. بعد از آن شروع کنید به تولید، شروع کنید به ساخت؛ که این حرف زور مضاعفی است، حرف غلط مضاعفی است.»^(۲)

تحقیق و توسعه، خط قرمز استراتژیک

بی‌تردید خط قرمز تحقیق و توسعه از خطوط قرمز استراتژیک محسوب می‌شود؛ چراکه صنعت هسته‌ای بدون تحقیق و توسعه مفهومی واقعی نخواهد داشت؛ به‌ویژه صنعت هسته‌ای فعلی که به‌دلیل قدیمی و غیر اقتصادی بودن، نیاز به تحول دارد. همان‌طور که قبلاً نیز شرح دادیم، محدودیت‌های پذیرفته‌شده در تحقیق و توسعه تقریباً به‌طور کامل مطابق با «برنامه کلان هسته‌ای» ایران است؛ به عبارت دیگر، اگر این محدودیت‌ها نیز وجود نداشت، سرعت و کیفیت تحقیق و توسعه ما تفاوت چندانی نمی‌کرد. براساس بند یک مقدمهٔ برجام^(۳) و بندهای ۲۷ تا ۴۳ ضمیمهٔ یک برجام، با توجه به توضیحات تفصیلی در مطالب گذشته،

روشن شد که ما در تحقیق و توسعه از روز آغاز برای تحقیق و آزمایش بر روی سانتریفیوژهای پیشرفته خود و زنجیره‌های میانی، هیچ محدودیتی را نپذیرفتیم. فقط امکان آزمایش زنجیره ۳۰ تایی سانتریفیوژها را از اواسط سال هشتم به بعد قرار دادیم که در عمل مراحل اجرایی رسیدن به این مرحله زودتر از زمان مذکور نخواهد بود. ساخت سانتریفیوژهای پیشرفته نیز تا حد زیادی متناسب با برنامه ما بعد از پایان سال هشتم شروع می‌شوند.^(۴) بعد از پایان سال دهم نیز طبق بند یک مقدمه برجام و نیز مواد ۵۲ و ۶۳ ضمیمه یک برجام، همه اقدامات ما براساس برنامه‌ای خواهد بود که سازمان انرژی اتمی به آژانس اعلام می‌کند. براساس همین نکات است که رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز عید فطر بعد بر حفظ تحقیق و توسعه در متن تصریح کردند: «ده سال، دوازده سال کشمکش با جمهوری اسلامی، نتیجه [اش] این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سانتریفیوژ را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه این صنعت را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه تحقیقات و توسعه این صنعت را تحمل کنند. تحقیق و توسعه صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ گردش صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ این چیزی است که آن‌ها سال‌ها تلاش کردند، [اولی] امروز روی کاغذ آوردند و امضا دارند می‌کنند که حرفی ندارند.»

خط قرمز محدودیت زمانی، غیر استراتژیک و مطابق با توان هسته‌ای

همان‌طور که گفتیم، محدودیت‌های ده‌ساله و بیشتری که ما در حوزه صنعت هسته‌ای پذیرفته‌ایم، مربوط به موضوعاتی است که متناسب با «توان» و «برنامه» کلان هسته‌ای بوده است؛ به همین دلیل، تمام این مسئله جزو خطوط قرمز استراتژیک که به صنعت هسته‌ای ما لطمه می‌زند، محسوب نمی‌شود. محدودیت ده‌ساله تعداد سانتریفیوژهای IR-1 در نطنز با توجه به ضرورت از رده خارج کردن سانتریفیوژهای قدیمی و غیر اقتصادی IR-1، نساختن پانزده‌ساله رآکتور آب سنگین با توجه به ناکارآمد بودن این نوع رآکتورها، نیاز نداشتن

به غنی‌سازی بیشتر از ۳,۶۷ تا پانزده سال، پانزده سال ذخیرهٔ سیصد کیلوپی اورانیوم با توجه به امکان پذیر نبودن استفاده از اورانیوم تولیدی خودمان قبل از تست سوخت و لزوم مشخص بودن کیفیت استاندارد و... هیچ کدام لطمهٔ مهمی به صنعت هسته‌ای ما نمی‌زند.

در مجموع دربارهٔ شاخص‌های مربوط به هدف صنعت هسته‌ای می‌توان مدعی شد از خط قرمزهایی که غیر استراتژیک هستند، عبور شده و ضروری است در نگاهی برای پنداری سنجیده شود (که به دلیل نداشتن همهٔ خط قرمزها امکانش برای ما میسر نیست)؛ اما خود به تنهایی باعث نپذیرفتن برجام نمی‌شود.

خط قرمزهای مربوط به هدف «برداشتن تحریم‌ها»

در راستای رسیدن به هدف دوم، چند خط قرمز تعیین شده است:

لغو تحریم‌های اقتصادی، مالی و بانکی در هنگام امضا: «بنده تصریح می‌کنم، تحریم‌های اقتصادی و مالی و بانکی، چه آنچه به شورای امنیت ارتباط پیدا می‌کند، چه آنچه به کنگرهٔ آمریکا ارتباط پیدا می‌کند، چه آنچه به دولت آمریکا ارتباط پیدا می‌کند، همه باید فوراً در هنگام امضای موافقت‌نامه لغو بشود؛ بقیهٔ تحریم‌ها هم در فاصله‌های معقول [لغو بشود].»^(۵)

پیچیده و چند لایه‌ای نبودن: «البته آمریکایی‌ها در زمینهٔ تحریم‌ها یک فرمول پیچیدهٔ چند لایهٔ عجیب و غریبی را مطرح می‌کنند که اصلاً اعماق آن معلوم نیست؛ از انتهای آن چه در می‌آید هیچ معلوم نیست. عرض کردم بنده بیانم بیان صریح است. تعبیرات دیپلماسی را بنده خیلی بلد نیستم. آنچه ما می‌گوییم صریح و همین [است] که گفتیم؛ این مورد نظر ما است.»^(۶)

لغو تحریم‌ها منوط به اجرای تعهدات ایران نیست

«یک نکتهٔ اساسی دیگر اینکه لغو تحریم‌ها منوط به اجرای تعهدات ایران نیست؛ نمی‌شود بگویند شما راکتور آب سنگین اراک را خراب نکنید، سانتریفیوژها را به این تعداد کاهش بدهید، این کارها را نکنید، آن کارها نکنید، بعد که کردید، بعد آن وقت آژانس بیاید شهادت بدهد، گواهی کند که شما راست می‌گویید و

این کارها را انجام داده‌اید، بعد ما تحریم‌ها را برداریم! نه، این را ما مطلقاً قبول نداریم؛ لغو تحریم‌ها منوط به اجرای تعهداتی که ایران می‌کند نیست؛ البته لغو تحریم یک مراحل اجرایی‌ای دارد. ما این را قبول داریم؛ اجرائیات لغو تحریم با اجرائیاتی که ایران به عهده می‌گیرد، باید متناظر باشند؛ بخشی از این در مقابل بخشی از آن، بخش دیگری از این در مقابل بخش دیگری از آن.^(۸)

لغو تحریم‌ها نباید منوط به گزارش آژانس شود: «یک نکته اساسی دیگر این است که ما با موکول کردن هر اقدامی به گزارش آژانس مخالفیم. ما به آژانس بدبینیم؛ آژانس نشان داده که هم مستقل نیست، هم عادل نیست؛ مستقل نیست زیرا تحت تأثیر قدرت‌ها است؛ عادل نیست [چون] بارها و بارها برخلاف عدالت حکم کرده و نظر داده. به‌علاوه، اینکه بگویند «آژانس باید بیاید اطمینان پیدا کند که فعالیت هسته‌ای در کشور نیست» این یک حرف غیر معقولی است. خب، چه جور می‌شود اطمینان پیدا کند؟ اصلاً اطمینان پیدا کردن [یعنی چه]؟ مگر تک‌تک خانه‌ها و وجب به وجب سرزمین کشور را این‌ها بگردند! چه جوری می‌شود اطمینان پیدا کرد؟ موکول کردن به این مسئله، نه منطقی است، نه عادلانه است.»^(۸)

براساس هدف تعیین شده یعنی برداشته شدن تحریم‌ها، هر خط قرمزی که رد شدن از آن مانع رسیدن به این هدف باشد، استراتژیک محسوب می‌شود و آنچه مانع نباشد، غیراستراتژیک است.

خلاصه خط قرمزهای رفع تحریم‌ها

به‌طور خلاصه این خط قرمز مسئله را به شش بخش تقسیم می‌کند:

اول: برداشته شدن تحریم‌ها در آغاز فرایند؛

دوم: پیچیدگی نداشتن و چندلایه بودن برداشتن تحریم‌ها؛

سوم: مفهوم «لغو» تحریم‌ها؛

چهارم: لغو تحریم‌ها در زمان امضا و منوط نبودن به اجرای تعهدات ایران؛

پنجم: متناظر بودن لغو تحریم‌ها؛

ششم: منوط نبودن لغو تحریم‌ها به گزارش آژانس؛

برداشتن تحریم‌ها و شفافیت؛ خط قرمزهای استراتژیک

براساس هدف «برداشته‌شدن تحریم‌ها»، آنچه خط قرمز استراتژیک محسوب می‌شود این است که همه تحریم‌های اقتصادی و پولی و بانکی در آغاز فرایند به‌صورتی شفاف و تفسیرناپذیر برداشته شود (اعم از لغو، تعلیق یا توقف). طبق فکت‌شیت آمریکا از لوزان و سخنان مقامات این کشور بعد از آن مبنی بر «تخفیف تحریم‌ها» و «رفع تدریجی» آن‌ها،^(۱) احتمال اینکه در تحریم‌های ترکیبی (به‌عنوان مثال هم هسته‌ای هم تروریستی) ساختار تحریم حفظ شود، جدی بود.

در ادامه به موضوع لغو تحریم‌ها خواهیم پرداخت؛ اما در این بخش مبتنی با هدف اصلی که رهبری «برداشته‌شدن تحریم‌ها» اعلام کرده است، خط قرمز استراتژیک همان برداشته‌شدن تحریم‌ها (یعنی رفع تحریم‌ها) تعیین می‌شود که همه شقوق لغو، تعلیق و توافق را شامل می‌شود.

می‌توان با اطمینان گفت که این بخش استراتژیک رعایت شده است و تحریم‌های هسته‌ای اقتصادی و بانکی در آغاز فرایند بدون مرحله‌ای شدن آن‌ها و بدون امکان تفسیر (فارغ از اینکه دلیل تحریم‌ها چیست، محورهای تحریمی لیست شده است) برداشته می‌شود.^(۲) تحریم‌ها چه لغو، چه تعلیق و چه متوقف شود، هدف اعلام‌شده رهبری را شامل می‌شود. برخی نقدها به بخش‌های بعدی خط قرمز بر می‌گردد؛ به همین دلیل می‌توان در این حوزه نیز مدعی شد خط قرمز استراتژیک عبور نشده است.

لغو یا تعلیق

در این زمینه دو دیدگاه مطرح است؛ دیدگاه اول می‌گوید مراد رهبری برای استفاده از کلیدواژه «لغو» حقوقی نبوده است؛ بلکه برداشته‌شدن تحریم‌ها مد نظر بوده است. براساس استدلال این دیدگاه، چون ایشان در همین فراز از عبارت «لغو تحریم‌های کنگره» هم سخن می‌گویند و چون روشن است که با توجه به جمهوری خواه بودن کنگره امکان گرفتن مصوبه برای لغو تحریم‌های کنگره

وجود ندارد، طراحی برجام از ابتدا بر محور متوقف شدن این تحریم‌ها در دولت اوباما بوده است؛ پس استفاده رهبری از کلیدواژه لغو اگر با منظور بار حقوقی آن بود، در عمل به مفهوم شکست مذاکرات تلقی می‌شود؛ اما چون رهبری در همین دیدار، مجدد بر اصل رسیدن به توافق تصریح می‌کنند،^(۱۱) پس منطقاً نباید نظر ایشان از لغو، بار حقوقی آن (در برابر توقف و تعلیق) محسوب شود؛ بلکه مراد ایشان مفهوم عرفی لغو یعنی همان برداشته شدن تحریم‌ها است.^(۱۲) اگر این دیدگاه پذیرفته شود، باید پذیرفت که از این خط قرمز هم عبور نشده است. اگر این دیدگاه پذیرفته نشود و مراد از کلمه لغو، مفهومی در برابر تعلیق و توقف محسوب شود، باید تصریح کرد که از این خط قرمز گذر شده است؛ چراکه اولاً تحریم‌های مربوط به کنگره آمریکا به جای لغو شدن، متوقف می‌شود؛ ثانیاً قانون اجرایی تحریم‌های مربوط به اتحادیه اروپا لغو می‌شود؛ اما قانون تصمیم سیاسی مربوط به آن تحریم تعلیق می‌شود؛ به همین دلیل نمی‌توان آن را به معنای واقعی لغو محسوب کرد. در عین حال حتی اگر دیدگاه دوم را نیز بپذیریم، چون تحریم‌ها برداشته می‌شود، از خط قرمز استراتژیکی عبور نشده است؛ چون همان‌طور که ذکر شد، هر کدام از این موضوعات به مفهوم برداشته شدن تحریم‌ها است.

لغو تحریم‌ها در زمان امضا

می‌توان مدعی شد که این خط قرمز باینکه غیراستراتژیک محسوب می‌شود، رعایت شده است؛ چون طبق برجام در روز تصویب، هم تحریم‌های هسته‌ای مربوط به قطعنامه‌های سازمان ملل لغو می‌شود، هم مصوبات و ابلاغیه‌های رفع تحریم‌ها پیش از شروع اقدامات ایران صادر می‌شود.^(۱۳) به صحت این ادعا وقتی می‌توان اطمینان کرد که رهبر انقلاب تصریح می‌کنند: «البته لغو تحریم یک مراحل اجرایی‌ای دارد. ما این را قبول داریم؛ اجرائیات لغو تحریم با اجرائیاتی که ایران به عهده می‌گیرد، باید متناظر باشند؛ بخشی از این در مقابل بخشی از آن، بخش دیگری از این در مقابل بخش دیگری از آن.»^(۱۴)

منظور از اینکه می‌فرمایند «لغو تحریم‌ها یک مراحل اجرایی‌ای دارد» چیست؟ آیا لغو تحریم‌ها جز صدور و ابلاغ مصوبه و بخشنامه‌های مربوط است؟ پس وقتی این مصوبات قبل از اقدامات اجرایی ایران شروع می‌شود، می‌توان مدعی شد لغو تحریم‌ها در زمان امضا با رعایت مراحل اجرایی صورت گرفته است.

متناظر بودن لغو تحریم‌ها با اقدامات ایران

این خط قرمز غیراستراتژیک محسوب می‌شود؛ چون نرسیدن به آن برای محقق شدن رفع تحریم‌ها حیاتی محسوب نمی‌شود. همان‌طور که در فصل‌های پیشین ذکر شد، متناظر بودن اقدامات از روز تصویب تا روز اجرا رعایت نشده است و با این فرمایش رهبری که «بخشی از آن در برابر بخش دیگری باشد» تناسب ندارد؛ پس به‌عنوان ضعف در برجام محسوب می‌شود؛ چراکه اقدامات ایران در این مدت روی زمین و اقدامات آن‌ها روی کاغذ صورت می‌گیرد. مگر آنکه در اجرای برجام با استفاده از حفره‌هایی که به‌نفع ایران است و با بهره‌بردن از ظرفیتی مانند کمیسیون مشترک به‌گونه‌ای عمل کرد که اجرای اقدامات ایران بازگشت‌پذیری سریعی داشته باشد و به‌نوعی تعلیق هم محسوب شود.

با این وجود، رعایت این تناظر برای بعد از روز اجرا تا روز انتقالی که بدنه اصلی برجام محسوب می‌شوند، رعایت شده است؛ چراکه مصوبه کنگره و لغو کامل قانون اجرایی تحریم‌های کنگره در برابر تصویب نهایی پروتکل الحاقی در تناظر قرار داده شده است.^(۱۵) درباره بعد از روز انتقالی نیز ذکر کردیم که به نظر می‌رسد اضافه شدن دو سال بین روز انتقالی تا خاتمه، به‌عنوان امتیازی محسوب می‌شود که به طرف مقابل داده شده است؛ اما این عبور از خط قرمزهای استراتژیک محسوب نمی‌شود. باید در محک تحلیل داده‌ستانده و بررسی دقیق حقوقی و سیاسی، ارزیابی شود.

موکول نبودن هر اقدامی به گزارش آژانس

درباره موکول کردن هر اقدامی به گزارش آژانس می توان مدعی شد در عین حال که این خط قرمز غیر استراتژیک است و برای دو هدف اصلی صنعت هسته ای و رفع تحریم ها حیاتی محسوب نمی شود، اما در برجام این خط قرمز رعایت شده است.

اگر بیانات ایشان را یک بار دیگر مرور کنیم، به روشنی درمی یابیم که منظور ایشان از گزارش آژانس، نظر این سازمان درباره فعالیت های ایران است، نه راستی آزمایی عینی تعهدات ایران.

ایشان ابتدا تصریح می کنند که «به با موکول کردن هر اقدامی به گزارش آژانس مخالفیم» و دلیل آن را سابقه ای که از آژانس داریم ذکر می کنند. نکته اول این مسئله است که در پرونده هسته ای ایران، تجربه منفی ما از آژانس فقط زمانی بوده که «نظر کیفی» خودش را درباره فعالیت های هسته ای ایران (به عنوان مثال صلح آمیز بودن فعالیت ایران) اعلام کرده است. هیچ گاه در تجربه ما، آژانس در «راستی آزمایی عینی» خلاف عدالت حکم نکرده است؛ اما نکته مهم تر آن است که ایشان در ادامه به صراحت عبارت «اینکه بگویند آژانس باید اطمینان پیدا کند که فعالیت هسته ای در ایران نیست»^(۱۶) را به عنوان موضوعی که نمی توان قبول کرد، ذکر می کنند. این گزاره روشن می کند که منظور ایشان از گزارش آژانس، از قبیل این نوع گزارش های کیفی است: «اینکه بگویند آژانس باید بیاید اطمینان پیدا کند که فعالیت هسته ای در کشور نیست، این یک حرف غیر معقولی است. ...موکول کردن به این مسئله، نه منطقی است، نه عادلانه است.»^(۱۷)

هیچ اقدامی به نظر آژانس موکول نشده است

می توان گفت این مسئله از قوت های مهم برجام محسوب می شود. هیچ یک از مراحل برجام به این قبیل گزارش های آژانس موکول نشده است. در بحثی که غربی ها آن را PMD می نامند، فقط ایران باید طبق نقشه راه تفاهم شده اقدامات خود را انجام دهد^(۱۸) و اهمیتی ندارد که آژانس چه نظری در این باره می دهد؛

همچنین در روز انتقالی و در روز خاتمه، چه آژانس گزارش بدهد و چه ندهد، طرف مقابل به انجام تعهداتش مبنی بر لغو تحریم‌های کنگره یا لغو قطعنامه ۲۲۳۱ و عادی‌شدن پرونده ایران، ملزم شده است.^(۱۹)

خط قرمزهای مربوط به حوزه نظارت‌ها و بازرسی‌ها^(۲۰)

خط قرمزهای تعیین‌شده در حوزه نظارت‌ها و بازرسی‌ها عبارت‌اند از:

- با بازرسی‌های غیرمتعارف هم‌بنده موافق نیستیم؛
- پرس‌وجوی از شخصیت‌ها را هم به‌هیچ‌وجه قبول ندارم و موافق نیستیم؛
- بازرسی از مراکز نظامی را هم نمی‌پذیریم، همچنان که قبلاً هم گفتیم؛
- زمان‌های ۱۵ سال و ۲۵ سال که مدام می‌گویند ۱۵ سال برای فلان چیز، ۲۵ سال برای فلان چیز و این زمان‌های این‌جوری را هم ما قبول نداریم.

بررسی انطباق خط قرمزها

در این حوزه، موضوعاتی که باعث مخدوش‌شدن امنیت ملی ما می‌شود، خط قرمز استراتژیک محسوب می‌شود و دیگر مسائل را می‌توان خط قرمزهای غیراستراتژیک دانست.

در حوزه بازرسی‌های غیرمتعارف باید گفت که پایه نظارت‌های برجام بر پروتکل الحاقی است که نوعی نظارت متعارف محسوب می‌شود؛ به همین دلیل در کلیت خط قرمز رعایت شده است. همان‌طور که قبلاً به تفصیل تشریح شد، طبق بند ۷۸ ضمیمه یک برجام در وضعیتی که بین ایران و آژانس در نوع بازرسی تفاهم صورت نگیرد، اختلاف به کمیسیون مشترک ارجاع می‌شود. الزام به تمکین در برابر رأی این کمیسیون می‌تواند پاشنه آشیل حقوقی محسوب شود که از طریق آن بتوان در صورتی که اراده سیاسی ۵ عضو از کمیسیون مشترک تعلق گیرد، بر ایران برای بازرسی فشار آورند؛ پس می‌توان از لحاظ حقوقی این بخش برجام را رد شدن از خط قرمزی استراتژیک دانست؛ اما قبلاً نیز شرح داده شد که این ضعف در مقام اجرا، در بدترین حالت، باعث نمی‌شود که ما اجازه مخدوش‌شدن امنیت ملی خود را بدهیم. این ضعف باعث می‌شود که هزینه

سیاسی نقض برجام به دوش ما بیافتد. در فرایند بازگشت پذیری، ما در بدترین حالت ضرر نمی‌کنیم؛ به این دلیل رد نکردن برجام در صورت اقدامات لازم هنگام تصویب و اجرای برجام توجیه پذیر می‌شود و ما در مقام عمل از خط قرمز استراتژیک رد نخواهیم شد. به طور خلاصه درباره این خط قرمز کلیت برجام بر پایه نظارتی متعارف پایه گذاری شده است که مطابق خط قرمز است. درباره نگرانی مطرح شده نیز خطری برای مخدوش شدن امنیت ملی وجود ندارد و خط قرمز استراتژیک عبور نشده است.

خط قرمزهای دوم و سوم یعنی پرس‌وجو نکردن با شخصیت‌ها و بازرسی از مراکز نظامی به عنوان خط قرمزهای استراتژیک، به تقاضاهای مربوط به حل مسئله برنامه‌های گذشته ایران که آن‌ها عنوان PMD به آن داده‌اند، مربوط می‌شود. براساس نقشه راه تعیین شده بین ایران و آژانس و براساس اخبار مقامات رسمی و... (که آسوشیتدپرس بخشی از آن را افشا کرد) این خطوط قرمز به طور کامل رعایت شده است.

درباره زمان‌های ۱۵ سال و ۲۵ سال برای نظارت‌ها نیز باید اولاً تصریح کرد که این موضوع با توجه به اینکه در برنامه هسته‌ای ایران انحرافی به سمت فعالیت‌های نظامی وجود ندارد، لذا این خط قرمز که صرفاً مربوط به نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران است، استراتژیک محسوب نمی‌شود؛ ثانیاً با توجه به بند ۱۵ مقدمه و بندهای ۶۸ و ۶۹ و ۷۹ ضمیمه یک برجام، از این خط قرمزها عبور شده است.

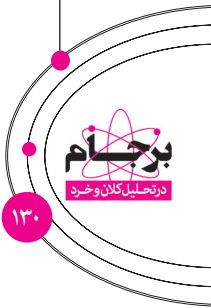
برای اطمینان از مخدوش نشدن امنیت ملی به عنوان خط قرمز استراتژیک می‌توان باز هم به خطبه‌های نماز عید فطر رجوع کرد: «چه این متن تصویب بشود و چه نشود، به حول و قوة الهی، اجازه هیچ‌گونه سوءاستفاده‌ای از آن داده نخواهد شد. اجازه خدشه در اصول اساسی نظام اسلامی به کسی داده نخواهد شد. قابلیت‌های دفاعی و حریم امنیت کشور، به فضل الهی حفظ خواهد شد. اگرچه می‌دانیم دشمنان بر روی این نقطه بخصوص، تکیه زیادی دارند.»^(۳۱)

جمع بندی

می‌توان این گونه بحث را خلاصه کرد که گرچه رهبری انقلاب در بررسی برجام مسئولان را به بررسی خطوط قرمز توصیه نکرده‌اند و محوریت بحث را منافع و مصالح ملی ذکر کرده‌اند، اما بررسی خطوط قرمز می‌تواند یکی از روش‌های بررسی برجام باشد. عبور از خط قرمزها (در صورت عبور) به معنای نمره منفی کارنامه تیم مذاکره‌کننده و ضعف در برجام محسوب می‌شود؛ اما در بررسی برجام براساس خط قرمزها باید مبتنی بر اصول علمی حاکم بر آن ارزیابی را انجام داد و نمی‌توان با ساده‌سازی غیرکارشناسی حکم‌هایی کلی صادر کرد.

به دلیل اینکه رهبری تمام خطوط قرمز را به صورت علنی اعلام نکرده‌اند، نمی‌توان به کمک این روش، تحلیلی جامع داشت؛ اما در عین حال بررسی خطوط قرمز علنی شده مهم است؛ چون اگر از خط قرمز استراتژیکی عبور شده باشد، این متن را تبدیل به توافقی بد می‌کند. در بررسی صورت گرفته روشن شد که ما از خط قرمز استراتژیکی که دو هدف اصلی یعنی برداشته شدن تحریم‌ها و نیز حفظ و رشد صنعت هسته‌ای را تحت الشعاع قرار دهد، عبور نکرده‌ایم؛ همچنین در حوزه امنیت ملی نیز از خط قرمز استراتژیکی که امنیت ملی ما را مخدوش کند، نگذشته‌ایم. نگرانی‌هایی که در این باره وجود دارد؛ اما می‌توانیم در زمان اجرا آن را رعایت کنیم و در بدترین حالت به عنوان ناقض برجام، فرایند بازگشت‌پذیری که در آن ضرر نمی‌کنیم، آغاز کنیم.

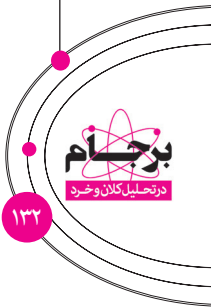
درباره خط قرمزهای غیر استراتژیک نیز روشن شد که در برخی موضوعات، این مسئله رعایت شده است. زمانی که با انحراف‌هایی که اندازه‌های متفاوت دارند روبه‌رو می‌شویم، باید انحراف‌های مثبت و منفی با این خط قرمزها برابری شود. همان‌طور که ذکر شد، به دلیل در دسترس نبودن همه خط قرمزها، برای ما امکانش مهیا نیست.



موضوع	محور خط قرمز	استراتژیک / غیر استراتژیک	رد شده / رد نشده / نوع رد شدن	توضیحات	جمع بندی
خلاق مبرهای مربوط به صنعت هسته‌ای	محدودیت‌های زمانی و اجرائی مربوط به تحقیق و توسعه	غیر استراتژیک	رد شده	- در مجموع درباره شاخص‌های مربوط به هدف صنعت هسته‌ای می‌توان مدعی شد از خط قرمهایی که غیر استراتژیک هستند عبور شده و ضروری است در گامی پرابندی نتیجه‌شود (که به دلیل نداشتن همه خط قرمزها امکانی برای ما میسر نیست)؛ اما خود پتانسیل‌های باعث پذیرفتن برجام نمی‌شود. - محدودیت‌ها عموماً مطابق با توان و برنامه کلان، هسته‌ای ماست.	رهبر انقلاب: «این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سلیتر یخچول را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند که در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه تحقیقات و توسعه این صنعت را تحمل کنند؛ تحقیق و توسعه صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ این چیزی است که آن‌ها سال‌ها تلاش کردند، از این امروز روی کاغذ آوردند و امضا دارند می‌کنند که حرفی ندارند.» بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های عید سعید فطر؛ ۱۳۹۴

موضوع	محور خط قرمز	استراتژیک / غیر استراتژیک	رد شده / رد نشده / نوع رد شدن	توضیحات	جمع بندی
خط قرمزهای مربوط به تحریرها	بر داشته شدن تحریرها در آغاز فرایند	استراتژیک	رد نشده	تحریرهای هسته‌ای اقتصادی/ در آغاز فرایند و بدون تخفیف یا مرحله‌ای شدن بر داشته می شود	از خط قرمز استراتژیک رد نشده است.
	پیچیدگی ناشی و چند لایه نبودن برداشتن تحریرها		رد نشده	چون روشن بود که لوها برای لو را دیگر از کشور و جمهوری خواه موهبه بگیرد این نوعی به نظر می رسد و عمل با پشت شکست ماکارات می شود و به این دلیل که رهبر انقلاب برده گفتند که از توافق خوب حمایت می کنند احتمال اینکه منظور رهبری از لو بر داشته شدن تحریرها باشد بیشتر است	بر اساس برداشت از لو خط قرمز غیر استراتژیک لو ممکن است رد شده باشد یا نه مسئولان می توانند با مراجعه به اوضاعهای رهبری منطقی ارسال از لو را روشن کنند
	«لغو» تحریرها؛ چه تحریرها لغو شود چه تعاقب و توقف با هدف برداشته شدن تحریرها	غیر استراتژیک	رد شده	در روز تصویر، تحریرهای هسته‌ای سازمان ملل بر داشته می شود و معنویات و اوضاعهای تحریری بعضی اطلاعات اروپا و آمریکا صادر می شود	از خط قرمز غیر استراتژیک رد نشده رهبر انقلاب لو تحریر یکم اصل اجرایی ای دارد ماین اقبال در این با مراجعه به تحریرها اجرایی که اجرا شده می گردد باید متناظر ایران به عید می گردد باید متناظر باشند»
	لغو تحریرها در زمان لغو	غیر استراتژیک	رد شده	از روز تصویر تا روز اجرا (چند ماه)	افقاعات ایران روی زمین است، اما افقاعات طرف مقابل روی کفند
	تنظیم لو تحریرها با افقاعات ایران؛ در اصل هدف رفع تحریرها تا تیری نبی گلرد	غیر استراتژیک	رد نشده	معهبه کنگره برای لو تحریرها در برابر تصویر نهایی پروکل به مجلس متناظر شده است	در موضوعی از خط قرمز رد شده و در باره بدنه اصلی دوره برجام عایت شده است
از روز لغت تا خاتمه (۶ سال)		رد شده	از روز لغت تا خاتمه (۶ سال)	استازی است که به حرف مقابل داده شده و ضعف است البته آن را باید در چارچوب داده‌ها و ستاده‌ها تحلیل کرد	





موضوع	محور خط قرمز	استراتژیک / غیر استراتژیک	رد شده / رد نشده / نوع رد شدن	توضیحات	جمع بندی
خطا قرمزهای مربوط به تحریرها	موکل نبودن اقدامات ایران به گزارش آژانس	استراتژیک چون بر اساس تجربیات گذشته موکل کردن برجام به نظر کیفی آژانس به معنای انجام ندادن تعهدات طرف مقابل و نرسیدن به هدف رفع تحریرها است	رد نشده؛ چون بر اساس دقت در کل فرمایش رهبری منظور رهبری از گزارش آژانس، نظر کیفی آژانس است، چرا که در ادامه صحبت تصریح می کنند: اینکه بگویند آژانس باید بیا به اطمینان پیدا کند که فعالیت هسته ای در کشور نیست، این یک حرف غیر معقولی است، و این یک نظر کیفی است نه راستی آزمایی عینی	در باره PMD برجام منوط به اقدامات ایران و طبق تقسime راه توافقی شده است و به نظر تأییدی آژانس در این باره منوط نشده است	خطا قرمز رد نشده است

[illegible]

پی‌نوشت‌ها

۱. بیانات رهبر انقلاب در جمع مسئولان نظام، ۲ تیر ۱۳۹۴؛

۲. همان؛

۳. بند یک مقدمهٔ برجام: «طرح بلندمدت ایران برخی محدودیت‌های توافق‌شده دربارهٔ همهٔ فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم از جمله برخی محدودیت‌های مشخص در برخی فعالیت‌های خاص تحقیق و توسعه برای هشت سال نخست را شامل می‌شود که تکامل تدریجی با یک سرعت معقول به سمت مرحلهٔ بعدی فعالیت‌های غنی‌سازی ایران برای اهداف منحصراً صلح‌آمیز، به‌نحو موصوف در پیوست ۱ را در پی خواهد داشت. ایران به تعهدات داوطلبانهٔ خود، به‌نحو شرح داده‌شده در برنامهٔ بلندمدت غنی‌سازی و تحقیق و توسعهٔ غنی‌سازی خود که به‌عنوان بخشی از اعلامیهٔ اولیهٔ ایران در اجرای پروتکل الحاقی ارائه خواهد شد، پایبند خواهد بود.»

۴. بند ۶۳ ضمیمهٔ یک برجام؛

۵. بیانات رهبر انقلاب در جمع مسئولان نظام، ۲ تیر ۱۳۹۴؛

۶. همان؛

۷. همان؛

۸. همان؛

۹. «ایران در صورتی که به‌شکلی قابل‌راستی‌آزمایی به تعهدات خود پایبند باشد، تخفیف تحریمی دریافت خواهد کرد»، فکت‌شیت آمریکایی‌ها از بیانیهٔ لوزان، سایت رسمی کاخ سفید، ۲ آوریل ۲۰۱۵، (www.state.gov)؛

۱۰. بندهای ۲ تا ۱۸ ضمیمهٔ پنجم برجام و بندهای مرتبط به آن در ضمیمه دوم برجام؛

۱۱. «ما حاضر بودیم هزینه هم بدهیم؛ یعنی ما عقیده نداریم که در یک مذاکره هیچ هزینه‌ای نباید داد، هیچ عقب‌گردی نسبت به بخشی از موضوعات نباید کرد؛ نه، به‌قدر صحیح و منطقی و عقلایی حاضر به هزینه‌دادن هم بودیم؛ منتها ما دنبال توافق خوب بودیم.» بیانات در جمع مسئولان نظام، ۲ تیر ۱۳۹۴؛

«با وجود اینکه من خوش‌بین نبودم به مذاکره با آمریکا، با این مذاکرات موردی، مخالفت نکردم، موافقت کردم؛ از مذاکره‌کنندگان هم با همه وجود حمایت کردم... اگر کسی بگوید که ما مثلاً با توافق یا با رسیدن به یک نقطه مخالفیم، نه، خلاف حق و خلاف واقع گفته است. اگر یک توافقی انجام بگیرد که این توافق، توافقی باشد که منافع ملت را، منافع کشور را تأمین بکند، بنده کاملاً با آن موافقت خواهم کرد.» بیانات در جمع مداحان، ۲۰ فروردین ۱۳۹۴؛

۱۲. با توجه به اینکه این تحلیل قبل از بیانات رهبری در دیدار با خبرنگاران تنظیم شده است، این دو حالت در نظر گرفته شده است؛ اما بیانات ایشان در این دیدار روشن کرد که منظور ایشان از لغو به معنای حقوقی آن بوده است؛ اما در عین حال باید توجه کرد که ایشان در همین بیانات خط قرمز قبلی تعیین شده که تحریم‌های کنگره نیز باید لغو شود را از لیست لغو تحریم‌ها خارج کردند؛ به عبارت دیگر، دلیل در نظر گرفتن حالت اول برطرف شده است.

۱۳. بندهای ۶ تا ۱۳ ضمیمه ۵ برجام؛

۱۴. بیانات رهبر انقلاب در جمع مسئولان نظام، ۲ تیر ۱۳۹۴؛

۱۵. بند ۸ مقدمه برجام و بند ۲۲ در ضمیمه ۵ برجام؛

۱۶. بیانات رهبر انقلاب در جمع مسئولان نظام، ۲ تیر ۱۳۹۴؛

۱۷. همان؛

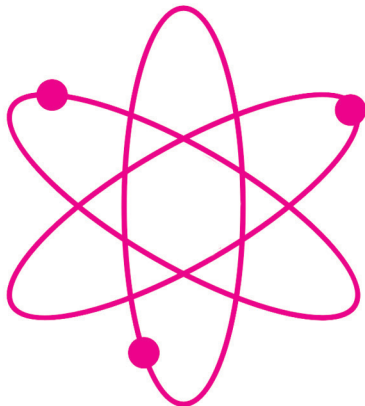
۱۸. بند ۱۴ مقدمه و ۶۶ ضمیمه یک برجام؛

۱۹. بندهای ۱۹ و ۲۳ و ۲۴ ضمیمه ۵ برجام؛

۲۰. بیانات رهبر انقلاب در جمع مسئولان نظام؛ ۲ تیر ۱۳۹۴.

۲۱. با توجه به اینکه این تحلیل قبل از بیانات رهبری در دیدار با خبرنگاران تنظیم شده است، این دو حالت در نظر گرفته شده است؛ اما بیانات ایشان در این دیدار روشن کرد که منظور ایشان از لغو به معنای حقوقی آن بوده است؛ اما در عین حال باید توجه کرد که ایشان در همین بیانات خط قرمز قبلی تعیین شده که تحریم‌های کنگره نیز باید لغو شود را از لیست لغو تحریم‌ها خارج کردند؛ به عبارت دیگر، دلیل در نظر گرفتن حالت اول برطرف شده است؛

۲۲. بیانات رهبر انقلاب در نماز عید فطر، ۲۷ تیر ۱۳۹۴.



بخش چهارم

اختتام

فصل اول

هفت عامل موفقیت ذیل دوازده سال پیشرفت و استقامت

چه این برجام در ایران و آمریکا نهایی شود و چه نشود، تا همین جا دستاوردهای شایان توجهی برای ما به ارمغان آورده است. حال سؤال این است که این دستاوردها ناشی از چه دارایی‌هایی است. آیا تیم هسته‌ای با دیپلماسی صرف و بدون داشته خاصی طرف مقابل را به نشستن پای میز مذاکره و دادن این امتیازها مجبور کرد؟ اگر می‌توانست پس چرا حدود ده سال پیش و بعد از توافق پاریس، همین تیم هسته‌ای با نرمش‌های متعدد نتوانست حتی مجوز نگاه داشتن چند عدد سانتیفریوژ را بگیرد؟

در یک نگاه واقع‌بینانه می‌توان هفت عامل کلیدی را در به نتیجه رسیدن مذاکرات برشمرد:

مدیریت هوشمندانه رهبر انقلاب

چه در داخل و چه خارج، بر کسی تأثیرگذاری مدیریت هوشمندانه رهبر انقلاب پوشیده نیست. سیاست‌های مذاکره و مدیریت راهبردی ایشان در طول دوازده سال، متناسب با ویژگی‌های دولت‌ها، نقش مهمی در گذشتن از پیچ‌وخم‌های پرونده هسته‌ای داشته است. زمانی که در آغاز پرونده‌سازی علیه ایران اعتمادسازی ضرورت داشت، آقای روحانی و خاتمی این راهبرد را پیاده کردند. هنگامی که مشخص شد پیشرفت‌های هسته‌ای ما باید به مرحله برگشت‌ناپذیری برسد تا بتوان امتیازی گرفت، رهبر انقلاب از ویژگی‌های آقای احمدی‌نژاد استفاده کردند و با مسئولیت آقایان لاریجانی و جلیلی، سیاست پیشرفت هسته‌ای را برای افزایش قدرت چانه‌زنی در پیش گرفتند. هنگامی که ما به پیشرفت‌های هسته‌ای کافی و برنامه‌ریزی شده رسیدیم، رهبر انقلاب هوشمندانه از فرصت تغییر دولت استفاده کردند و پرونده را از بن بست خارج کردند.

اخم به موقع

تأثیرگذاری مهم دیگر ایشان به اخم‌های به موقع برمی‌گشت. مذاکره ترکیبی از مجموع اخم و لبخند است. گاهی باید اخم کرد تا طرف مقابل موضع سرسختانه شما را بهتر درک کند و حاضر به عقب‌نشینی شود. گاهی در موقع لازم باید لبخند زد تا زمینه تفاهم فراهم شود. متأسفانه تیم هسته‌ای فعلی در حوزه اخم در دیپلماسی، ضعف‌های زیادی داشت و وظیفه این اخم کردن به دوش رهبر انقلاب افتاده بود. ایشان در زمان‌های نزدیک به دوره‌های مختلف مذاکرات، صحبت‌های به‌ظاهر تندی را مطرح می‌کردند و مواضع قاطعانه‌ای می‌گرفتند. تیم مذاکره‌کننده از مواضع مطرح‌شده توسط ایشان در مذاکرات استفاده می‌کرد؛ مخصوصاً زمانی که بعد از لوزان به گره‌های سخت خورده بود، علنی کردن خط قرمزها و ادبیات صریح رهبری نقش بسیاری در عقب‌نشینی‌های طرف مقابل داشت و اگر آن ادبیات تند و صریح نبود، ما اکنون شاهد نتیجه‌های به‌دست آمده نبودیم.

باز کردن میدان برای فعالیت تیم هسته‌ای

مسئله باز کردن میدان فعالیت برای تیم هسته‌ای هم موضوع بسیار مهمی بود؛ البته چنین رویکردی برای تیم‌های هسته‌ای قبل هم وجود داشت که در برخی اوقات کمتر استفاده شد؛ اما حمایت از تیم هسته‌ای، راهبرد بسیار مهم رهبری بود که اگر این حمایت صورت نمی‌گرفت، تبعاتی دامن مذاکره‌کنندگان ما را می‌گرفت. در آغاز روی کار آمدن دولت یازدهم، طرف‌های مقابل در مذاکره مدعی بودند که تیم مذاکره‌کننده جدید ایران با رهبری موضع دارند و چون حرف آخر را در جمهوری اسلامی ایران رهبری می‌زند، عملاً اطمینانی از مذاکره پیدا نمی‌کردند. در چنین موقعیتی رهبر انقلاب با مدیریت و تدبیری که داشتند، به‌گونه‌ای رفتار کردند که برای همه روشن شد رهبری پشت این مذاکرات هستند و از تیم مذاکره‌کننده حمایت می‌کنند؛ به همین دلیل، تیم ایرانی به‌عنوان نماینده جمهوری اسلامی مذاکره می‌کردند، نه نماینده دولت.

قدرت دفاعی و نظامی

اگر جمهوری اسلامی قدرت نظامی و دفاعی خود را تقویت نمی‌کرد، گزینه نظامی علیه ایران از روی میز آمریکا کنار نمی‌رفت. حتی می‌توان ادعا کرد که اگر ایران در جنگ نیابتی سی‌وسه‌روزه توسط حزب‌الله، اسرائیل را شکست نمی‌داد، شاید تاکنون به ایران حمله شده بود؛ ولی توان دفاعی و نظامی ایران نقش کلیدی داشت که باعث شد آمریکا نتواند راهی جز مذاکره را در پیش گیرد.

پیشرفت‌های هسته‌ای

اگر ایران در ده سال اخیر نتوانسته بود به پیشرفت‌های هسته‌ای برسد، داشته‌ای برای مذاکره نداشت. هزاران سانتریفیوژ فعال، نیروگاه اراک، غنی‌سازی ۲۰ درصد، تولید میله سوخت نیروگاه تهران، فعال‌سازی فردوی نفوذناپذیر و... همه نمونه‌هایی است که اگر وجود نداشت، امکانی برای مذاکره و بده‌بستان وجود نداشت.

افزایش روزافزون قدرت منطقه‌ای

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین عوامل مجبور شدن آمریکا در عقب‌نشینی از مواضع زیاده‌خواهانه قبلی‌اش، رسیدن به این نکته مهم بود که اگر ایران در همین مقطع به نتیجه نرسد، مجبور خواهد شد به دلیل افزایش قدرت منطقه‌ای، با امتیازات بیشتری او را بپذیرد. تجربه پایان ضرب‌الاجل توافق ژنو در وین قبل، به روشنی گواه این مسئله است؛ چون آن زمان با اینکه هنوز در کنگره آمریکا دموکرات‌ها در اکثریت بودند و بهترین فرصت برای تفاهم با ایران وجود داشت و مذاکرات فنی در مراحل نهایی خود پیشرفت کرده بود، آمریکا با زیاده‌خواهی مذاکرات را ابتر گذاشت. آن‌ها با احضار سعود الفیصل به وین و مذاکره کری با او در هواپیما، طرح کاهش قیمت نفت را به امید اینکه ایران مجبور به عقب‌نشینی از مواضعش شود، آغاز کردند؛ اما مدتی کوتاه بعد از آن، اتفاقات یمن شروع شد و آمریکا به این نتیجه رسید که چاره‌ای جز تعامل با ایران ندارد.

استقامت مردم در برابر فشار تحریم‌ها

با امکان پذیر نبودن حمله نظامی به ایران، آخرین حربه دشمن سوءاستفاده از ضعف مهم نظام یعنی اقتصاد بود؛ به همین دلیل با تحریم‌ها فشار بی‌سابقه‌ای بر اقتصاد کشور تحمیل کرد. در آغاز مخصوصاً بعد از انتخابات ۹۲، به اشتباه به این تصور رسید که ایران به دلیل فشار تحریم‌ها تغییر رویکرد داده است؛ اما گذشت زمان نشان داد تغییر رویکرد ناشی از فرصت تغییر دولت‌ها است و با تغییر تاکتیک، تغییر استراتژی صورت نگرفته است؛ اما آنچه باعث ناامیدی دشمن و ناچاری به قبول حقوق ایران شد، «اراده» محکم مردم ایران با وجود همه سختی‌های اقتصادی بود. نباید تردید داشت که دشمن با همه امکانات خود و با پیشرفته‌ترین روش‌ها، نظرسنجی‌های دقیقی از مردم ایران تهیه کرده است. آن‌ها براساس همین نظرسنجی‌ها به یقین رسیدند که مردم ایران با اینکه علاقه دارند مذاکرات به نتیجه برسد، به هیچ‌وجه حاضر به توافقی مخالف مصالح و عزت ملی‌شان نیستند. بی‌تردید ناامید شدن آمریکا از ادامه فشار تحریم‌ها نقش کلیدی در پذیرش مطالبات مردم ایران داشت.

دیپلماسی هوشمندانه و خلاقانه

دیپلماسی هوشمندانه و پراز خلاقیت تیم هسته‌ای مخصوصاً آقایان دکتر ظریف و عراقچی، نقش تاریخی در این نتیجه دارد. مطالعهٔ برجام به‌روشنی حاکی از پیچیدگی‌ها و ابتکارات خلاقانه‌ای است که به‌عنوان یک ناظر منصف نمی‌توان در برابر آن زبان به تقدیر بازنگشود. پیدا کردن راه‌های میانه‌ای که منافع حیاتی و خط قرمزهای استراتژیک ما را به‌گونه‌ای لحاظ کند که راه تفاهم بسته نشود و مذاکرات و چانه‌زنی‌های طولانی و سنگین ادامه یابد، در تاریخ دیپلماسی ایران ثبت خواهد شد. می‌توان نقش تیم هسته‌ای را به مهاجمان فوتبال تشبیه کرد. روشن است که اگر در یک تیم فوتبال دروازه‌بان، دفاع و هافبک‌های تدافعی و تهاجمی خوب بازی نکنند و نتوانند خط حمله را تغذیه کنند، بزرگ‌ترین مهاجم دنیا هم نمی‌تواند نتیجهٔ یک بازی را به‌نفع تیم رقم بزند؛ اما نباید این واقعیت را نادیده گرفت که اگر همهٔ تیم بهترین بازی را ارائه دهند اما مهاجم در زدن ضربهٔ آخر مهارت نداشته باشد، باز هم نتیجه‌ای در خور به دست نخواهد آمد. تیم هسته‌ای دوازده سال قبل که پای میز مذاکره نشسته بود، آورده‌ای نداشت که بتواند ضربهٔ آخر را بزند؛ اما این بار با توجه به تغذیه‌ای که توسط دیگر اجزای نظام و مردم شد، نشان داد که در زدن ضربهٔ آخر از مهارت، خلاقیت و توان کم‌نظیری برخوردار است.

امدادهای الهی

همهٔ آنچه گفته شد ذیل الطاف بیکران الهی تعریف می‌شود؛ اما نباید از امدادهای آشکار و پنهان الهی غفلت کرد که شمارش آن تحلیلی مستقل می‌طلبد. خداوند وعده داده است مردمی که با وحدت و یکپارچگی، تدبیرکنندهٔ کارهای خود را خدا می‌خوانند و استقامت می‌کنند (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا) با کمک فرستادگان نازل شده به زمین از سوی خدا (تَنْزِيلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ) به مرحله‌ای می‌رسند که از هیچ دشمن و سختی نمی‌هراسند و اندوهگین نخواهند شد (أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا).

فصل دوم

اجرای برجام به مهمی متن برجام

برجام سندی است که در صورتی که در دو کشور ایران و آمریکا نهایی شود، تازه وارد مرحله سخت خود یعنی اجرای آن می شود. برجام سندی است که بیشتر از این که حقوقی باشد سندی سیاسی با جزئیاتی از فرایندهای اجرایی است.

امکان تفسیرهای مختلف، احتمال وجود حفره های مورد غفلت قرار گرفته، پایه گذاری آن بر امکان بازگشت پذیری توسط هر طرف به تنهایی، اهمیت برداشت عمومی مبتنی بر بازنمایی آن، تغییر تحولات سیاسی آینده همه و همه نشان دهنده این امر است که اجرای این سند اگر از خود متن مهمتر نباشد به همان اندازه از اهمیت برخوردار است به گونه ای که می توان در حوزه اجرا برخی نقاط ضعف را پوشش داد یا می توان با همه نقاط قوت برجام آن را در اجرا به توافقی بد تبدیل کرد. در این زمینه محورهای زیر باید مورد توجه مجریان قرار گیرد:

۱. همانطور که در بخش داده و ستانده ها گفته شد، آرمان ایدئولوژیک و منافع استراتژیک ما ایجاب می کند، که رویکرد استکبارستیزی جمهوری اسلامی همچنان و قوی تر از گذشته حفظ شود و همپیمانان منطقه ای ما و بقیه کشورهای دنیا تردیدی در عدم تغییر این رویکرد پیدا نکنند.

۲. روشن است که دشمن از نقطه ضعف ما در ناکارآمدی و وابسته بودن اقتصاد ما استفاده کرد و تحریم ها را کلید زد به همین دلیل بی تردید حرکت به سمت اقتصاد غیروابسته مخصوصا با توجه به رفع تحریم ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است که باعث می شود با برطرف شدن نقطه ضعف اصلی کشور، دشمن از موثر بودن تحریم مجدد ناامید شود لذا می توان مدعی شد بیشتر از همه نکات حقوقی و تدبیرهای سیاسی، اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی در عمل بهترین تضمین برای اجرای درست برجام و حفظ حقوق ایران محسوب می شود.

۳. بر اساس تحلیلی که در فصل بازگشت پذیری اشاره شد، یکی از برنامه ریزی های بسیار مهم برای تضمین جلوگیری از نقض عهد آمریکا و در صورت نقض عهد عدم اجماع اعضای ۵+۱ علیه ایران، برنامه ریزی دقیق برای تعامل اقتصادی با دیگر کشورها است. در این میان علاوه بر این که کشورهای روسیه و چین باید بعنوان شرکایی استراتژیک مورد توجه قرار گیرند، ضروری است برای کشورهای اروپایی نیز منافع مشترک تعریف کرد مخصوصا برای کشورهای اروپای دوم (کشورهای اروپایی منهای سه کشور انگلیس، فرانسه و آلمان) که می توانند از طریق اتحادیه اروپا بعنوان یکی از اعضای کمیسیون مشترک برجام، در تامین منافع ایران، تاثیرگذار باشند.

۴. همانطور که ذکر شد یکی از عوامل مجبور کردن طرق مقابل به پذیرفتن حقوق و منافع ایران، افزایش قدرت منطقه ای ایران است لذا ادامه حمایت از جبهه مقاومت و هم پیمانان منطقه ای تاثیر مستقیمی بر جلوگیری از نقض عهد طرف مقابل در اجرای برجام و برطرف کردن نقاط ضعف این توافق خواهد داشت.

۵. سند برجام متنی بسیار پیچیده است که باعث می شود اولاً امکان تفسیر به رای به همه طرف ها را بدهد و ثانیاً اجازه نمی دهد کشورهای مختلفی که خواهان ارتباط سیاسی و اقتصادی با ایران هستند، بر اساس واقعیت های حقوقی آن اقدام کنند بلکه آن ها بر اساس برداشت های خود از تصویر بازنمایی شده برجام، روابط دوجانبه خود را با ایران پایه گذاری می کنند لذا هر طرف که بتواند تفسیرهای خود را از برجام در فضای بین المللی تثبیت کند، نتیجه کلی برجام را به نفع خود تمام کرده است، به همین دلیل طرف ایرانی باید با انتخاب ادبیات مناسب و صریح و علنی کردن اقدامات برنامه ریزی شده و پاسخ متقابل به تفسیر به رای ها طرف آمریکایی، اجازه ندهد، برجام متناسب با اهداف و تفاسیر طرف آمریکایی بازنمایی و تثبیت شود.

۶. دو سال مذاکره مستقیم با آمریکا و به نتیجه رسیدن این مذاکرات، بطور طبیعی این زمینه را ایجاد می کند که، زمینه پذیرش اجتماعی برای عادی سازی رابطه با آمریکا و حرکت به سمت اجازه برای حضور و نفوذ این کشور در ایران ایجاد شود. روشن کردن این مساله برای مردم ضروری است که آمریکا نه به دلیل تغییر نگاهش به ایران بلکه همانطور که ذکر شد به دلیل عدم امکان جلوگیری از پیشرفت ایران ناچار به عقب نشینی از اهداف اولیه و پذیرش حقوق اصلی ایران شد و در همین راستا باید به جدیت مراقب استفاده از فضای موجود و نفوذ مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در فضای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران شد.

خلاصه

تدبیر اینکه از فرصت دوره برجام دستگاه سیاست خارجی و مسئولین اقتصادی کشور چگونه استفاده می کنند، تاثیر مهمی بر نتیجه خواهد گذاشت. باید برنامه ریزی دقیقی در حوزه اقتصاد داشت هم از حیث تعریف منافع مشترک اقتصادی با کشورهای ۵+۱ و اروپای دوم و هم از حیث پیاده سازی اقتصادمقاومتی. مراقبت از نفوذ آمریکا در عرصه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی ضرورتی مهم است و در حوزه سیاست خارجی نیز حفظ

رویکرد استکبارستیزی و حمایت از جبهه مقاومت و متحدان منطقه ای، برای افزایش قدرت بازدارندگی از اهمیت راهبردی برخوردار است و تصور اینکه با عادی سازی رابطه با آمریکا و حل شدن در نظام ناعادلانه بین الملل می توان طرف مقابل را مجاب به رعایت برجام کرد، موهوم و غیرواقع بینانه است. تجربه عملی ما نشان داد که همچنان نظریات «تو واقع گرایی» بر نظریات «آرمان گرایی» در روابط بین الملل برتری دارد بر این اساس نباید فراموش کرد دلیل اصلی که قدرت های دنیا مجبور شدند با مشروعیت دادن به ایران، روزها و ساعت ها پای میز مذاکره بیایند و به ما پرستیژ بین المللی بدهند، قدرت منطقه ای ایران است که بر اساس حمایت از جبهه مقاومت ایجاد شده است پس حتی اگر آرمان های ایدئولوژیک مبتنی بر تکالیف موکد قرآنی را هم کنار بگذاریم، خطایی استراتژیک خواهد بود که به جای افزایش «ظرفیت های قدرت آفرین» در حمایت از جبهه مقاومت، به حرف های به ظاهر زیبا اما «زائل کننده قدرت»، مانند عادی سازی رابطه با آمریکا بپردازیم. امروز دیگر همه سیاستمداران دنیا پذیرفته اند که دنیای روابط بین الملل جای «واقعیت های مبتنی بر قدرت بیشتر» است نه جای «آرمان های مبتنی بر تعامل».

حسن ختام

هرگز پیشنهاد صلح ازطرف دشمن را که
خشنودی خدا در آن است، رد مکن که آسایش
رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت کشور در
صلح تأمین می‌شود؛ لکن زنده‌ها را از دشمن خود
پس از آشتی کردن؛ زیرا گاهی دشمن نزدیک
می‌شود تا غافلگیر کند؛ پس دوراندیش باش و
خوش‌بینی خود را متهم کن...

از توصیه‌های امیرالمؤمنین^(ع) به مالک اشتر

نهج البلاغه، نامه ۵۳

چه برجام نهایی شود و چه نشود، بی‌تردید یکی از مهم‌ترین فرازهای تاریخ دیپلماسی ایران در حال رقم‌خوردن است. به همین دلیل، وظیفه هر کارشناس مطلع و دلسوزی است که این سند تأثیرگذار بر آینده کشور را عالمانه و به‌دور از جانب‌داری بررسی کند. برآیندگیری کنیم؛ همچنین در تحلیلی کلان با روش علمی داده‌سازنده، قوت‌ها و ضعف‌های برجام را در کنار هم خواهیم کرد. آنگاه در صورت وجود این حفره‌ها، میزان تأثیرگذاری‌شان در نتیجه نهایی برجام را بررسی می‌کنیم. درنهایت نیز با روشی علمی به انطباق و انحراف‌گیری برجام با خطوط قرمز علنی شده می‌پردازیم. امیدواریم این تلاش بتواند برای تصمیم‌سازان امروز و محققان فردا مفید باشد.

ISBN: 978 - 600 - 95698 - 1 - 6

